

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# استضعاف و استکبار

از

دیدگاه امام خمینی (س)

تبیان

آثار موضوعی

دفتر چهارم



## فهرست مطالب

○ مقدمه	الف
<b>فصل اول: مفهوم مستضعف و مستکبر</b>	۱
□ معنای استضعاف و استکبار	۳
□ مصادیق مستضعف و مستکبر	۵
<b>فصل دوم: عوامل استضعاف</b>	۹
<b>فصل سوم: آثار استکبار و استضعاف</b>	۲۷
<b>فصل چهارم: مواجهه تاریخی مستضعفین و مستکبرین</b>	۳۹
□ مستضعفین و مستکبرین در سیره انبیا و ادیان الهی قبل از اسلام	۴۱
□ مستضعفین و مستکبرین در اسلام	۴۸
□ سرانجام مستضعفین و مستکبرین	۷۲
<b>فصل پنجم: انقلاب اسلامی و مستضعفین</b>	۷۹
□ نقش مستضعفین در تکوین و تداوم نهضت اسلامی	۸۱

- محرومیت زدایی و دفاع از حقوق مستضعفان در نظام جمهوری اسلامی ..... ۹۹
- الگوپذیری ملل مستضعف از نهضت اسلامی ایران ..... ۱۲۶

### فصل ششم: وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان جهان در مقابل استکبار ۱۳۱

- بیداری و هوشیاری ..... ۱۳۳
- تشکیل حزب مستضعفین ..... ۱۳۹
- قیام و تداوم مبارزه حق طلبانه ..... ۱۴۲

### فهارس: ..... ۱۵۵

- فهرست تفصیلی ..... ۱۵۷
- فهرست مآخذ ..... ۱۷۱
- فهرست منابع ..... ۱۸۷

## مقدمه

بی تردید یکی از نتایج انقلاب اسلامی که بر عظمت و دورانسازی آن افزود، باز احیایی فرهنگ اسلامی در ایران و جهان است. این تحول آشکار، ابعاد مختلفی دارد. از میان مهمترین و تأمل برانگیزترین موضوعات فرهنگی احیا شده، احیای مفاهیم و واژگان اصیل اسلامی است. یک درون‌بینی موفق و راهگشا از پدیده انقلاب اسلامی، هنگامی میسر است که بتوانیم واژگان و مفاهیمی که در پرتو بازاندیشی فضای مفهومی جدید انقلاب اسلامی (علم سیاست جدید) به دست آمده است را درک نماییم.

دو مفهوم استضعاف و استکبار در رأس این مفاهیم قرار می‌گیرند. این مفاهیم در سیاست انقلاب اسلامی علاوه بر آنکه از بابت بازاحیایی مجددشان اهمیت دارند، هر یک از آنها دارای معانی بکر و فحواهای تازه‌ای هستند که تاکنون در علم سیاست قدیم و حتی علوم سیاسی مدرن مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

استضعاف در قرآن و نیز در تجربه انقلاب اسلامی اولاً، دارای یک روح جمعی است و ثانیاً، فحوای رابطه ویژه‌ای میان انسان و خداوند را در خود دارد. از این رو، احیای دو مفهوم استکبار و استضعاف گویای شدت گرایش توحیدی و دینی در انقلاب اسلامی و آحاد سازنده آن است.

استکبار، آنگونه که از قرآن کریم بر می آید، مفهومی است که در هنگام بی‌اعتنایی فرد به عبودیت و سر برتافتن وی از بندگی خداوند خلق می‌شود\* مستکبر همواره در برابر خداوند کبر می‌ورزد نه در مقابل هم‌منوع خود؛ همچنانکه اصطلاح مستضعف نیز نه در برابر هم‌منوع خود که مستکبر باشد، بلکه در برابر خداوند معنا می‌یابد. مستکبرین و مستضعفین در ارتباط بلاواسطه با هم قرار ندارند؛ خداوند در میانه آنان قرار دارد؛ یعنی هر یک از دو گروه، پس از وصف موضع آنان در قبال ظهور انبیا و در قبال خداوند، به صورت مرتبط با هم در قرآن مورد ذکر قرار می‌گیرند. همچون مستضعف، مستکبر نیز بر حسب انحراف از محور یا اصل جایگاه خلیفه‌الهی انسان مشخص می‌شود. مستضعف فردی است که از جایگاه خلیفه‌الهی به ضعف گراییده و سقوط کرده است. مستضعف از ظرفیتهای انسانی خود در برابر مصادر جور تهی شده است. به همین منوال، مستکبر فردی است که برعکس جایگاهی فراتر جانشینی خداوند (خلیفه‌الهی) برای خود می‌طلبد و گویی می‌خواهد صفت کبریایی خداوند را مال خود کند.

بنابراین، پیکار مستضعفین با مستکبرین بر اساس تضاد طبقاتی نیست؛ بلکه یک مبارزه اصولی و برخاسته از پایه‌های فکری اعتقادی است که ریشه در دین دارد. به این معنا که بین دستگاههای استکباری و حکومتهای الهی، همواره یک تقابل ذاتی وجود دارد به نحوی که تاریخ بشر همواره شاهد جنگ و ستیز مستکبرین با مستضعفین و پیکارگران راه حق و دشمنی و کینه آنها نسبت به نهضت‌های الهی بوده است؛ به همین خاطر مبارزه با مستکبرین و سلطه‌جویان و طغیانگران در رأس برنامه انبیا، جهت پیشبرد اهداف الهی قرار داشته و فرستادگان حق در این مبارزه ذره‌ای سازش و مسامحه نکرده و یک قدم نیز از مواضع اصولی خود عقب ننشسته‌اند.

بدین جهت، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نیز در طول نهضت الهی خود به مبارزه اصولی با مستکبرین و اعلام حمایت از مستضعفان و کوخ‌نشینان

---

\* ن.ک. اعراف / ۲۰۶.



برخاسته، و انقلاب اسلامی ایران را یکی از نمودهای عینی مبارزهٔ حق‌گویان با مستکبرین می‌دانند.

امام (س) معتقد بودند که انقلاب اسلامی ایران در عصر حاضر می‌تواند الگو برای دیگر مردم محروم و مستضعف، بویژه مسلمانان جهان شود که مرعوب غول استکبار نشوند و بدانند که حرکت توده‌های مستضعف به خوبی قادر است آنان را از تخت جبر و تستان پایین بکشد تا اینکه آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و مستضعفان طلوع نموده، و تحقق عملی به وعده حق تعالی بخشند.

در «علم سیاست جدید» انقلاب اسلامی، تقریباً همه واژگان و از آن جمله استضعاف و استکبار، در ارتباط با خداوند و تجربهٔ معنوی جدید تعریف می‌شوند و مشخصتر، در متن جنبش یا نهضتی از جنس نهضت‌های انبیا معنا می‌یابند. «علم سیاست جدید» در تجربهٔ انقلاب اسلامی، عمدتاً ناظر بر تعاریف جدیدی از روابط قدرت و معناهای جمعی جدیدی از عدالت، دولت، جهان و غیره؛ است و مجموعاً حاکی از حرکتی آغازگونه و تأسیسی، به سوی خداوند و بندگی اوست؛ اما علم سیاست جدید یا گفتمان جدید قدرت، این بار در خدمت سلطهٔ فاعل انسانی یا توجیه‌گر این سلطه نیست. گفتمان جدید قدرت در انقلاب اسلامی، که اغلب مستقیم یا غیرمستقیم از آیات قرآنی مستفاد است، گویای میل دسته‌جمعی به بندگی خداوند یا به تعبیر فوکو، تجربه معنوی جدید است. ترجیح عمومی مستضعف به رنجبر یا تحت‌ستم یا کارگر (که الهامی از ادبیات مارکسیستی را در خود حمل می‌کند) یا مستکبر بر ظالم، ستمگر یا سرمایه‌دار و امپریالیست، به خوبی این اراده را بازنمایی می‌کند.

شایسته است روشنفکران ارگانیک نظام جمهوری اسلامی و ناظران تحلیلگری که انقلاب اسلامی و رهبری امام، حس ستایش و تحسین آنان را برانگیخته است، به گفتمان قدسی قدرت در انقلاب اسلامی توجه بیشتری نموده، و بی‌تأمل در رواج آن بکوشند.

## ویژگیهای این مجموعه:

- ۱- این مجموعه که در گروه اجتماعی حوزه معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام(س) استخراج و تنظیم شده، مشتمل بر شش فصل است.
- ۲- در تنظیم این مجموعه کوشیده‌ایم عبارتها را با توجه به پیام صریح و اصلی آنها ذیل نزدیکترین عنوان انتخابی بیاوریم و از تکرار آنها در سایر عناوین به استثنای موارد معدود خودداری کنیم؛ لذا محققین محترم برای احصای نقطه نظرات حضرت امام در خصوص هر عنوان، نمی‌توانند به موارد ذکر شده ذیل همان عنوان اکتفا نمایند، بلکه مراجعه به سایر عناوین این مجموعه اجتناب‌ناپذیر است.
- ۳- فهرست عنوانها و مآخذ کلام امام(س) در پایان این مجموعه آورده شده که راهنمای مناسبی برای دسترسی به مطالب و مآخذ مورد نیاز محققان است.
- ۴- در تنظیم قطعات منتخب داخلی هر یک از فصول و عنوانهای فرعی، ترتیب و توالی تاریخی صدور آنها از طرف حضرت امام ملاک بوده، نه توالی منطقی مطالب.
- ۵- برای هر یک از قطعات منتخب، جمله یا عنوانی در نظر گرفته شده است که عبارت آن لزوماً عین عبارت حضرت امام نیست؛ لذا محققان محترم توجه داشته باشند که این عناوین نباید به حضرت امام منتسب گردد.
- ۶- تاریخها در ذیل هر قطعه و مآخذ براساس صحیفه امام تنظیم یافته است.

## معاونت پژوهشی

مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س)

## فصل اول

### مفهوم مستضعف و مستکبر

□ معنای استضعاف و استکبار

□ مصادیق مستضعف و مستکبر



## □ معنای استضعاف و استکبار

### ابر قدرتها ما را ضعیف و هیچ انگاشته‌اند

ما همه جزء مستضعفین هستیم؛ یعنی ما اشخاصی بودیم که ابر قدرتها ما را ضعیف می‌شمردند، ما را هیچ می‌دانستند؛ ما می‌خواهیم از این جهت بیرون بیاییم. (۱)

۵۸/۲/۲۹

\*\*\*

### معنای اعم مستکبر

من باید بیان «مستضعف» و «مستکبر» را به اندازه‌ای که در این مجلس مناسب است عرض کنم. «مستکبرین» منحصر نیستند به سلاطین، منحصر نیستند به رؤسای جمهور، منحصر نیستند به دولتهای ستمگر. مستکبرین یک معنای اعمی دارد؛ یک مصداقش همان اجانب هستند که تمام ملتها را ضعیف می‌شمردند و مورد تجاوز و تعدی قرار می‌دهند؛ یک مورد هم همین دولتهای جائر، سلاطین ستمگر که ملتهای خودشان را ضعیف می‌شمردند و به آنها تعدی می‌کنند، دست تعدی به ملتها دراز می‌کنند. چنانچه در این پنجاه و چند سال شما مبتلا بودید و ما هم مبتلا بودیم و همه ملت مبتلا بودند. ملت را ضعیف می‌شمردند و ملت را از روی استکبار نظر می‌کردند و به ملت تعدی می‌کردند و تجاوز می‌کردند. (۲)

۵۸/۳/۴

\*\*\*

### رابطه آزادی با استکبار و استضعاف

امروز روزی است که خدای تبارک و تعالی به ما آزادی و استقلال مرحمت فرموده است، و ما را با این آزادی و استقلال امتحان می‌کند. ما را آزادی مرحمت فرموده است که ببیند در این آزادی ما چه می‌کنیم. ما مستقل شدیم و خداوند به ما این مرحمت را

فرمود تا ما چه بکنیم: آیا ما هم از مستکبرین باشیم یا از مستضعفین؟ هر فرد، می شود که مستکبر باشد و می شود مستضعف باشد. اگر من به زیر دستهای خودم، ولو چهار نفر باشد، تعدی و تجاوز کردم و آنها را کوچک شمردم، بنده خدا را کوچک شمردم، من مستکبرم و او مستضعف؛ و مشمول همان معنایی است که مستکبرین و مستضعفین هستند. اگر شما کسانی که زیر دستتان هست ضعیف شمردید و به آنها خدای نخواستہ تعدی کردید، تجاوز کردید، شما هم مستکبر می شوید. و آن زیر دستها مستضعف. ببینیم ما از این امتحان، از این بوته امتحان چطور بیرون می آییم. آیا سرفراز بیرون می آییم یا گردن کج و شکسته؟ آیا ما با بندگان خدا به طوری که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است رفتار می کنیم؟ حالا که آزاد شدیم، آزادی را وسیله برای خدمت به خلق و خدمت به خالق قرار می دهیم. یا آزادی را برای مخالفت با خدا و استکبار بر مردم؟ (۳)

۵۸/۳/۴

\*\*\*

### قضیه استضعاف

این طبقه ای که آن بالانشینها اینها را پست می شمردند می گفتند طبقه پایین. منطق مستکبرین همین بود که استکبار [می کردند] تکبر می فروختند بر جامعه؛ ملت ما را طبقه پایین حساب می کردند. بالا کی بود؟ آقای «آریامهر» و آن دستجات خودش! آنها بالاها بودند؛ و همه شما را و همه ما را و همه ملت را حساب نمی آوردند. چیزی نیستند اینها! قضیه استضعاف همین است؛ نه اینکه خدا می فرماید ضعفا. ضعفا نه، مستضعفها. یعنی آنهایی که قدرت دارند، قدرت ایمان دارند، و آنها نمی فهمند و اینها را مستضعف حساب می کنند می گویند اینها ضعیفند. آنهایی که اینها را جزء ضعفا می شمارند نه اینکه ضعفا هستند... نه اینکه شما ضعیفید. شما ایمان دارید، شما آن بودید که یک همچو قدرتی را با مشت عقب زدید و به جهنم فرستادید. (۴)

۵۸/۷/۴

\*\*\*

## □ مصالحتی مستضعف و مستکبر

### مبارزه پیغمبر با قدرتمندان حجاز

آن وقتی که پیغمبر اکرم در حجاز بودند، قدرتمندهای حجاز که ابتدائاً سر و کار داشته پیغمبر با آنها؛ یک دسته‌شان در مکه بودند که تجار خیلی معتبر و قدرتمند بودند؛ یک دسته‌شان در طایف بودند که آنها هم ثروتمندهای آنجا بودند و قدرتمندهای آنجا بودند، ابوسفیان و امثال اینها. اینها نظیر حکام و سلاطین بودند و دارای همه چیز بودند، و پیغمبر اسلام با آنها درافتاد. وقتی که تشریف آوردند به مدینه، با همین فقرا بودند ایشان؛ نه با ثروتمندها بودند برای خواب کردن جمعیت. با فقرا بودند برای بیدار کردن فقرا. این فقرا را شوراندند به آن اغنیایی که مال مردم را می‌خوردند و ظلم به مردم می‌کردند. جنگهای پیغمبر زیاد است و همه این جنگها، جنگهای با ثروتمندها و قدرتمندها و ظلمه بوده است. (۵)

۵۷/۷/۲۳

\*\*\*

### قیام حضرت موسی بر ضد فرعون

توجه به مصالح مستضعفین در قبال مستکبرین که اولش فرعون بود، قیام بر ضد مستکبرین، طریقه حضرت موسی - سلام الله علیه - بوده و درست این معنی برخلاف آن [طرحی] است که این طایفه صهیونیستها دارند. اینها اتصال به مستکبرین پیدا کردند. جاسوس آنها هستند؛ نوکر آنها هستند؛ و بر ضد مستضعفین عمل می‌کنند. (۶)

۵۸/۲/۲۴

\*\*\*

### قیام طبقه محروم در برابر رژیم شاهنشاهی

رژیمهای شاهنشاهی و مستکبرین وابسته به آن رژیم، همیشه راه آنها غیر راه اسلام

بوده است و با مبارزه با اسلام، زندگی منحوس خود را ادامه می دادند. مستضعفین بودند که دنبال انبیا بودند، دنبال علما بودند، دنبال اولیا بودند. نهضت ما هم با مستضعفین پیش رفت. مستکبرین یا فرار کردند یا در منازل خود نشستند. آنهایی که امروز برای استفاده نامشروع می خواهند سر این سفره بنشینند کجا بودند آن روز که مستضعفین خون خود را می دادند؟ یا در بیغوله ها بودند و یا در خارج. این مستضعفین اند که نهضت ما را به پیش بردند؛ اینها هستند که خون خود را ریختند. جوانان دانشگاهی، جوانان مدارس قدیم، جوانان بازاری، عشایر محترم، این طبقه بودند که با قیام خود رژیم منحوس را عقب نشانند و دست نفتخواران مفتخوار را قطع کردند. (۷)

۵۸/۲/۲۶

\*\*\*

### تجاوز و تعدی دولتها به ملتها

«مستکبرین» منحصر نیستند به سلاطین، منحصر نیستند به رؤسای جمهور، منحصر نیستند به دولتهای ستمگر. مستکبرین یک معنای اعمی دارد؛ یک مصداقش همان اجانب هستند که تمام ملتها را ضعیف می شمردند و مورد تجاوز و تعدی قرار می دهند؛ یک مورد هم همین دولتهای جائز، سلاطین ستمگر که ملتهای خودشان را ضعیف می شمردند و به آنها تعدی می کنند، دست تعدی به ملتها دراز می کنند. (۸)

۵۸/۳/۴

\*\*\*

### طبقه مؤمن در مقابل قدرتهای فرعونى

در تمام ادوار، مؤمنین عبارت از این طبقه مقابل مستکبرین بودند که آنها دارای قدرتهای فوق العاده [بودند]. زمان حضرت موسی مؤمنین عبارت از یک دسته ای بودند در مقابل فرعون و قدرتهای فرعونى. و در آیه می فرماید که از خودشان، از خود مؤمنین، یعنی از این طبقه پایین به اصطلاح، خداوند منت بر آنها گذاشته که از این، همین طبقه مؤمنها - که مؤمنها در همه عصرها عبارت از همین طبقه پایینتر بودند - مقابل مستکبرین



مفهوم مستضعف و مستکبر / ۷

که طبقات بالا بودند. (۹)

۵۸/۴/۳۰

\*\*\*

### قیام حضرت ابراهیم در مقابل نمرود

همهٔ ادیان وقتی که شما ملاحظه بکنید، سران این ادیان که انبیا بودند، اینها از طبقهٔ مستضعف قیام کردند و طبقهٔ مستضعف را بر ضد قدرتها شوراندند. حضرت ابراهیم خودش بوده و یک تبری؛ از طبقهٔ پایین، در مقابل آن نمرود<sup>(۱)</sup> عصر قیام کرد، و آن مظاهر آنها، که مظاهر اشرافیتشان بود و بت هم آن وقت [از] مظاهر اشرافی بود، آنها را شکست. حضرت موسی هم یک شبان و یک عصا؛ از همین طبقهٔ مستضعف. این طبقه را بر ضد فرعون و بر ضد دستگاه طاغوتی برافراشت؛ اینها را برانگیخت بر ضد آنها؛ نه اینها را خواب کرد تا آنها بخورند! اینها را بیدار کرد که آنها را بکشند. (۱۰)

۵۸/۶/۱۲

\*\*\*

### محرومان انقلابی و کاخ نشینان پوسیده

شما این انقلاب را به ثمر رساندید و گروههایی که در سرتاسر این کشور این انقلاب را به ثمر رساندند، همان زن و مرد محروم [بودند] و همانهایی که مستضعف هستند و کاخ نشینها آنها را استضعاف می‌کنند و اینها ثابت کردند که کاخ نشینها هستند که ضعیفند و پوسیده‌اند و برای این ملت هیچ کاری نکرده‌اند و نخواهند کرد. (۱۱)

۶۰/۱/۱۶

\*\*\*

### جبهه‌گیری مظلومان جهان در مقابل بر نامه‌های فرعون

دو طایفه به شما توجه دارند: یک طایفهٔ مستکبرین و سودجودها و طوایفی که به آنها

---

۱. نام پادشاه بابل که ادعای خدایی کرد و ابراهیم خلیل (ع) را در آتش افکند.

وابسته هستند. آنها را توقع نداشته باشید که با شما صلح بکنند، آنها هم نخواهند صلح کرد. آنها همه‌شان همان برنامه «فرعون»‌ها را دارند که سرسازش هیچ ندارند و یک دسته هم مستضعفین جامعه هستند که اکثریت و یک اکثریت محروم هستند، این دسته هم با شما هستند.

هیچ اشکال ندارد که این برنامه شما اگر در خارج تحقق پیدا کند، تمام مظلومهای جهان دورش جمع می‌شوند. (۱۲)

۶۰/۱۰/۳۰

\*\*\*

## فصل دوم

### عوامل استضعاف



## □ عوامل استضعاف

### دست نشاندگی دولتها

این فلسطین که اکنون در رأس مصیبتهاست؛ این اختلاف کلمه و سرسپردگیهای بعضی از سران ممالک اسلامی که با داشتن منابع طبیعی سرشار و ذخایر گرانها و جمعیت هفتصد میلیونی نتوانسته‌اند دست استعمار و صهیونیسم را از بلاد اسلامی قطع کرده و به نفوذ ایادی آن پایان بخشند؛ این هواهای نفسانیه و دست نشاندگی بعضی دول عربی است که موجب شده جمعیت صد میلیونی عرب نتوانند فلسطین را از چنگال اسرائیل برهانند. (۱۳)

۵۱/۷/۱۹

\*\*\*

### تبلیغات غلط استعمار

پس، اینکه می‌گویند که اینها را قدرتمندها قرار داده‌اند برای خواب کردن، این یک چیزی است که حرف استعمار است؛ یعنی آنها این را درست کردند برای اینکه شما را از قرآن و از کتاب خدا و از اسلام، رویتان را برگردانند؛ این سد را بشکنند و خوب هم شکستند در بین مسلمین این سد را. مسلمین خواب رفتند به واسطه تبلیغات اینها. مسلمین به جنگ برخاستند با اسلام، خودشان ملتفت نبودند؛ این معنا را که کسی بگوید اسلام به زندگی چه کار دارد، این جنگ با اسلام است، این نشناختن اسلام است. اسلام به سیاست چه کار دارد، این جنگ با اسلام است. بین خود مسلمین که این مسئله مطرح است، کانه یک مسئله‌ای است که جنگ با اسلام [را] الآن شروع کرده‌اند و می‌کنند. (۱۴)

۵۷/۷/۲۳

\*\*\*

### جهل و بیخبری مسلمین

این تبلیغی بوده است که بر ضد قرآن شده است و نکته این تبلیغ هم این بوده است که

مسلمین را از قرآن جدا کنند و منطق قرآن را بشکنند در پس مسلمین، تا اینکه این شرقی‌ها که مسلمین هستند و دارای مخازن هستند، دیگر پشتوانه‌ای نداشته باشند که مقاومت کنند، اگر قرآن و روحانیت قرآن نباشد این مردم و توده‌ها، اینها مقاومت نمی‌کنند، اینها هستند که ممکن است، اینطور مطالعات به آنجا رسیده که اینکه سد است از برای راه استفاده غرب، این عبارت از قرآن است و عبارت از آن کسانی که درس قرآن خوانده‌اند، آنها ممکن است یک قدری جلوگیری بکنند از منافع، پس باید این دو تا سد را شکست تا راه باز بشود قرآن را با این منطق، به قول خودشان شکستند، یا خیال شکستش را داشتند، که اصلاً دین، نه دین اسلام، اصلاً دین از اول که بوده است یک مخدّری بوده. این برای این است که نه اینکه آنها اطلاع نداشتند، آنها اطلاعاتشان صحیح بوده، داشتند اطلاعات آنها؛ [ولی] فریبکاری می‌کردند؛ ماها اطلاع نداشتیم که فریب می‌خوردیم؛ آنها فریب می‌دادند و مقصد داشتند، مقصد سیاسی داشتند که منافعش به خودشان برسد، ولیکن مسلمین فریب خوردند؛ ما بی‌اطلاع بودیم. شاید در بین جوانهای ما هم حالا هم باز که به برکت اسلام و قرآن و روحانیت و اینها، یک همچو اساسی را دارند به هم می‌زنند و متزلزل می‌کنند، حالا هم اگر یک کسی که از عمال آنهاست یا خیر، خودش بازی خورده، شاید آن هم حالا همین حرف را باز تکرار کند که نه، قرآن و مثلاً روحانیون، اینها مخدّراتند؛ با اینکه می‌بینند این نهضتی که در پانزده سال پیش از این تا حالا پیا شده است و الآن متزلزل کرده است، نه [تنها] شاه را متزلزل کرده است، [که] امریکا را، انگلستان را، شوروی را؛ اینها دارند مطالعه می‌کنند که چطور تخلص<sup>(۱)</sup> پیدا کنند و نمی‌توانند هم تخلص پیدا کنند، برای اینکه سرنیزه کاری از آن بر نمی‌آید در مقابل اراده ملت؛ اینها هم باز در بینشان شاید پیدا بشود یک جاهلی که یک همچو کلمه‌ای بگوید، ولیکن از بی‌اطلاعی است.

... پس این منطق که اسلام یا سایر ادیان از مخدرات است، این منطق اجانب است که می‌خواهند مال شما را بخورند؛ می‌خواهند ما را از قرآن منفصل کنند تا اینکه پشتوانه‌ای نداشته باشیم؛ مثل قدرت قرآنی پشت سر ما نباشد و ما متفرق بشویم و هر کسی یک چیزی بگوید و تبلیغات آنها اثر بکند و جوانهای ما را منحرف کند و اسباب این بشود که

عوامل استضعاف / ۱۳

آنها مشغول کارشان بشوند. (۱۵)

۵۷/۸/۸

\*\*\*

### جدایی مسلمین از اسلام

اینهایی که این حرف را زدند که اسلام افیون است، می خواهند مسلمین را خواب کنند؛ می خواهند مسلمین را از اسلام جدا کنند؛ و مسلمین خواب بروند و آنها مال مسلمین را بخورند. (۱۶)

۵۷/۸/۱۴

\*\*\*

### غفلت مسلمین

مشکل عمده مسلمین همان دوری از اسلام و قرآن است؛ و اگر مسلمین به حسب امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**<sup>(۱)</sup> اگر به همین یک امر و نهی عمل می کردند، تمام مشکلاتشان - مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شان - رفع می شد؛ و هیچ قدرتی نمی توانست با آن مقابله کند. لکن مع الأسف به واسطه غفلت بعضی و عدم توجه بعضی و تغافل بعضی، از این امر محروم ماندند؛ و تا این امر الهی تحقق پیدا نکند، باید مسلمین انتظار گرفتاریهای بیشتر داشته باشند. (۱۷)

۵۸/۴/۲۶

\*\*\*

### خودخواهی حکومتها

میل داشتم که این حقیقت را از شما بشنوم، و این حقیقتی است که ما هم بر او مطلع هستیم که هرچه ضعف در مسلمین و فساد در ممالک اسلامی است، از حکومتهاست. حکومتها به واسطه خودخواهی که دارند مع الأسف برای اجانب به طور نوکری عمل

---

۱. بخشی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید».

می‌کنند و برای ملت خودشان آقایی می‌کنند، و تمام مفاسد را همین نوکری و آقایی در ممالک مسلمین ایجاد کرده است؛ (۱۸)

۵۸/۵/۲۴

\*\*\*

### بیماری روحی مستکبران

مستکبرین، جهان را از آن دید خاص استکباری خود و آن بیماری روحی که در آنها هست نگاه می‌کنند. و این بیماری موجب این شده است که توده‌های بزرگ ملت‌ها را اینها از جهان حساب نمی‌کنند. آقای کارتر خودش و عده‌ای که شاید تمام جمعیتشان را ما حساب بکنیم در تمام مملکتها، از این قریب سه میلیارد جمعیت دنیا پنجاه هزار نیستند. آنهایی که سران دولتهایی هستند که دیگران را وادار به جور و تعدی می‌کنند. این دید امثال ایشان این است که همه ملت‌ها چیزی نیستند. آنی که جزء جهان است عبارت است از یک عده معدودی امثال کارتر و دارودسته او. و آنهایی که در سایر جاها هم مع‌الأسف جزء دارودسته او شده‌اند، همه جهان را عبارت از این می‌دانند.

این دید مستکبرین است که سایر قشرهای بزرگ ملت‌ها را، آنهایی که دریایی هستند که کارتر و امثالش قطره است در مقابل آن دریاها، آنها را اینها نمی‌بینند. یعنی این بیماری اسباب این شده است که آنها را نبینند...

...این بیماری تا یک اندازه‌ای هم در محمدرضا بود. و همین بیماری اسباب این شد که از بین رفت او. این بیماری که [شخص] خودش را ببیند و چند تا از این تملق‌گوهایی که اطرافش هستند. و این دلقک‌هایی که دور و برش هستند. همینها را ببیند و ملت را اصلاً به حساب نیارد [و] نفهمد که هر مملکتی ملت‌ش اساس هستند. دولتها اقلیتی هستند که باید برای خدمت این ملت باشند. و اینها نمی‌فهمند که دولت خدمتگزار ملت باید باشد، نه حاکم بر ملت. این بیماری در آن آدم هم بود که خودش را همه چیز می‌دانست، و خودش را فرمانفرما و خودش را همه ملت می‌دانست. دیگر برای دیگران اصلاً [ارزشی] قائل نبود. و همین اسباب این شد که [به] این ملت آن خیانت‌ها را کرد. همه آن خیانت‌ها هم روی همین خیال بود که نمی‌دید کسی را که بازخواست کند از ایشان. به



نظرش نمی‌آمد که یک قدرت دیگری هم هست در مقابل سرنیزه و در مقابل مسلسل. یک قدرت دیگری هم هست. و این بیماری اسباب این شده که آن مشغول شد به آن جنایات. روی همان زمینه که قدرتی غیر از خودش نمی‌دید، و منتهی شد به اینکه دیدید و دیدیم. ایشان هم<sup>(۱)</sup> همان بیماری را یک قدر بیشتر دارد. برای اینکه هر چه قدرت زیادتر باشد این بیماری در آن زیادتر است. (۱۹)

۵۸/۸/۲۹

\*\*\*

### عدم مهار قدرتها از عوامل نقض حقوق انسانی

آقای کارتر با زور سرنیزه تمام حقوق انسانی را نقض می‌کند؛ و در مقابل ملتی که می‌خواهد حقوق خویش را مطالبه کند، به توطئه و ارباب، دخالت نظامی و محاصره اقتصادی، پرداخته است. در منطق آقای کارتر<sup>(۲)</sup> جواب درخواست بحق یک ملت را باید با قدرت و قوای نظامی داد. و در این منطق، منطق قرون وسطایی و حکومت جنگل بر تمام ارزشهای انسانی و قوانین بین‌المللی حکومت دارد. این است منطق همه زورمندان و مستکبران در مقابل ملتها و توده‌های ستمدیده. قدرتهایی که با تعلیمات انسانی - آسمانی مهار نشده است چشمها را کور و عقلها را آفت زده می‌کند.

یکی از اشتباهات بزرگ آقای کارتر و امثال او آن است که عمق نهضت اسلامی عصر حاضر و نسل معاصر را نشناخته‌اند. آنان با افکار جنون آمیز قدرتمندان و بیماری روحی مستکبران، به نهضتهای معاصر و ملتهای از قید اسارت روحی رها شده می‌نگرند. و این

۱. کارتر.

۲. جیمی کارتر، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا از حزب دمکرات بود. وی در دوره بعدی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از «رونالد ریگان» کاندیدای حزب جمهوریخواه به سختی شکست خورد. کارشناسان مسائل سیاسی، علت اصلی شکست کارتر را ناکامی او در حل بحران گروگانگیری، ناکامی در حمله نظامی به ایران و برخوردهای ناشیانه و ابلهانه‌اش با انقلاب اسلامی دانستند. امام خمینی در یکی از سخنرانیهای خود، شکست کارتر را پیش‌بینی کردند و فرمودند که آقای کارتر باید شغل دیگری غیر از ریاست جمهوری برای خود پیدا کند، و این پیش‌بینی با شکست سنگین او از ریگان به تحقق پیوست.

۵۸/۹/۴

\*\*\*

### عدم‌بیداری و آگاهی مستضعفین

مستضعفین وظیفه‌شان را با مستکبرین بفهمند. این مستضعفین اکثراً نمی‌دانند. ما هم نمی‌دانیم. ما هم جزء مستضعفین هستیم. نمی‌دانیم که اینها به سر ما چه آوردند. بعضی از ورقه‌های کوچکش دست ماست و می‌دانیم. بعضی مشاهدات ما هست و چیزهایی که به چشم دیدیم. اما مسائل زیاد زیر پرده را ما نمی‌توانیم بفهمیم. ما می‌خواهیم آن مقداری که فهمیدیم و آن مقداری که امکان دارد بفهمیم این را. درست عرضه کنیم به مستضعفین دنیا. به ممالک دنیا. تا بفهمند مستضعفین که این مستکبرین با آنها چه می‌کنند. این ابرقدرتها با اینها چه می‌کنند. ما می‌خواهیم بفهمانیم به خود ملت امریکا که نسبت به ملت امریکا اینها چه کردند تا حالا. اینها چه جنایاتی کردند که ملت امریکا را هم در نظر مردم دارند از بین می‌برند. اینها چقدر به خود امریکا لطمه وارد کردند. لطمه حیثیتی. لطمه انسانی. و چقدر به سایر کشورها و ملتها و اینها. (۲۱)

۵۸/۹/۲۵

\*\*\*

### استثمار و سلطه‌طلبی امریکا

امریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. امریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید. امریکا مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش که به وسیله صهیونیسم بین‌الملل سازماندهی می‌گردد، استثمار می‌نماید. امریکا با ایادی مرموز و خیانتکارش، چنان خون مردم بی‌پناه را می‌مکد که گویی در جهان هیچ کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند. (۲۲)

۵۹/۶/۲۱

\*\*\*

### خودمحوری بشر

بنای این عالم این است. اگر شما پیش استالین می رفتید، او هم میزان را خودش می دانست. هر چه با او تطبیق می شد صحیح بود. هر چه با او تطبیق نمی شد باطل بود. امریکا هم بروید همین حرف است. آن که ما می گوئیم میزان است گفتار ماست. هر چیزی که با این میزان درست دربیاید صحیح است. (۲۳)

۵۹/۱۲/۱۲

\*\*\*

### خودباختگی و احساس ناتوانی

آنهایی که می خواستند مخازن این کشورهای ضعیف را ببرند، نقشه های درست فکر کرده آنها این بود که مردم این کشور را، ملت این کشورها را، باورشان بیاورند که خودشان ناتوانند؛ ناتوانی را به خورد کشورهای مستضعف بدهند و خود مردم باور [کنند] که ما نمی توانیم صنعتی را خودمان ایجاد کنیم. (۲۴)

۶۰/۱/۳۱

\*\*\*

### خودبینی و طغیان در نفس

تمام اختلافاتی که بین بشر هست، اختلافاتی که بین سلاطین هست، اختلافاتی که بین قدرتمندان هست، ریشه اش همان طغیانی است که در نفس هست. ریشه این است که انسان دیده است که خودش یک مقام دارد طغیان کرده است و چون قانع نمی شود به آن مقام، این طغیان اسباب تجاوز می شود، تجاوز که شد، اختلاف حاصل می شود و این فرق نمی کند، از آن مرتبه نازلش طغیان است تا آن مرتبه عالی آن. از مرتبه نازلی که در یک روستا بین افراد اختلاف حاصل می شود ریشه آن همین طغیان است، تا مرتبه بالاتر و هرچه بالاتر برود طغیان زیادتر می شود. فرعونى که طغیان کرد و **أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى** (۱) گفت، این انگیزه در همه است، فقط در فرعون نیست. اگر انسان را سر خود بگذارند، **أَنَا**

۱. سوره نازعات، آیه ۲۴ «من پروردگار برتر شما هستم».

رَبُّكُمْ الْأَعْلَى خواهد گفت. انگیزه بعثت این است که این نفوس سرکش را و این نفوس طاغی را و یاغی را از آن سرکشی و از آن طغیان و از آن یاغیگری کنترل کند و تزکیه کند نفوس را.

همه اختلافاتی که در بشر هست برای این است که تزکیه نشده است. غایت بعثت این است که تزکیه کند مردم را تا به واسطه تزکیه، هم تعلم حکمت کند و هم تعلم قرآن و کتاب و اگر تزکیه بشوند، طغیان پیش نمی آید. کسی که تزکیه کرد خود را، هیچگاه خودش را مستغنی نمی داند و إِنَّ الْإِنْسَانَ لَبِطٌ، أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى؛ وقتی که خودش را می بیند و برای خودش مقام قائل است و برای خودش عظمت قائل است، این خودبینی اسباب طغیان است. اختلافاتی که بین همه بشر هست، اختلافاتی که سر دنیا بین همه بشر هست، این اختلافات ریشه اش این طغیانی است که در نفس هست و این گرفتاری است که انسان دارد؛ گرفتاری به خود دارد و به هواهای نفسانیه. اگر انسان تزکیه بشود و نفس انسان تربیت بشود، این اختلافات برداشته می شود. (۲۵)

۶۰/۳/۱۱

\*\*\*

### نفاق

اما مسلمین یعنی سران مسلمین، اینها را ما از آنها شکایت داریم و باید فریاد بزنیم از دست اینها که خودشان را طرفدار اسلام معرفی می کنند و برخلاف نص قرآن کریم و برخلاف سنت رسول الله اعظم عمل می کنند و برخلاف مصالح کشورهای زیردست خودشان عمل می کنند. مشکل مسلمانها این حکومتهایی است که بر آنها دارند حکومت می کنند و این اختلافاتی است که با دست خود آنها در بین خودشان ایجاد می شود. (۲۶)

۶۰/۹/۲۵

\*\*\*

### قدرت طلبی و عدم تهذیب نفس

اگر مهذب نباشد انسان، آن قدرت را برای خودش به کار می گیرد. وقتی برای خودش

عوامل استضعاف / ۱۹

به کارگرفت دولتهای بزرگی که هستند، ابرقدرتهایی که هستند یک همچو آدم قدرتمندی را پیدا می‌کنند و این آدم قدرتمند را به او بال و پر می‌دهند و این را به مقام می‌رسانند تا اینکه ملت را استضعاف کند و ذخایر ملت را بچاپد. (۲۷)

۶۰/۱۱/۱۹

\*\*\*

### بیخبری ملت‌ها نسبت به اسلام

اسلام در قرنهای زیاد مظلوم بود؛ برای اینکه آن چیزی که اسلام می‌خواست در پرده بود و آن چیزی که برنامه اسلام بود هیچ وقت پیاده نشد و گفته نشد و ملت‌ها را بی‌خبر گذاشتند از اسلام و جنایتکاران تاریخ کوشش کردند که اسلام را در حجاب نگه دارند و نگذارند این مکتب آزادیبخش را، این مکتب استقلال بخش را، این مکتبی که با ستمکاران در ستیز و با مستمندان برادر است، نگذاشتند که معرفی بشود. و من امیدوارم که در این زمان که ما هستیم توفیق پیدا بکنیم، همه عزیزان ما توفیق پیدا بکنند و همه مبلغان اسلامی توفیق پیدا بکنند که این پرده‌هایی که قدرتمندان به روی اسلام کشیده‌اند و حقایق اسلام را در ستره نگه داشتند، با دست علمای اسلام، مبلغان اسلام و همه جوانهایی که مشغول خدمت هستند عرضه بشود. قدرت اسلام یک امری بود که انکار داشتند قدرتها، حکومتها. حکومتهایی که روی کار می‌آمدند، چه آنهایی که مخالف با اسلام بودند، چه آنهایی که مخالف نبودند، اسلام را در یک حجابی نگه داشتند یا عامداً یا از روی جهل. (۲۸)

۶۰/۱۲/۱۰

\*\*\*

### رفاه طلبی اشراف و اعیان

شما اگر توجه کنید به حکومت‌هایی که در تاریخ بوده است و خصوصاً در این پنجاه سال، ملاحظه می‌کنید که آنهایی که در رأس امور بودند، آنها از این «مُلک»ها و «سلطنه»ها و - عرض می‌کنم که - از این سنخ مردم و - به اصطلاح - از اشراف بودند. وقتی

که اشراف - به قول خودشان - و اعیان و متمکنین و یال و کوپالدارها متصدی امور یک کشور شدند، قهراً اینها مردم را به حساب نمی آورند. این یک امر قهری است و در مقابل یک قدرتمند بزرگتر، از خودشان خاضع اند و در مقابل ضعفا و ملت خودشان، جابر و ستمگر ... اینها وضع روحیشان، به حسب نوع، وضع روحیشان این طور بود که چون قدرت را، تمام ارزشها را به قدرت می دانستند، تمام ارزشها را به قدرت مالی می دانستند، به قدرتهای دیگر می دانستند، در مقابل قدرت بالاتر از خودشان خاضع و عبد بودند، در مقابل ضعفایی که قدرت ندارند، فرمانفرما و حکومت بودند. این وضع طبیعی این است که یک قشر اشراف و اعیان - به اصطلاح خودشان - و مرفه به یک کشوری حکومت کنند و قابل اجتناب نیست این.

... سر چشمه همه مصیبتهایی که ملتها می کشند این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان - به اصطلاح خودشان - از آنها باشد. و آنها این طور هستند، اشراف و اعیان این طور هستند که تمام ارزشها را به این می دانند که آنجایی که زندگی می کنند بهتر از دیگران باشد، آن رفتاری که مردم با آنها می کنند، رفتار عبید با موالی باشد؛ تمام افکارشان متوجه به این مسائل است. (۲۹)

۶۱/۶۷

\*\*\*

### حَبِّ نَفْسٍ وَ حَبِّ جَاهٍ

من عرض می کنم که اساس این گرفتاریهایی که بشر به آن مبتلاست، از زمان آدم صلی الله تا امروز و از امروز تا روز حشر، آنکه بشر به آن مبتلاست و اساس تمام فسادها و جنگها و ظلمها و تعدیها و تجاوزها بر آن محور است، اساسش حب نفس است که شعبه هایی از این حب نفس و مظاهری که دارد که اگر ملاحظه بفرمایید، این مظاهری که پایه اش حب نفس است، بشر را به تباهی کشیده و می کشد و انبیا هم برای اصلاح این امر آمده اند و مع الأسف، آن طوری که آنها می خواستند، موفق نشده اند و گمان ندارم که هیچ کس موفق بشود. یک شعبه از این و یک مظهري از این حب نفس، حب ریاست است؛ حب جاه است؛ حب غلبه است. از اول عالم تا حالا، از این قدرتهای جابر هر چه به

مردم رسیده است، از این حب اشتها، ریاست، حب قدرت و از اینها بوده است که اساسش همان حب نفس است. الآن هم که ما در یک وضعی باقی هستیم در دنیا که همه می‌دانند دنیا الآن چه خبر است و بر بلاد مسلمانها چه می‌گذرد و بر کشورهای مظلوم چه ظلمها واقع می‌شود، اساس همه اینها همان حب مسند و ریاست است. حب قدرت است که امریکارا و ادار می‌کند که این جنایتهایی که در طول تاریخ بی سابقه است، انجام بدهد. و حب سلطه و ریاست است که شوروی را برمی‌انگیزد که اینطور با مردم دنیا و مظلومین دنیا رفتار کند. و حب نفس است که کشورهای اسلامی، سران کشورهای اسلامی در مقابل جنایاتی که از این قدرتها واقع می‌شود و از وابستگان آنها واقع می‌شود، بی تفاوتند. اگر این حب نفس در این سران کشورهای اسلامی نبود و این حب جاه و قدرت نبود، با این فجایع که واقع شده است، با این ظلمهایی که واقع شده است بر ایران و بدتر از او بر لبنان، نمی‌نشستند و تماشاکنند. همه ترس از این دارند که این قدرت تخیلی، که باید بگویم که هیچ ارزش ندارد، از شان گرفته بشود. از این جهت، آن طور خاضع شدند در مقابل امریکا و بدتر از او و فجیعتر از او، در مقابل اسرائیل که الآن همه جست و خیزهایی که در این، اکثر این کشورهای اسلامی می‌شود برای این است که، اسرائیل را به رسمیت بشناسند و آن قرار داد «کمپ دیوید» را تحکیمش ببخشند.

اگر حب این چند روز ریاست، این چند روز سلطه نبود، هر انسانی ادراک این معنا را می‌کند که مثل اسرائیل بر بلاد مسلمین این طور رفتار کند و این طور جسورانه در مقابل همه، همه را تحقیر کند، ننگی بر چهره این کشورهای اسلامی نقش بست که هیچ چیز این ننگ را نمی‌تواند بزدايد، مگر اینکه توجه بکنند، مگر اینکه منقلب بشوند، متحول بشوند. و ننگی که بر همه این کشورهاست این است که با علم به اینکه دارند خلاف می‌کنند، به صدام کمک می‌کنند که صدام، اسلامی [را] که دارد در ایران پای می‌گیرد ان شاء الله، این آدم، این را زایل کند و همه کوششان بر این معناست. بعضی تصریح می‌کنند و بعضی هم خلافتش را می‌گویند و دروغ می‌گویند. اگر این حب جاه نبود، که ارث شیطان است و از اول شیطان برای همین خصیصه‌ای که داشت مطرود شد، و چون خودش را از آدم بالاتر می‌دانست و خودش را «نار» می‌دانست و آدم را «طین»<sup>(۱)</sup> و آن

۱. خاک؛ گِل.

نورانیت آدم را ادراک نکرده بود، موجب این شد که مطرود شد و قسم خورد که همه را مطرود کند، یعنی همه بشر را، و الآن دارد او موفق می شود در مقابل همه انبیا. این حمله ای که صدام به ایران کرد، خوب، همه می دانید که برای این بود که سردار قادسیه بشود! و آن مسائل و این حمله ای که اسرائیل بر لبنان در مقابل چشم همه مسلمانان منطقه و دولتهای منطقه کرد، همه می دانید که برای قدرت طلبی و جاه طلبی [بود]. و امریکا هم همین و همه قدرتها هم همین و این ممکن است که در شما هم پیدا بشود، در ما هم پیدا بشود. شیطان فقط نمی رود سراغ صدام و امریکا و شوروی. او همه جا هست و مظاهر شیطان، که نفس اماره خود ماست، پیش همه هست. چنانچه یک وقت دیدید که حب این را دارید که به مردم زور بگویید، حب این را دارید که مردم پیش شما خاضع باشند، بدانید که از آن حظ شیطانی پیشتان هست. و این حظ شیطانی است که پیش قدرتمندها هست و قدرتمندها را آن طور جسور می کند. و همین حظ شیطانی پیش آنهاست که خاضع در مقابل این قدرتمندان می شوند، - با اینکه امکانات اینکه در جلوی آنها بایستند، دارند - این همان حظ شیطانی است. همان است که شیطان را با آدم درگیر کرد و مطرود شد و حرف خدا را نشنید و امر خدا را نشنید و این را نفهمید که اطاعت امر خدا قضیه سجده بر آدم نیست، سجده بر خداست. مع الأسف، در بین این، دولتهای اسلامی - باصطلاح - و سران این دولتهای اسلامی به این امر مبتلا هستند. اگر این قدم را برداشته بودند که حب این ریاست را کم کرده بودند یا موفق می شدند زایل می کردند، ممکن نبود که بدون تفاوت بنشینند و این طور بار ذلت بکشند. (۳۰)

۶۱/۶/۹

\*\*\*

### خودبینی و اخلاق حیوانی

این مفاسدی که در دنیا هست و الآن این جنجالی که در دنیا هست و اینطور به جان هم افتاده اند همه اش برای این است که، توجه به خود دارند و توجه به خدا ندارند، اخلاق الهی ندارند، اخلاق حیوانی؛ و هر روز این اخلاق حیوانی را زیاد می کنند. اگر جنگ برای ایران پیش می آید نه این است که برای اینکه اسلام را تقویت کنند جنگ با ایران



عوامل استضعاف / ۲۳

می‌کنند، برای این است که هوای نفس به آن اندازه شده است که نمی‌تواند یک کس دیگری را قدرتمند ببیند.

اگر دنیا در آتش این دو ابرقدرت می‌سوزد برای همان هوای نفسی است که عمال این دو ابرقدرت و خود آنها دارند. اگر کشورهای اسلامی در آتش این مفسد می‌سوزد برای این است که کسانی که متصدی آن امور هستند هواهای نفسانی دارند و خودشان را می‌بینند و همه را برای خود می‌خواهند. (۳۱)

۶۲/۳/۲۱

\*\*\*

### هوای نفس در قدرتهای بزرگ عامل فساد و تجاوز

دنیا را این هوای نفس دارد از بین می‌برد. هوای نفس است که وادار می‌کند که اینها برای خاطر اینکه چهار روز زندگی مرفه به خیال خودشان بکنند، ملت‌های خودشان را اینطور تحت ستم قرار می‌دهند. هوای نفس است که شوروی را بر می‌دارد می‌آورد در افغانستان و آن کارها را انجام می‌دهد. هوای نفس است که امریکا را می‌آورد در لبنان این کار را می‌کند، و عمالش را در ایران مأمور می‌کند برای اینکه، این فسادها را بکنند. همه فسادهای دنیا زیر سر این قدرت‌های بزرگ است و الا این کوچک‌ها اهمیتی ندارند. (۳۲)

۶۲/۹/۱۶

\*\*\*

### بیماری خودبینی

تمام فسادهایی که در عالم واقع می‌شود، چه فسادها از افراد و چه فسادها از حکومت‌ها و چه در اجتماع، تمام فسادها زیر سر همین ارث شیطان است. و تمام مفسده‌هایی که در عالم پیدا می‌شود، از این بیماری خودبینی است. چه در کنج خانه کسی نشسته باشد و به عبادت مشغول باشد، اگر خودبینی بکند، ارث شیطان را دارد، و چه در جامعه باشد و با مردم تماس داشته باشد، این هم اگر فسادی از آن حاصل بشود، از

خودخواهی و خودبینی خودش است، و چه حکومت‌هایی که درعالم حکومت می‌کنند؛ از اولی که حکومت در دنیا تأسیس شده است تا حالا، هر فسادی واقع شده از این خصیصه است. (۳۳)

۶۳/۱۱/۱۴

\*\*\*

### غفلت و ساده‌اندیشی

ما تا کی باید خواب باشیم؟ ما تا کی ساده‌اندیش باشیم؟ شما آقایان چرا ساده‌اندیشی می‌کنید؟ در بلاد خودتان که می‌روید، بگویید به مردم، بگویید به دنیا، که با دنیا دارند چه می‌کنند این قدر تمندها، اینها با ضعفا دارند چه می‌کنند. اینها، اتیوپی که آن همه بیچاره‌ها دارند رنج می‌برند، می‌میرند از گرسنگی، گندم‌هایشان را می‌ریزند تو دریا، خرج سلاح‌هایی می‌کنند که همه عالم را از بین ببرند. اینها انساندوست‌اند! اینها با این صورت انساندوستی می‌خواهند همه ما را پایمال کنند، اینها با این مجامع حقوق بشر می‌خواهند حقوق بشر را از بین ببرند. (۳۴)

۶۳/۱۱/۱۴

\*\*\*

### اتفاق ابرقدرتها در عقب‌نگه داشتن کشورهای جهان سوم

کسانی که اندک تفکری در اوضاع کشورهای اسلامی بنمایند به وضوح خواهند دانست که آنچه دو ابرقدرت جهان و قدرتهای تابع این قدرتها با هم اتفاق دارند - و هیچ‌گاه از این اتفاق دست بردار نیستند - عقب‌نگه داشتن کشورهای جهان سوم، خصوصاً کشورهای پهناور و غنی اسلامی، در ابعاد فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نظامی است، و تحمیل جهات استعماری در تمامی امور مذکوره بر جهان سوم می‌باشد. و برای این مقصد، که در نظر آنان بسیار دارای اهمیت است، زحمتهای متحمل شدند و وقتها و پولهای بسیاری صرف نموده‌اند و می‌نمایند. در سابق، سردمداران این توطئه‌ها بریتانیا و فرانسه بودند؛ و پس از آن، امریکا و شوروی. اینان برای مقاصد شوم خود کودتاها به

راه انداختند و رژیمهایی را برچیده، و رژیمهای وابسته به خود را به روی کار آوردند. و بعید به نظر می‌رسد که این دو ابرقدرت درصدد براندازی رقیب باشند، چه که از آن مأیوسند. اختلاف بر سر تقسیم طعمه‌ها و کشورهای جهان سوم است و برای به دست آوردن سلطه استعماری نو. بهترین راه را در حمله به فرهنگهای ملتها دانسته و دانشگاهها را به خدمت گرفتند. و با به دست آوردن این مراکز، از رهاوردهای آنها مجلسهای فرمایشی ساخته و حکومتهای دلخواه به دست آوردند، و نظامها را سر تا قدم غربی یا شرقی کردند. و آنان که در این کشمکشها از همه بیشتر صدمه دیدند و رنج کشیدند کشورهای اسلامی بوده و هستند. (۳۵)

۶۴/۵/۲۵

\*\*\*

### اشتباه تأسف آور!

و آنچه گفته شده و می‌شود که انبیا - علیهم‌السلام - به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته‌داری دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملتهای اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است، زیرا آنچه مردود است حکومتهای شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده‌اند؛ جمع آوری ثروت و مال و قدرت‌طلبی و طاغوت‌گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند. (۳۶)

۶۸/۳/۱۵

\*\*\*



## فصل سوم

### آثار استكبار و استضعاف



## □ آثار استکبار و استضعاف

### تحلیل نظام اقتصادی ظالمانه

به علاوه، استعمارگران به دست عمال سیاسی خود، که بر مردم مسلط شده‌اند، نظامات اقتصادی ظالمانه‌ای را تحمیل کرده‌اند؛ و بر اثر آن مردم به دو دسته تقسیم شده‌اند: ظالم و مظلوم. در یک طرف، صدها میلیون مسلمان گرسنه و محروم از بهداشت و فرهنگ قرار گرفته است و در طرف دیگر، اقلیت‌هایی از افراد ثروتمند و صاحب قدرت سیاسی، که عیاش و هرزه گرد و فاسدند. مردم گرسنه و محروم کوشش می‌کنند که خود را از ظلم حکام غارتگر نجات بدهند، تا زندگی بهتری پیدا کنند، و این کوشش ادامه دارد؛ لکن اقلیت‌های حاکم و دستگاه‌های حکومتی جائر مانع آنهاست. (۳۷)

\*\*\*

### خون دل فقرا خرج نامجویی و خودکامگی

جشنهای غیر ملی که به نفع شخصی در هر سال چندین مرتبه تشکیل می‌شود و در هر مرتبه مصیبت‌های جانگداز برای اسلام و مسلمین و ملت فقیر یا برهنه ایران به بار می‌آورد، یکی از آنهاست. با سرنیزه پلیس از مردم بیچاره بی‌پناه، خرج‌های گزاف آنها گرفته می‌شود. در یکی از جشنها که من نمی‌توانم اسم روی آن بگذارم جز هوس و شهوت و بازی با احساسات ملت، گفته می‌شود چهارهزار میلیون ریال خرج شده است که نصف آن از خزانه ملت و نصف دیگر بی‌واسطه از بازار و غیره با زور و ارباب اخاذی شده. خون دل فقرا خرج نامجویی و خودکامگی است و تا این ملت در این حال است و به وظیفه خود و حقوق خود آشنا نشده، هر روز برای شماها عید و شادی و برای ملت، بدبختی و نکبت است. توأم با این جشنهای نامیمون آنقدر هتک نوامیس مسلمین و اسلام بوده است که قلم را عار است از ذکر آن. شماها در کاخهای مجللی که در هر چند سال تغییر مکان داده و با میلیونها تومان خرج‌های گزاف که تصورش برای ملت ممکن

نیست، نشسته‌اید و مخارج آن را از کیسهٔ این ملت بدبخت اخاذی نموده‌اید و ناظر فقر و گرسنگی ملت، ورشکستگی بازار، بیکاری جوانان فارغ‌التحصیل هستید. (۳۸)

۴۶/۱/۲۶

\*\*\*

### خیانت به بیت‌المال مسلمین

ما می‌گوییم این وضع آشفته باید از بین برود. از آن طرف خرجهای خودشان آنطور خرج‌هاست که همین آخری - من خواندم که - برای فلان ویلایی که برای یکی از خواهرهای شاه بود، خود ویلا را چقدر خریدند. الآن من یادم نیست ولی زیاد بود؛ پنج میلیون دلار! پنج میلیون دلار برای خرج گلکاری و زینت گلکاری! این وضع اینها! و بیشتر از این است که الآن ما نمی‌توانیم تصورش را بکنیم. این وضع عدۀ کثیری از مردم که در خود شهر تهران زندگی دارند می‌کنند با یک چادری، با یک کوچی، بی همه چیز؛ نه یک چراغ دارند، نه یک - عرض بکنم که - آب دارند؛ اسفالت و این حرفها هم که اصلاً معنی ندارد برای آنها! ما که می‌گوییم حکومت اسلامی، می‌گوییم این وضع باید از بین برود. ...

ما که می‌گوییم حکومت اسلامی، می‌گوییم حکومت عدالت، ما می‌گوییم یک حاکمی باید باشد که به بیت‌المال مسلمین خیانت نکند، دستش را دراز نکند بیت‌المال مسلمین را بردارد، ما این یک مطلب را می‌گوییم. این یک مطلب مطبوعی است که در هر جامعهٔ بشری که گفته بشود، برای هرکس گفته بشود، از ما می‌پذیرند. ملت ما امروز قیام کرده است برای این مطلب که این آدم به ما خیانت کرده، اموال ما را خورده است و برده است و - عرض می‌کنم که - در ممالک دیگر برای خودش و برای خانواده‌اش و برای اتباعش ویلاها خریده و - عرض می‌کنم که - زندگیهای بزرگ تهیه کرده است و ما گرسنه هستیم. گرسنه‌ها جمع شده‌اند می‌گویند که ما نمی‌خواهیم او را. چه می‌گوید؟ خوب، منطبق ما این است، ما غیر از این حرفی نداریم. (۳۹)

۵۷/۷/۱۹

\*\*\*



### محرومیت از آثار تمدن

این آقای «دروازه تمدن بزرگ» ملاحظه نکرده خود تهران را، این محله‌های تهران را؟ آنطوری که آقایان نوشته‌اند چهل و چند منطقه هست که در این چهل و چند منطقه این زاغه‌نشینها، این چادرنشینها، اینهایی که خانه ندارند اصلاً، یا زیر زمین یک سوراخی پیدا کرده‌اند و بیچاره‌ها مثل حیوانات زندگی می‌کنند، یا یک چادری درست کرده‌اند؛ مناطق زیادی، چهل و چند منطقه را اسم بردند، محالشان را ذکر کرده‌اند، الآن پیش من است صورتش. این آقای تمدن بزرگ نگاه نکرده است به این تهران که چهل و چند منطقه، بیچاره یعنی [محرومند] از همه چیزهایی که آثار تمدن است: آب ندارند، برق ندارند، اسفالت و اینها که دیگر هیچ ندارند، هیچ چیز ندارند بیچاره‌ها. اینها را از دهات بیرون کرده‌اند و اراضی دهات را گرفتند برای خودشان، و اینها آمده‌اند در تهران. تهرانش اینطور است که چهل و چند منطقه، اینها از چادرنشینها و زاغه‌نشینهایی که با فلاکت، با زحمت دارند زندگی می‌کنند، با بیچارگی دارند زندگی می‌کنند، نوشته است که اینها وقتی آب برای خودشان می‌خواهند تهیه کنند، از یک محلی که [از] محل خودشان قریب صد پله یا بیشتر تا محل آب هست، این زنهای بیچاره باید بیایند سر آن فشاری آب بردارند. کوزه را از این پله‌ها... شما فکر کنید زمستان ایران را، از این پله‌ها باید پایین بروند، چقدر زمین می‌خورند، چقدر بیچارگی می‌کشند تا یک خرده‌ای آب ببرند برای بچه‌هایشان. این آقای تمدن بزرگ کجاست که اینها را ببیند؟ اینها را نمی‌داند یا چشمهایش را هم می‌گذارد که نداند؟... (۴۰)

۵۷/۳/۱۰

\*\*\*

### از بین بردن زراعت به اسم اصلاح ارضی

اینها به اسم «اصلاحات ارضی» زراعت ایران را به باد دادند؛ یعنی دهقان و رعیت بیچاره را بیچاره کردند که دیگر نتوانستند اینها بمانند در مزرعه‌های خودشان. از آنجا کوچ کردند و آمدند به تهران. و اطراف شهر تهران به وضع بدی زندگی می‌کنند. به وضع

بسیار اسفناکی. (۴۱)

۵۷/۷/۱۹

\*\*\*

### وابستگی اقتصادی

«اصلاحات ارضی» به امر دولت امریکا بود برای اینکه بازار درست کنند که چیزهای آنها فروش برود؛ یعنی زراعت ما به هم بخورد، ما محتاج بشویم. الآن هم که می بینید، که هر چی می خواهیم از خارج باید بیاید. زراعت ما این جور شد؛ زراعت ما را آن جور کردند. خوب، مردم ریختند، آن زارعین بیچاره‌ای که دیگر در آنجا نتوانستند زندگی کنند، ریختند به شهرها، به تهران. (۴۲)

۵۷/۷/۲۱

\*\*\*

### فلج شدن زراعت و رواج حاشیه نشینی

این یک باب که زراعت ما را از بین بردند و ما شدیم جیره‌خوار آنها و بازار برای آنها؛ ما مصرف [کننده] شدیم. از آن طرف، یک ضرر دیگر خورد و آن اینکه تمام این دهقانها - که ایشان در اول فرمودند که ما دیگر رعیتها را از چیز بیرون آوردیم و دهقان شدند دیگر، هم سطح شدند با چه [مالک] - تمام این بیچاره‌ها وقتی زراعت‌هایشان از دستشان رفت، کوچ کردند به شهرها، که عمده‌اش تهران است. آمدند در اطراف تهران با یک کوخهایی، با یک چادرهایی، با یک خانه‌های گلی کوچک، با عائله زیادشان در آنجا منزل گرفتند و با یک مصیبت‌هایی این بیچاره‌ها اعاشه می‌کنند و زندگی. نه برق دارند، نه آب دارند، نه اسفالت دارند. در یک گودالیهایی زندگی می‌کنند که آب را اگر می‌خواهند برای بچه‌هایشان بیاورند، این مادر بدبخت باید در زمستان سخت از پله‌هایی که الآن عددش را یادم نیست، لکن زیاد است عددش، از پنجاه بیشتر، صد تقریباً، از این پله‌ها باید برود [بالا] تا [به] خیابان برسد، یک کوزه آب کند، باز برگردد این پله‌ها را طی کند برود توی این

کوخ برای بچه‌اش آب ببرد. این دهقانهای بزرگی [است] که درست کرده‌اند و این «دروازه تمدن» اینهاست! اینها را برای ما درست کردند! این قضیه زراعت ما، که زراعت ما بکلی فلج شده است؛ دیگر ما زراعت نداریم و معلوم نیست که عاقبتش به کجا برسد. (۴۳)

۵۷/۷/۲۳

\*\*\*

### تبعیض و بی عدالتی

فریاد ما برای این است که خوب، چرا باید اینطور باشد که یک دسته بیچاره‌ای اینطور زندگی کنند، یک دسته هم برای ویلا پنج میلیون دلار [خرج کنند]؛ برای من نوشته بودند پنج میلیون دلار برای گلکاری، تزیینات گلکاری ویلا یکی از خواهرهای شاه خرج شده. از کجا آورده‌اند؟ رضا شاه با دست خالی آمد و کودتا کرد، املاک مردم را هم به زور گرفت و بعد هم املاک را، یک مقدارش را رد کردند. از کجا آورده‌اند اینها؟ این بنیاد پهلوی از کجا، از کجا دارد اداره می‌شود؟ از همینها، از همین پول ملت. این ملت باید نفتش را اینطور از دستش بگیرند و عرض می‌کنم که و سایر چیزهایش را ازش بگیرند. (۴۴)

۵۷/۷/۲۸

\*\*\*

### هدر رفتن نیروهای فعاله انسانی

جنایاتی که سلسله پهلوی در جامعه ما کرد، شاید هیچ جنایتی بالاتر از این جنایت نبود که نیروهای فعاله انسانی ما را، یا از بین بردند یا فعالیت آنها را خنثی کردند برای مدتهای زیاد. آنهایی که باید به این امت خدمت کنند، مثل علمای اعلام و اشخاص روشنفکر، اینها را در زندان بردند. ده سال، پانزده سال، پنج سال در زندان اینها را بردند. صرف نظر از آن زجرهایی که به اینها کردند، آن خلاف انسانیتهایی که با این اولیای خدا کردند، این نیرو را هدر دادند یعنی نیرویی که باید در جامعه فعال باشد، اگر مدرس است،

عده‌ای را تربیت بکند، اگر محصل است، خودش تربیت بشود، اگر فعالیت‌های سیاسی دارد، فعالیت سیاسی بکند، فعالیت‌های مذهبی دارد، فعالیت‌های مذهبی بکند، تمام اینها را اینها به هدر دادند. (۴۵)

۵۷/۱۱/۱۳

\*\*\*

### اسلحه و پایگاه به جای نفت

اقتصادمان را از بین بردند. اگر مهلت بهش داده بود این ملت، نفت شما را بعد از ده - پانزده سال تمامش کرده بود... رفت سراغ کارش! عوض نفت چی دادند؟ اسلحه دادند! چه اسلحه‌ای؟ اسلحه‌های مدرنی که کارشناسهای ایرانی نمی‌توانند بفهمند چه هست، چه جور باید اینها را استعمال کنند! برای چه آوردند اینجا آنها را؟ برای اینکه پایگاه باشد برای امریکا که اگر یکوقت با شوروی دعواش شد این پایگاه را داشته باشد. نفت را از ما گرفتند به جای او پایگاه درست کردند؛ پایگاهی که اگر بنا بود درست کنند حاضر بودند میلیونها میلیونها دلار بدهند به مملکتی تا بگذارد یک پایگاه برایشان درست بشود! آنها نفت ما را می‌گیرند پایگاه درست می‌کنند. (۴۶)

۵۷/۱۱/۱۴

\*\*\*

### عدم بهره‌مندی از آثار تمدن

اشکال حالا این است که هر طایفه‌ای گمان می‌کنند که همانها محروم بودند و از همه آثار تمدن بی‌بهره، در صورتی که مسئله اختصاص به عشایر شما ندارد؛ این مسئله عمومی است که در همه ایران هست. اینطور نیست که فقط شما محروم هستید از این مدرسه و راه و سایر جهاتی که مربوط به زندگی است. همین تهران، که مرکز است، شاید - آنطوری که به من صورت داده‌اند - قریب سی تا محله است که اینها از همه چیزهایی که برای زندگی یک فرد لازم هست محرومند. آب ندارند، برق ندارند، بهداشتی ندارند. تهران، نه اینکه اطراف تهران، خود شهر، خود شهر تهران از این زاغه‌نشینها و

چادر نشینها و کپرنشینها. چادر نشینها تقریباً از قراری که گفته می شود حدود قریب سی محله از اینها مرکب هست، که در اثر به اصطلاح «اصلاحات ارضی» اینها کوچ کرده اند و آمده اند در اطراف شهر، در خود شهر، در اطراف شهر، چادر زده اند و یک جایی کنده اند و آنجاها یک زندگی می کنند که زندگی آنها بسیار بدتر از زندگی عشایر است. خیال نکنید که جاهای دیگر در رفاه هستند و شما نه. (۴۷)

۵۸/۴/۱۲

\*\*\*

### وابسته شدن کشور در تمام زمینه ها

رژیمی که ثروت سرشار کشور را به خود و هم پیمانان نامیمون خود اختصاص داد و برای ادامه سلطه جبارانه خود به جیب ابرقدرتها ریخت و ملت مظلوم را در سطح بسیار وسیعی از اولین احتیاجات محروم و به خاک سیاه نشاند، و کشور را در تمام زمینه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی وابسته به اجانب و خصوصاً امریکا کرد. ببینیم شما و دولت منتخب شما با ملت مستضعف که به حرکت انقلابش همه ما را از انزوا خارج نمود چه خواهید کرد. (۴۸)

۵۹/۳/۷

\*\*\*

### ایجاد تفرقه

مخالفین ما کوشش می کنند که در تمام جاهایی که ممالک مستضعفین هست، و ملت های مستضعف هست، چه ملت های اسلامی و چه غیر اسلامی که مستضعف هستند، کوشش می کنند که با فعالیتهای متعدد بین اینها جدایی بیندازند، بین اینها تفرقه بیندازند، ممالک را از هم جدا کنند، کشورهای اسلامی را از هم جدا کنند، ملت های اسلامی را از هم جدا کنند و لهذا، می بینید که گویندگان شان، آنهایی که ادعای اسلام می کنند در عین حالی که با یهود موافقت کرده اند؛ یعنی، با صهیونیست موافقت می کنند، لکن جدیت دارند که بین برادر های مسلم تفرقه بیندازند و با هر طوری شده است برادر های مسلم را

از هم جدا کنند. اینها یک نقشه‌های سیاسی است که کشورهای بزرگ به واسطهٔ عمالشان می‌خواهند در ممالک اسلامی پیاده کنند.  
... در دنیا آنهایی که می‌خواهند تمام منافع دنیا را به جیب خودشان بزنند و سلطهٔ خودشان را به تمام ممالک دنیا تحمیل کنند، آنها همین تفرقه‌ای که بین برادرهای شیعهٔ ما و سنی ما فرضاً اتفاق بیفتد در ایران، آنها بهره‌برداری می‌کنند و همین طور اگر بین برادرهای ایرانی ما و برادرهایی که در پاکستان هستند یک اختلافی واقع بشود، بهره‌برداری می‌کنند آنها. (۴۹)

۵۹/۵/۲۷

\*\*\*

### مسخ شخصیت فکری ملتها

این طور اینها را ظلم برشان می‌کنند و واقعاً دنیا الآن یک مرضی دارد، مرض مزمنی دارد که خوب شدنش به این چیزها نمی‌تواند باشد. دنیا علیل است، سران همهٔ کشورها، الا انگشت شمار. نمی‌توانم بگویم این یکی، دو تا، سه تا؛ سران همهٔ اینها مردم را مسموم کرده‌اند و افکار ملت‌های خودشان را مسموم کرده‌اند و علیل کرده‌اند ملت‌های خودشان را. آنقدر تحقیر کرده‌اند از این ملت‌ها، آن قدر اینها را در فشار اقتصادی قرار داده‌اند و آن قدر این بیچاره‌ها زحمت کشیدند و زحمت‌هایشان را دیگران به غارت بردند که علیل شدند، افکارشان از بین رفته است. یکی می‌خواهد که بیاید احیا کند این افکار را. و من امیدوارم که ان شاء الله حضرت بقیة الله زودتر تشریف بیاورند و این طبیب واقعی بشر، با آن دم مسیحایی خود اصلاح کند اینها را. (۵۰)

۶۱/۷/۱۱

\*\*\*

### پایمال شدن حق مظلومین

یک دسته بیچارهٔ مظلوم در سرتاسر دنیا زیر لگد دارند پایمال می‌شوند، از هیچ جا خبری نیست که راجع به آنها صحبتی بشود. در امریکا آن قدر مظلومین دارند پایمال

آثار استکبار و استضعاف / ۳۷

می شوند، اصلاً راجع به امریکا صحبتی نیست که این چرا این کار را می کند. در شوروی هم آن قدر مظلومین پایمال می شوند، صحبتی از آن هم نیست. در منطقه هم همین طور، آن قدر دارند پایمال می کنند مردم و ملت‌های خودشان را، آن هم صحبتی نیست. (۵۱)

۶۲/۳/۱۴

\*\*\*

### جنایت به اسم حقوق بشر

همه گرفتاریهای جهان مال این قدرتهای بزرگی است که ادعا می کنند که ما برای صلح این کارها را می کنیم. اینهمه جنایت می کنند، اینهمه کشورها را به خون می کشند و ادعا می کنند که ما نمی توانیم ببینیم که حقوق بشر از بین می رود. اینها ادعایی است که آنها می کنند که هیچ واقعیت ندارد، بلکه خلافش واقعیت دارد و مسلمین در غفلت هستند، مستضعفین جهان غفلت دارند. این بارقه‌ای که در ایران پیدا شد اگر چنانچه ملت‌های سایر کشورهای مسلمین به اینجا ملحق بشوند و همه با هم دست به هم بدهند و در مقابل اینهمه جنایاتی که به بشر و بشریت می شود، بایستند کارها اصلاح می شود، لکن مع الأسف نشده است این کار (۵۲)

۶۴/۱/۱

\*\*\*

### سلطه اقلیت ظالم بر میلیاردها انسان مظلوم

اقلیت ظالم، و میلیاردها انسان مظلوم در تحت یک سلطه‌های کوچک ظالم، کوچک نسبت به ملتها. (۵۳)

۶۴/۱۱/۲۲

\*\*\*

### استعمار فکری و فرهنگی

از جمله نقشه‌ها که مع الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و

آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده از خویش، و غربزده و شرقزده نمودن آنان است به طوریکه خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند! و قصه این امر غم‌انگیز، طولانی و ضربه‌هایی که از آن خورده و اکنون نیز می‌خوریم کشنده و کوبنده است.

و غم‌انگیزتر اینکه آنان ملت‌های ستمدیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه‌داشته و کشورهای مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفتهای خود و قدرتهای شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم. و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم. (۵۴)

۶۸/۳/۱۵

\*\*\*



## فصل چهارم

### مواجهه تاریخی مستضعفین و مستکبرین

□ مستضعفین و مستکبرین در سیره‌انبیا و ادیان الهی (قبل از اسلام)

□ مستضعفین و مستکبرین در اسلام

□ سرانجام مستضعفین و مستکبرین



□ مستضعفین و مستکبرین در سیره انبیا و ادیان الهی

(قبیل از اسلام)

### مبارزه با اشراف برای منافع توده‌ها

ابراهیم را که ملاحظه می‌کنید، تیشه‌اش را برداشت این بتهایی که مال اشراف بود، شکست و با اشراف درافتاد برای منافع توده‌ها و برای اینکه ظلم به توده‌ها اینها نکنند. البته آنها معنویات هم نقطه اصلیش [ان] بوده است لکن وقتی می‌دیدند که یک ظلمی در جامعه واقع می‌شود، موظف می‌دانستند خودشان را که با آن سرانی که ظلم می‌کنند، درافتند و جنگ بکنند [و یا] هر جوری که ممکن است برایشان؛ با آنها درافتند. (۵۵)

۵۷/۷/۲۳

\*\*\*

### قیام انبیا در مقابل سلاطین

انبیای سابق هم هر کدامشان که ما از تاریخشان اطلاع داریم یک اشخاصی بودند از طبقه سوم و از این فقرا، و اینها قیام می‌کردند در مقابل سلاطینشان؛ مثل حضرت موسی - سلام الله علیه - در مقابل فرعون. یک مرد شبانی با یک عصایی قیام می‌کند و مردم را دعوت می‌کند، و می‌رود سراغ فرعون و فرعون را می‌خواهد دعوت کند برای اینکه او را آدمش کند؛ این جور نبوده است که از فرعون؛ بَعَث شده باشد موسی برای تخدیر توده! از توده پیدا شده است؛ یعنی خدا از توده انتخاب کرده این را در مقابل قدرت فرعون؛ و هکذا سایر انبیا - علیهم السلام - و آنهایی که ما اطلاع از آنها داریم اینطور بوده‌اند. (۵۶)

۵۷/۸/۸

\*\*\*

### قیام توده‌ها در تاریخ انبیا

کسی که به تاریخ انبیا توجه بکند، می‌بیند که انبیا از توده‌ها درآمدند و حمله کردند به قدرتمندها. از بین همین توده‌ها. حضرت موسی یک شبانی بود با یک عصا، از همین توده‌ها، بر ضد فرعون قیام کرد تا آنجا که رساند. (۵۷)

۵۷/۱۱/۱۸

\*\*\*

### انبیا از توده مردم

اول مطالعه‌ای که انسان از حال انبیا می‌کند اینها اشخاصی بودند که قیام کرده‌اند. خوب آنهایی که ما اطلاع داریم حضرت ابراهیم بوده است، حضرت موسی بوده است، حضرت پیغمبر ما - صلی الله علیه و آله و سلم - بوده است. باید دید که اینها خودشان چه کاره بوده‌اند، از چه قشری بوده‌اند تا ببینیم این منطقی که اینها می‌گویند که اینها را سرمایه‌دارها درست کردند صحیح است یا نه. حضرت موسی یک شبانی بوده است که مدت‌ها شبانی می‌کرده است. حضرت موسی با عصای خودش از همین توده بلند شد و با فرعون معارضه کرد؛ نه فرعون موسی را ایجاد کرد! موسی از این مردم بود. فرعون هم هرچه جدیت کرد - لابد مثنوی را ملاحظه کرده‌اید؛ آن طولانی است در اینجا بحث دارد - <sup>(۱)</sup> هر چند که خواست نشود این شد. و حضرت موسی از همین، از همین توده مردم، از همین جمعیت بود و با یک عصا پا شد و اساس فرعون را به هم زد. نه فرعون موسی را درست کرد که مردم را خواب کند! موسی مردم را بیدار کرد که فرعون را از بین ببرد. (۵۸)

۵۷/۱۲/۷

\*\*\*

### مبارزه موسی با فرعونیت

در صورتی که کسی اگر ملاحظه کرده باشد اینهایی که ادیان را در دنیا آورده‌اند،

---

۱. اشاره به داستان موسی و فرعون در مثنوی معنوی - دفتر سوم.

مواجهه تاریخی مستضعفین و مستکبرین / ۴۳

حضرت ابراهیم - سلام الله علیه - حضرت موسی - سلام الله علیه - حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - اینها بینیم از چه طایفه‌ای بودند، چکاره بودند؟ آیا اینها را [مثلاً] حضرت موسی را فرعون روی کار آورده است؟! یا حضرت موسی یک شبانی بوده، از اینجا رفته سراغ فرعون؟ حضرت موسی رفته و فرعون را خواسته بگوید و فرعونیت او را از دستش بگیرد؟ یا فرعون او را برده پیش خودش تا اینکه مردم را خواب بکند؟! حضرت موسی مردم را آگاه کرد و بیدار کرد، و با آن بیداری به فرعون حمله کرد و آن کارهایی که کرد. (۵۹)

۵۷/۱۱/۳۰

\*\*\*

### بیداری و تجهیز توده‌ها بر ضد دولتهای قدرتمند توسط انبیا

در صورتی که اگر هر منصفی به تاریخ انبیا مراجعه کند، می‌بیند که انبیا بودند که توده‌ها را بیدار می‌کردند بر ضد دولتها. خوب، این موسی - علیه السلام - است که توده مردم را، یک آدم شبان با یک عصا راه افتاد توده مردم را بیدار کرد بر ضد فرعون. نه فرعون موسی را درست کرد برای خواباندن آنها؛ موسی مردم را تجهیز کرد برای اینکه جلوی قدرتمندها را بگیرند. (۶۰)

۵۸/۱/۲۹

\*\*\*

### قیام بر ضد مستکبرین، طریقه حضرت موسی (س)

قدرت الهی و توجه به مصالح مستضعفین در قبال مستکبرین که اولش فرعون بود، قیام بر ضد مستکبرین، طریقه حضرت موسی - سلام الله علیه - بوده و درست این معنی برخلاف آن [طرحی] است که این طایفه صهیونیستها دارند. اینها اتصال به مستکبرین پیدا کردند. جاسوس آنها هستند؛ نوکر آنها هستند؛ و بر ضد مستضعفین عمل می‌کنند. (۶۱)

۵۸/۲/۲۴

\*\*\*

### همراهی مستضعفین با انبیاء در طول تاریخ

تمام ادیان آسمانی از بین توده‌ها برخاسته است و با کمک مستضعفین، بر مستکبرین حمله برده است. مستضعفین، در همه طول تاریخ، به کمک انبیا برخاسته‌اند و مستکبرین را به جای خود نشانده‌اند. (۶۲)

۵۸/۲/۲۶

\*\*\*

### سرنگونی فرعون

حضرت موسی، یک شبان با یک عصا، حرکت کرد و فرعون را سرنگون کرد. با همین جمعیت مستضعف - نه اینکه فرعون موسی را درست کرد برای خواب کردن - موسی مردم را بیدار کرد برای به هم زدن اوضاع او. (۶۳)

۵۸/۲/۳۰

\*\*\*

### نقش پیامبران در ایجاد عدالت اجتماعی

پیغمبرها تاریخشان معلوم است، اینها آمده‌اند که بسیج کنند این مستمندان را که بروند و این غارتگرها را سر جای خودشان نشانند، و عدالت اجتماعی درست کنند. (۶۴)

۵۸/۴/۵

\*\*\*

### تجهیز مستضعفین علیه مستکبرین توسط انبیا

هر که تاریخ انبیا را ملاحظه کند که این انبیا از چه طبقه‌ای بوده‌اند و اینها با کی مخالفت داشتند، می‌بیند که انبیا از این طبقه مستضعفین بوده‌اند. از همین طبقه سوم مردم بوده‌اند؛ و مردم را وادار کردند که جنگ کنند با آن مستکبرین. یکی حضرت موسی است، که به ما باز یک قدری نزدیکتر است. حضرت موسی یک آدمی بوده، شبان بوده است؛ با عصای شبانی. مدت‌ها هم در خدمت حضرت شعیب بوده و شبانی او را می‌کرده

مواجهه تاریخی مستضعفین و مستکبرین / ۴۵

است و از همان مردم عادی بوده است در صورت. و همین حضرت موسی، که از توی همین جمعیت باشد، همینها را تجهیز کرد بر ضد فرعون. فرعون موسی را درست نکرد برای اینکه تختش را حفظ کند. موسی مردم را برداشت رفت تخت فرعون را به هم زد. «دین افیون است!» به نظر آنها فرعون موسی را درست کرده که مردم را خواب کند تا خودش سلطنت کند! عکس آنی که واقع است که موسی مردم را تجهیز کرده، این طبقه سه را تجهیز کرده و برده و تاج و تخت فرعون را به باد فنا داد. (۶۵)

۵۸/۴/۱۴

\*\*\*

### قیام مستضعفین بر ضد مستکبرین با تبلیغات انبیا

قیامهای انبیا همیشه این طوری بوده که یکی از بین خود اینها، از بین خود این مؤمنین - که طبقه پایین بودند، از خود همین مردم پایین - یکی انتخاب می شد برای اینکه تبلیغ کند. و یکی از کارهایش هم این بود که همین جمعیت مستضعف مقابل مستکبر را تجهیز می کرد با تبلیغاتی که می کرد، مهیا می کرد، تجهیز می کرد بر ضد آنها؛ بر ضد مستکبرین. مستکبرین اینها را برای منافع خودشان درست نمی کردند، این مستضعفین بودند که از میان آنها یکی پا می شد و خداوند [او را] انتخاب می کرد و بر ضد مستکبرین قیام می کردند. (۶۶)

۵۸/۴/۳۰

\*\*\*

### نقش سران ادیان در شوراندن طبقه مستضعف بر ضد قدرتهای طاغوتی

همه ادیان وقتی که شما ملاحظه بکنید، سران این ادیان که انبیا بودند، اینها از طبقه مستضعف قیام کردند و طبقه مستضعف را بر ضد قدرتها شوراندند. حضرت ابراهیم خودش بوده و یک تبری؛ از طبقه پایین، در مقابل آن نمرود<sup>(۱)</sup> عصر قیام کرد، و آن مظاهر آنها، که مظاهر اشرافیتشان بود و بت هم آن وقت [از] مظاهر اشرافی بود، آنها را

۱- نام پادشاه بابل که ادعای خدایی کرد و ابراهیم خلیل (ع) را در آتش افکند.

شکست. حضرت موسی هم یک شبان و یک عصا؛ از همین طبقه مستضعف. این طبقه را بر ضد فرعون و بر ضد دستگاه طاغوتی برافراشت؛ اینها را برانگیخت بر ضد آنها؛ نه اینها را خواب کرد تا آنها بخورند! اینها را بیدار کرد که آنها را بکشند. عکس آنکه نویسنده‌های خائن ما و نویسنده‌های خائن تر خارجیها می‌گویند که دین؛ افیون جامعه است، و انبیا آمده‌اند که جامعه را با این افیون خواب بکنند، و قدرتمندها و طاغوتها جامعه را بمکند و اینها خواب باشند. درست وقتی تاریخ انبیا را ملاحظه کنید، عکس این است. یعنی طاغوتها به مردم غلبه کرده بودند و خداوند در هر عصری یک نفر را از همین قشر پایین، و از همین چوپانها، از همین طبقه مستضعف، برانگیخت و این طبقه مستضعف را بیدار کرد و بر ضد طاغوتها قیام کرد، و فرعون را غرق کرد و از بین برد. (۶۷)

۵۸/۶/۱۲

\*\*\*

### قیام طبقه مستضعف بر ضد فرعون

حضرت موسی یک نفر شبان بود و - عرض می‌کنم - از این طبقه مستضعفین بود از همین طبقه بود و قیام کرد و همین طبقه مستضعفین را شوراند بر فرعون و فرعون را از بین بردش. (۶۸)

۵۸/۹/۱۶

\*\*\*

### قیام به قسط، فلسفه بعثت پیامبران

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بینات به آنها دادیم، آیات به آنها دادیم، میزان برایشان دادیم و فرستادیم لِقَوْمٍ لِّیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛<sup>(۱)</sup> غایت این است که مردم

۱. اشاره به آیه ۲۵ سوره حدید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم بر راستی و عدالت گرايند و آهن را، که در آن سختی و کارزار و نیز منافع بسیار بر مردم است، برای حفظ عدالت آفریدیم تا خدا بداند که چه کسی با ایمان قلبی، او و رسولانش را یاری خواهد کرد، همانا خدا قوی و مقتدر است.



مواجهه تاریخی مستضعفین و مستکبرین / ۴۷

قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلمها از بین برود، ستمگریها از بین برود، ضعفا به آنها رسیدگی بشود، قیام به قسط بشود. دنبالش هم می فرماید: وَأَنْزَلْنَا إِلَيْهِمُ التَّنَاسُطَ الْإِسْلَامَ؟ تناسب این چیست؟ تناسب این است که با حدید باید اینها انجام بگیرد؛ با بینات، با میزان و با حدید. فیه بَأْسٌ شَدِيدٌ؛ یعنی، اگر شخصی یا گروهی بخواهند یک جامعه را تباه کنند، یک حکومتی را که حکومت عدل است، تباه کنند، با بینات با آنها باید صحبت کرد. نشیندند، با موازین، موازین عقلی صحبت کرد. نشیندند با حدید. (۶۹)

۶۰/۶/۱۸

\*\*\*

### ریشه کنی استکبار و نجات مظلومین، مقصد حضرت موسی

حضرت موسی در یک محیطی بوده از آنجا شروع کردند. لکن مقصد این بوده است که ریشه استکبار را از جهان بکنند و مردم را از این ظلمهایی که بر ایشان می شود نجات بدهند. (۷۰)

۶۰/۱۰/۳۰

\*\*\*

## □ مستضعفین و مستکبرین در اسلام

### نجات مظلومین از دست ستمکاران، مقصد امام علی (ع)

فرمایش امام این است که خدایا تو می‌دانی ما برای به دست آوردن منصب و حکومت قیام نکرده‌ایم؛ بلکه مقصود ما نجات مظلومین از دست ستمکاران است. آنچه مرا وادار کرد که فرماندهی و حکومت بر مردم را قبول کنم، این بود که «خدای تبارک و تعالی از علما تعهد گرفته و آنان را موظف کرده که بر پرخوری و بهره‌مندی ظالمانه ستمگران و گرسنگی جانکاه ستمدیدگان سکوت نمایند.»<sup>(۱)</sup> یا می‌فرماید:

اللَّهُمَّ، إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَاسَ شَيْئًا مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ.

خدایا، تو خوب می‌دانی که آنچه از ما سرزده و انجام شده، رقابت برای به دست گرفتن قدرت سیاسی، یا جستجوی چیزی از تمتعات و درآمدهای زائد دنیا نبوده است. (۷۱)

\*\*\*

### حل مشکل فقر در رأس برنامه‌های اسلام

مهلت هم نمی‌دهند که اسلام آن فکری را که برای فقراء کرده عملی کند. اسلام مشکله فقر را حل کرده و در رأس برنامه خود قرار داده است. انما الصدقات للفقراء...<sup>(۲)</sup> اسلام توجه داشته که باید اول کار فقراء را اصلاح کرد، کار بیچاره‌ها را اصلاح نمود. لیکن نمی‌گذارند که عملی شود. (۷۲)

\*\*\*

۱. نهج‌البلاغه؛ خطبه ۳. (شقشقیه).

۲. توبه / ۶۰.

### حکومت حضرت امیر، حکومت عدالت

این پنج سال حکومت، یا پنج - شش سال حکومت حضرت امیر، این با همه گرفتاریهایی که بوده است و با همه زحمتهایی که از برای حضرت امیر فراهم شد، سلبش عزای بزرگ است. و همین [دوره] پنج ساله و شش ساله، مسلمین تا به آخر باید برایش جشن بگیرند؛ جشن برای عدالت، جشن برای بسط عدالت، جشن برای حکومتی که اگر چنانچه در یک طرف از مملکتش، در یک جای از مملکتش، برای یک معاهد<sup>(۱)</sup> - یک زن معاهد - یک زحمت پیش بیاید، یک خلخال از پای او در آورند، حضرت، این حاکم، این رئیس ملت، آرزوی مرگ بکند، که مرگ برای من - مثلاً - بالاتر از این است که در مملکت من یک نفر زنی که معاهد هست خلخال را از پایش در آورند. این حکومت حکومتی است که در رفتنش مردم باید به عزا و سوگواری بنشینند؛ و برای همان پنج روز و پنج ساله حکومتش باید جشن بگیرند؛ جشن برای عدالت، جشن برای خدا، جشن برای اینکه این حاکم حاکمی است که با ملت یکرنگ است بلکه سطحش پایینتر است در زندگی؛ سطح روحی اش بالاتر از همه آفاق است، و سطح زندگی اش پایینتر است از همه ملت. (۷۳)

۵۰/۴/۱

\*\*\*

### مخالفت پیامبر (ص) و ائمه - علیهم السلام - با دستگاه ظلم

اگر در قرآن مطالعه کنید، می بینید که آنقدر آیات در [مورد] جنگ هست که وادار به جنگ است؛ وادار به جنگ با کی؟ با قدرتمندها. قرآن آیات زیاد - یکی دو تا نیست - آیات زیاد دارد در [مورد] جنگ، در کیفیت جنگ؛ و جنگهایی که در صدر اسلام بوده است، بین قدرتمندها و بین پیغمبر اسلام بوده است؛ و قرآن یک کتابی است که از آن تحرک بیشتر استفاده می شود تا چیزهای دیگر. یک کتابی است که مردم را حرکت داده است؛ از

---

۱. هم پیمان؛ مقصود «ذمی» و آن کسی است که با مسلمانان پیمانی بسته است تا در پناه حکومت اسلامی باشد. اشاره امام به ماجرای حمله عوامل معاویه در زمان حکومت علی (ع) به شهر «انبار» است. که در آن یکی از سربازان معاویه خلخال زنی ذمی را از پایش در آورد.

این خمودی که دارند حرکت داده است و با همه طاغوتها در انداخته است قرآن. ... آن وقتی که پیغمبر اکرم در حجاز بودند، قدرتمندهای حجاز که ابتدائاً سر و کار داشته پیغمبر با آنها؛ یک دسته‌شان در مکه بودند که تجار خیلی معتبر و قدرتمند بودند؛ یک دسته‌شان در طایف بودند که آنها هم ثروتمندهای آنجا بودند و قدرتمندهای آنجا بودند، ابوسفیان و امثال اینها. اینها نظیر حکام و سلاطین بودند و دارای همه چیز بودند، و پیغمبر اسلام با آنها درافتاد. وقتی که تشریف آوردند به مدینه، با همین فقرا بودند ایشان؛ نه با ثروتمندها بودند برای خواب کردن جمعیت. با فقرا بودند برای بیدار کردن فقرا. این فقرا را شوراندند به آن اغنیایی که مال مردم را می‌خوردند و ظلم به مردم می‌کردند. جنگهای پیغمبر زیاد است و همه این جنگها، جنگهای با ثروتمندها و قدرتمندها و ظلمه بوده است.

... از آن طرف ما باید ببینیم که خوب، آنهایی که اسلام را تبلیغ کردند و از اول هم شما ببینید که [در راه اسلام مبارزه] می‌کردند [چه کسانی بودند]، خود پیغمبر اسلام با کی جنگ کرد؟ با این قدرتمندان مکه و قدرتمندهای حجاز. بعدش خلفایی که بودند، چه خلفایی که ما قبولشان داریم، چه خلفایی که ما قبول نداریم؛ آنها با [چه کسانی] جنگ کردند، آنها هم لشکر کشیدند با سلاطین ایران و سلاطین رُم و با اینها جنگ کردند؛ با سلاطین جنگ می‌کردند، نه اینکه از قِبَل سلاطین مأمور بودند که مردم را خواب کنند. آنها مأمور تحرك بودند؛ تحرك اینکه مردم مُسلم و ضعفا را، مستضعفین را بشوراندند بر این اشخاصی که دارند مال مردم را می‌خورند. رُمی‌ها و ... ایرانی‌ها آن وقت محل ابتلا بودند. جنگها کردند با اینها، و فتح کردند آنجاها را برای مسلمین و برای اسلام؛ و ابداً این مسأله مطرح نبوده است که یک کسی بگوید که بسازید با این دولتمندها، بسازید با این سلاطین؛ یک همچو مطلبی نبوده است در کار. همیشه جنگ بوده، خود پیغمبر اسلام و بعدش هم خلفای پیغمبر.

زمانی هم که حضرت امیر - سلام الله علیه - بودند، ایشان هم مبتلا شدند به یک جنگ داخلی؛ که می‌دیدند اگر این جنگ داخلی را [دنبال] نکنند، اسلام را معاویه فاتحه‌اش را می‌خواند. معاویه یک حکومت بود در شام؛ مثل سلاطین زندگی می‌کرد، دارای لشکر و دارای همه [امکانات] بود. حضرت امیر هم که در رأس روحانیت و آقای روحانیون

است، ایشان هم که وقتی می‌خواهند جنگ بکنند، وقتی می‌خواهند زندگی بکنند و خلافت را بشناسانند، نمی‌آیند مردم را خواب کنند تا قدرتمندها بیایند اینها را بخورند. ایشان هم جنگ می‌کند؛ باکی؟ با معاویه که در مرکز شام نشسته و اسلام با بودن او در خطر است، و دارد مردم را استعباد کرده و ظلم می‌کند. ائمه ما - علیهم السلام - که همه‌شان کشته شدند، برای این [بود] که همه اینها مخالف با دستگاه ظلم بودند. (۷۴)

۵۷/۷/۲۳

\*\*\*

### مخالفت پیامبر اسلام و ائمه اطهار با سلاطین عصر

پیغمبر اسلام - صلی‌الله علیه و آله - که مبعوث شدند، ایشان هم [همین طور]. خوب آدم باید حساب بکند، تاریخ را باید ببینید، حساب باید بکنید که آیا پیغمبر به نفع این سرمایه‌دارهای حجاز و طائف و آنجاها، مکه و آنجاها وارد عمل شده است و مردم را تخدیر کرده که اینها بخورند آنها را، یا نه، این مردم ضعیف مستضعف را، این سر و پا برهنه‌ها را تحریک کرده بر ضد این سرمایه‌دارها و جنگها کرده‌اند با اینها تا اینها را شکست دادند و بعضی‌شان [را] هم آدم کردند. همین طوری این جوانهای ما، همین طوری یک مطلبی وقتی که می‌شنوند، بدون اینکه تفکر کنند، بدون اینکه ملاحظه کنند که اینها چه می‌گویند، مقصد اینکه اینها از مکتب مثلاً کمونیست دارند تعریف می‌کنند، مقصد چه هست؟! مقصد اینهاست که مسلمانها و اسلام را یک جوری به این مسلمانها نمایش بدهند که از اسلام برگردند اینها. نمایش بدهند که اسلام برای این بوده است که این اشراف و اعیان را سوار مردم کند و مردم هم حرف نزنند. خوب، نخوانده‌اند قرآن را ببینند اسلام برای چه آمده. این همه آیات قتال که وارد شده، اسلام قتال [و] اعلان جنگ کرده است با این سرمایه‌دارها، با این بزرگها، با این شاهها، با این سلاطین؛ نه این است که با آنها همراهی کرده تا مردم را بخورند آنها.

علمای اسلام، پیغمبر اسلام، ائمه اسلام، همیشه مخالفت با این سلاطین عصرشان کرده‌اند. (۷۵)

۵۷/۷/۳۰

\*\*\*

### جنگ بازورمندها در منطق قرآن

کسی که یک مقداری آشنا باشد به منطق قرآن، می‌بیند که این قرآن است که وادار کرد پیغمبر اسلام را به اینکه با این سرمایه‌دارها دائماً در جنگ باشد. با این کسانی که در حجاز و در طائف و در مکه و اینها، سرمایه‌دار بودند و صاحب قدرت و اشخاص قلدری بودند که قدرتمند بودند. قرآن بود که پیغمبر اکرم را وادار کرد به اینکه با این مردمی که با ملیت مردم با منافع توده‌های مردم، مخالف هستند و استثمار می‌کنند اینها را، با اینها باید جنگ بکنید و تعدیلی حاصل بشود.

جنگهایی که پیغمبر در زمان حیاتشان فرموده‌اند، بعد از اینکه اسباب جنگ فراهم شد برایشان، این جنگها همیشه با زورمندها بوده است؛ با آنها، مثل ابوسفیان و امثال آنها که قدرتمندها بودند، و اینها منافع ملت‌ها را، ملت خودشان را، می‌خواستند برای خودشان [غارت] بکنند؛ و ظلم و ستمکاری و بی‌عدالتی رایج بوده است؛ و جنگهایی که واقع شده، بین مستضعفین بوده و این مردم طبقه‌سه، این فقرا با این زورمندها و اینهایی که می‌خواستند حق فقرا را بخورند؛ و لسان قرآن و آیاتی که در باب جنگ - جنگ با این مشرکینی که آن وقت دارای قدرت بودند - آیاتی که وارد شده است، یکی و دو تا نیست؛ بسیار آیات در [باب] جنگ هست و در جدال با اینها؛ و در تمام قرآن اگر پیدا بکنید یک آیه‌ای که مردم را بگوید با اینها ملایمت کنید و بروید توی خانه‌تان بخوابید تا اینها هر کاری [می] خواهند بکنند، بکنند؛ اگر این جور پیدا شد، آن وقت حق دارد کسی بگوید که این قرآن آمده است و دین آمده است، افیون است. (۷۶)

۵۷/۸/۸



### جنگ با قلدرها در تاریخ اسلام

وقتی می‌آییم سراغ آنهایی که دین را تبلیغ می‌کردند، مثل خود پیغمبر، حضرت امیر، سلام‌الله‌علیه، خلفای پیغمبر؛ یعنی خلفای صوری پیغمبر تا آن وقتی که باب خلافت توی کار بود و به سلطنت نرسیده بود،<sup>(۱)</sup> بعد از آن علمای اسلام، شما اگر تاریخ را ملاحظه

۱. معاویه خلافت را به سلطنت موروثی تبدیل ساخت.

کنید، همیشه جنگ مابین این طایفه و قلدرها بوده؛ هیچ وقت همچون نبوده است که اینها ساکت بنشینند؛ منتها به مقدار قدرت و به مقداری که عرض می‌کنم، توانایی داشتند و کم بوده است توانایی‌شان؛ آن هم البته عللی داشته است که نقصی، نقیصه‌هایی در کار بوده. (۷۷)

۵۷/۸/۸

\*\*\*

### همراهی اصحاب صفا با پیامبر در فتح حجاز

بینیم که این جنگهای متعددی که در اسلام واقع شده و زمان رسول اکرم بود - حالا بعد از زمان رسول اکرم باز حرف دیگر است - زمان خود پیغمبر اسلام بوده است که متن اسلام است، دیگر هیچ حاشیه نیست، از متن اسلام است، قرآن است و آنکه قرآن را آورده است برای مردم، آنی که اینها می‌گویند دین را قدرتمندها درست کردند که این ضعفا و فقرا را منافعشان را استثمار کنند و استعمار کنند، بینیم که آیا این جنگها، جنگ اینطور بوده است که پیغمبر اکرم همدست شده است با قدرتمندها و حمله کرده به فقرا؟! یا با فقرا ساخته و حمله کرده به قدرتمندها؟ هرکس همان ظواهر اول تاریخ را ببیند، می‌بیند اینطوری بوده که پیغمبر یک دسته فقیر دورش جمع بوده‌اند، یک دسته بوده‌اند که هیچ جا نداشتند جز «صفا»؛ «اصحاب صفا»؛ یعنی یک جایی که - توی این حیاط یک جایی شما فرض کنید که یک جایی اسمش [را] به آن «صفا» می‌گفتند؛ اینها آنقدر بی‌جا بودند که اصحاب صفا ای داشتند و اصحاب پیغمبر بودند آنجا می‌خوابیدند، اینقدر بی‌چیز بودند؛ چیز نداشتند اینها، فقرا بودند؛ آنی که اطراف پیغمبر جمع شده بودند گداها بودند. خوب، فقرا و گداها جمع شدند دور پیغمبر. همین فقرا و گداها با تعلیم قرآن در زمان خود رسول اکرم حجاز را فتح کردند! آنهایی که هیچی بودند. یعنی پیغمبر نتوانست مکه بماند و شب - نصف شبی - فرار کرد از مکه به مدینه - بعد از اینکه روابطش را با مدنیها و بعضی از مدنیها درست کرده بود فرار کرد از آنجا به مدینه نصف شب - و نمی‌توانست در آنجا هیچ کاری انجام بدهد. وقتی هم آمد مدینه، وارد شد به یک عده‌ای که همین طور که عرض کردم اینها از فقرا بودند؛ نه اینکه اینها از اغنیا و

ثروتمندها بودند و پیغمبر با ثروتمندها بست و بند کرد که فقرا را مثلاً خاموش کند؟! (۷۸)

۵۷/۸/۱۴

\*\*\*

### اسلام، محرک است نه افیون

ما باید ببینیم که آیا این قرآن که متن اسلام است و این پیغمبر که آورنده اسلام - و آن وقت اسلام بی حواشی بوده و خود اسلام بوده، متن اسلام بوده - این اسلام در آن متن اولیه‌ای که هیچ دیگر تصرفی از هیچ جادر آن نبوده این آیا مردم را دعوت کرده به اینکه با اغنیا بسازید؟ اغنیا اگر از شما چیزی بردند، این قدرتها اگر آمدند و مال شما را برداشتند، شما دیگر حرف نزنید؟! شما ان شاء الله بهشت می‌روید، حرف نزنید! یا همین قرآن مردم را، این گداها را - عرض می‌کنم - فقیر این فقیرها که نه مکان داشتند و عده کثیری از آنها روی صفت مسجد، یعنی یک جای بی سقف، یک جایی، زمین بی سقف، آنجا زندگی می‌کردند و پهلوی هم می‌خوابیدند و هیچ چیز هم نداشتند که بخورند، یک چیزی به آنان می‌دادند یا از این طرف و آن طرف یا می‌رفتند پیدا می‌کردند می‌خوردند، و آن جمعیتی که یک خرما را اینطوری دور می‌زدند، با این جمعیت راه افتاد و حجاز را، قدرتمندها را، عقب زد. این افیون است؟! یا این محرک است؟ تو با این حرفت می‌خواهی افیون درست کنی!...

این کلام افیون است، نه اسلام افیون است. اینکه می‌گویید اسلام افیون جامعه است، خود این برای اغفال مردم است؛ چیزهایی که برای اغفال مردم است این افیون است نه اینکه آمده است، نه آن حقیقتی که آمده و در همان زمان خودش با یک عده فقیر، مملکت حجاز را فتح کرده و عدل و انصاف را تا آخر حجاز برده. این زمان خود پیغمبر است. بعد که قدرت پیدا شد و - عرض بکنم که - قوه پیدا شد در همان قرن اول اسلام، در همان قرن - مثلاً سی سال، در همان قرنهای اول و سی سال اول، سی و پنج سال اول، دو تا امپراتوری را اینها شکست دادند! امپراتوری روم و امپراتوری ایران. ایران را فتح کردند، روم را هم فتح کردند. این افیون است؟! این اسلام آمده است که بسازد با کسری<sup>(۱)</sup> و

۱. معرب خسرو؛ لقب پادشاهان ساسانی.



مردم را بگوید تبعیت کنید از کسری؟! این آمده است که بسازد با سلطان روم و بگوید به مردم روم - تعلیم کند - که بسازید با اینها؟! یا این آمد و دو تا امپراتوری را شکست داد و عقبشان زد برای اینکه عدل را در عالم و برای این فقرا... برای اینکه این فقرا را آنها می خوردند، جلویشان را بگیرد؟! ... می آیم سراغ آنهایی که - اسلام در زمان خودش، یعنی زمانی که متن بوده است و پیغمبر بوده و قرآن، پیغمبر بوده و قرآن - بعدش هم در زمانهای بعدی که اسلام با چیزها، جنگها، جنگهای بین همین طایفه طبقة سه بوده با امپراتوریهها؛ منتها اسلام همچو قدرتی داده بود به این عده جمعیت کم، چند هزاری، که رفتند امپراتوری روم را فتح کردند و امپراتوری ایران را هم فتح کردند. امپراتوری ایران که وقتی - مثلاً - [در] جنگها که وقتی تجهیز قوا می کردند، اسبهایشان چه و - عرض می کنم - زینهای اسب طلا و نمی دانم چه، بساطی اینها داشتند، همین سر و پابره‌ها را، همینهایی که پیاده می رفتند و چندتایشان یک شتر داشتند و البته یکی یک شمشیر داشتند، قدرت داشتند، شمشیر داشتند اما چند نفر با هم یک شتر داشتند و چند نفر با هم مثلاً یک اسب، ده تا اسب در یک جمعیتشان پیدا می شد، اسبی نداشتند، شتر حسابی نداشتند، اسبی نداشتند، آذوقه حسابی نداشتند اما قدرت داده بود اسلام به اینها، یعنی تحت تعلیمات متن اسلام و آن کسی که متن اسلام را پیاده کرده بود، یک همچو قدرتی به مسلمین داده بود که همین آدمهایی که دیروز چیزی نبودند و یک عده فقرایی با هم آنجا می لولیدند، امروز شمشیر را کشیدند و دو تا امپراتوری که تمام دنیا - آن وقت از اینجا خبری نبوده، آن وقت این دو امپراتوری بوده است که یکی روم بوده و یکی ایران بوده - این دو امپراتوری را، این یک مشت عرب صُعلوک<sup>(۱)</sup> و گدا که شمشیر چندتا در این - مثلاً - ده هزار، بیست هزار نفر بوده، اینها همه شمشیر نداشتند، همه زره نداشتند، همه چیز نداشتند، با همین دست خالی راه افتادند لکن قدرت روحی داشتند - مثل ما نبودند که ضعیف النفس یا ضعیف القلب باشند! قدرت روحی داده بود اسلام به آنها - همین عده قلیل با همین قدرت الهی که به آنها داده شده بود و پشتوانه‌ای که اسلام دنبالش بود و دعوتی که اسلام می کرد از اینها، راه افتادند و آن دو تا امپراتوری بزرگ را شکست دادند و فتح کردند. ایران فتح شد در زمان قبل از اینکه سی سال از اسلام بگذرد،

ایران فتح شد و روم فتح شد؛ و مملکت اسلام رفت تا آن طرف افریقا و تا همه جا، تا اسپانیا رفت. منتها بعد بی عرضگی کردند خود مسلمانها که یک مسئله دیگر است. پس، ما متن اسلام را که مطالعه بکنیم این جور نبوده است که متن اسلام آمده است که سلاطین را تسلط بدهد بر فقرا، بر طبقه بعد؛ قدرتمندها را سلطه بدهد بر غیر قدرتمندها. متن اسلام این جور نبوده. (۷۹)

۵۷/۸/۱۴

\*\*\*

### اسلام، طرفدار توده‌هاست

اسلام نیامده که ظلم به ضعفا بکند، اسلام آمده است که ضعفا را پرستاری بکند، خدمت به ضعفا بکند. اسلام از توی ضعفا پیدا شده است، از اغنیا که پیدا نشده. از این گداهای مدینه و مکه اسلام پیدا شد؛ از این بیچاره‌ها و ضعیفها اسلام پیدا شده است. و انبیای دیگر هم همین طور بودند؛ هیچ کدام اشراف نبودند که طرفدار اشراف باشند. اینها از همین ضعفا هستند و از بین همین توده‌ها پیدا شدند و طرفدار همین توده‌ها هم هستند و نمی‌گذارند ظلم به اینها بشود؛ البته به بزرگها هم نمی‌گذارند ظلم بشود، هیچ کس - به هیچ کس نباید ظلمی بشود. (۸۰)

۵۷/۹/۲۰

\*\*\*

### جدال پیامبر و توده‌ها با قدرتمندان

پیغمبر خودمان که تاریخش نزدیک است، و همه آقایان لابد می‌دانند، این یک شخصی بود که از همین توده‌ها و جمعیتها بود و با همینها بود؛ و از بدو بعثت تا آخر با قدرتمندها و باغدارها و مُکنت‌دارها و سرمایه‌دارها همیشه در جدال بود. پیغمبرها از این توده‌ها بودند و قدرتمندها را می‌ترساندند، نه از قدرتمندها بودند برای اینکه توده‌ها را [خام] بکنند. این یک مطلبی است که واضح است لکن دست تبلیغات اجانب خیلی

\*\*\*

### پیغمبر اسلام هم از همین توده بود

تاریخ اسلام واضح است. همه می دانید. شماها، کسانی که اهل مطالعه‌اند، می دانید که پیغمبر اسلام هم از همین توده بود. از همین توده‌ای که وقتی که ظهور پیدا کرد و دعوت کرد، همین قریش با او مخالفت کردند؛ که آن وقت گردن کلفتها همینها بودند، قلدرها همینها بودند، سرمایه دارها همینها بودند. و ایشان نمی توانست در آنجا [مکه] اظهاری بکند. در کوه، در آن غار حرا مدتها همان جا بود و نمی توانست بیرون برود؛ محبوس بود کأنه. بعد هم از آنجا که رفت به مدینه، در مدینه هم همین اشخاصی که طبقه سوم بودند جمع شدند دور ایشان. ایشان وقتی مسجد را درست کرد - آن هم نه یک مسجد مجلل، یک مسجد خیلی محقر درست کرد - روی صُفّه آن مسجد، که یک صُفّه‌ای بود که هیچی هم نداشت، آنجا بسیاری از اصحاب حضرت، از آنهایی که یاران او بودند آنجا می خوابیدند چون منزل نداشتند. در جنگهایی که می شد، یک خرما را از قراری که در تاریخ هست این می گذاشت دهانش درمی آورد می گذاشت دهان او، او دهان او، او دهان او. <sup>(۱)</sup> اینطور اینها فاقد بودند. مع ذلک اینها بودند که رفتند و قریش را و سایر گردن کلفت‌های ظلمه را سر جای خودشان نشانند. نه آنها این را ایجاد کردند که توده را خواب کند! اینها توده را بیدار کردند که آنها را از بین ببرند. (۸۲)

\*\*\*

### جنگ پیامبر و مستضعفین بر ضد قلدرها و دیکتاتورها

خود پیغمبر ما؛ - پیغمبر ما - هم شبانی کرده است هم از همین توده مردم، از همین

---

۱. تاریخ طبری؛ ج ۳، ص ۳۲ - ۳۳.

توده طبقة سه بوده است. و از اول که قیام کرده بر ضد قلدرها، بر ضد دیکتاتورها - که در آن زمان در جزیره العرب عبارت از قریش بودند و یک طوایف دیگر - بر ضد آنها قیام کرده؛ نه اینکه آنها این را آوردند روی کار تا مردم را اغفال کنند! این مردم را آگاه کرده و رفته سراغ آنها.

اگر کسی تاریخ اسلام را بدانند، از آن وقتی که ایشان به مدینه رفتند یک عده‌ای از همین مسلمانها دور ایشان جمع شدند. یک عده‌ای از این، همین طبقة صالح، دور ایشان جمع شدند. این [ها] بی چیز بودند. یک صفة مسجد رسول الله - آن هم نه این صفة‌ها بوده که شما دیدید - یک جایی بوده است که از گل درست کرده بود؛ عده زیادی از آنهايي که اصحاب پیغمبر بودند، طرفداران پیغمبر بودند، آنجا می‌خوابیدند. هیچ اصلاً منزل نداشتند. خود پیغمبر منزلش آن اتاقهایی بود که با گل درست کرده بودند. آن هم نه یک معماری،... یک [اتاق گلی] بوده است. مع ذلک پیغمبر همین طبقة سه را، همین مستضعفین را جمع کرد و جنگها را با اینها شروع کرد برخلاف سرمایه‌دارها و برخلاف قلدرها و برخلاف شتردارها و برخلاف قافله‌دارها و برخلاف اینها. دائماً جنگ اینها با این دسته بوده. (۸۳)

۵۷/۱۱/۳۰

\*\*\*

### احکام اسلام به نفع توده‌هاست

اسلام از توده پیدا شده است و برای توده کار می‌کند؛ اسلام از طبقة بالا پیدا نشده است. پیغمبر اکرم از همین جمعیت پایین بود، از همین توی جمعیت پا شد و قیام کرد. اصحاب او از همین مردم پایین بودند؛ از این طبقة سوم بودند. آن طبقة بالا بالا مخالفین پیغمبر اکرم بودند. از همین توده پیدا شده است و برای همین جمعیت، همین ملت قیام کرده است و به نفع همین ملت احکام آورده است. (۸۴)

۵۷/۱۲/۱۴

\*\*\*

### همه جنگهای پیغمبر با قدرتمندها بوده است

این تاریخ اسلام که دم دستمان است و همه تان می دانید، می دانید که اینطور نبود که قدرتمندهای قریش حضرت رسول را درست کرده باشند و دین اسلام را درست کرده باشند برای اینکه توده را خواب کنند! این حضرت رسول بود که توده ها را بیدار کرد، گداها را بیدار کرد، صلوکها<sup>(۱)</sup> را بیدار کرد، فقرا را بیدار کرد و بر ضد این چیزها قیام کرد، بر ضد قدرتمندها. جنگهای پیغمبر همه با قدرتمندها بود. این طرف عبارت از یک عده بی ساز و برگ، یک عده - عرض بکنم که - توده مردم، فقرا و ضعفا و مستضعفین؛ آن طرف مستکبرین و - عرض بکنم - دارای کذا و کذا. این تبلیغات آنها به قدری بوده است که شاید در بین خود ماها و شاید در بین جوانهای ما این معنا را به باور رساندند، به ثبت رساندند، که خیر، اصل دین برای یک همچو چیزی است. در صورتی که عکس مطلب بوده. در خارج همه می دانند که عکس بوده است. همیشه نزاع مابین پیغمبرها از توده ها شروع شده بر ضد مستکبران، بر ضد قدرتمندها. (۸۵)

۵۸/۱/۲۹

\*\*\*

### مقصد اسلام در سیره رسول اکرم و ائمه

اسلام برای همین مقصد آمده است و تعلیمات اسلام برای همین معناست که مستکبری در زمین نباشد و نتوانند مستکبرین مستضعفین را استعمار و استثمار کنند. ما به تبع تعالیم عالیة قرآن و آنچه از اسلام و سیره رسول اکرم و ائمه مسلمین به دست آوردیم و از سیره انبیا - چنانچه در قرآن نقل می فرماید - به دست آوردیم، آن است که مستضعفین با هم مجتمع شوند و بر مستکبرین توره<sup>(۲)</sup> کنند و نگذارند حقوق آنها را ببرند. (۸۶)

۵۸/۲/۴

\*\*\*

---

۱. فقیر و درمانده، گدا.  
۲. انقلاب یا شورش مردمی.

### نقش مستضعفین در ترویج اسلام

در اسلام پیغمبر اکرم از بین مستضعفین برخاست و با کمک مستضعفین، مستکبرین زمان خودش را آگاه کرد یا شکست داد. مستضعفین بر تمام ادیان حق دارند. مستضعفین به اسلام حق دارند، زیرا در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله، این جمعیت بودند که کمک کردند دین اسلام را؛ ترویج کردند از دین اسلام رژیمهای شاهنشاهی و مستکبرین وابسته به آن رژیم، همیشه راه آنها غیر راه اسلام بوده است و با مبارزه با اسلام، زندگی منحوس خود را ادامه می دادند. (۸۷)

۵۸/۲/۲۶

\*\*\*

### نقش پیغمبر در نهضت فقرا بر ضد اغنیا

تاریخ اسلام نزدیک است به ما، هر کس که مطالعه کرده باشد می داند که پیغمبر اسلام در مکه که بودند، از همین مردم مستضعف و طبقه به اصطلاح آنها صفر، و تجار قریش و ثروتمندان آن وقت و قدرتمندان آن وقت همه با او مخالف بودند. نه اینکه قدرتمندان او را آورده بودند که مردم را خواب بکند. ایشان بود که تا مکه بود نمی توانست اظهار وجود بکند. زیرزمینی مشغول فعالیت بود و گروههایی ترتیب می داد برای خودش، وقتی که دیدند آنجا نمی شود، از آنجا هجرت فرمودند به مدینه؛ در مدینه هم که آمدند، وارد شدند به یک نفر از همین مردم طبقه سه، به اصطلاح آنها. اشخاصی هم که جمع شدند دور ایشان عبارت از همین فقرا بودند. جنگهای پیغمبر همه اش با اغنیا بود و با گردن کلفتها بود و با ثروتمندها بود. این عکس آنطوری است که آنها تبلیغ کردند، و جوانهای بی اطلاع ما هم تبعیت کردند. نه اینکه فرعون موسی را درست کرد که مردم را خواب کند، موسی مردم را بیدار کرد برای اینکه فرعون را از بین ببرد. نه اینکه قریش و ثروتمندان پیغمبر را درست کردند برای اینکه مردم را خواب کند، پیغمبر این فقرا را بلند کرد و نهضت کرد برای اینکه اغنیا را سرکوب کند و سر جای خودشان بنشانند. (۸۸)

۵۸/۲/۳۰

\*\*\*

### رفتن مستکبرین مقدمه رفاه مستضعفین در پناه معنویت اسلام

مقصد انبیا از نهضت چه بوده است، مقصد پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - از نهضت اسلامی چه بوده است؛ مقصد ائمه ما - علیهم السلام - چه بوده است. آیا فقط این بوده است که دست ستمکاران را کوتاه کنند؟ آیا دعوت انبیا فقط برای این بوده است که مزاحمین با مستضعفین را کنار بزنند؛ و همین که غلبه بر آنها کردند و کار را به پیروزی و راندن آنها رساندند، کار تمام است؟ آیا مقصد انبیا این است که ظالم نباشد فقط، یا مقصد بالاتر از این است. اگر مقصد بالاتر از این است، باید ما هم که تابع انبیا هستیم و تابع مکتب اسلام هستیم، به تبعیت از آن بزرگان دین و دنیا مقصدمان همان مقاصد باشد...

... رفتن مستکبرین مقدمه است. رفاه مستضعفین یکی از مقاصد اسلام است.

رژیم اسلامی مثل رژیمهای، مکتبهای مادی نیست، مکتبهای مادی تمام همشان این است که مرتع درست بشود! تمام همت این است که منزل داشته باشند؛ رفاه داشته باشند - آنهایی که راست می‌گویند - اسلام مقصدش بالاتر از اینهاست. مکتب اسلام یک مکتب مادی نیست؛ یک مکتب مادی - معنوی است. مادیت را در پناه معنویت، اسلام قبول دارد. معنویات، اخلاق، تهذیب نفس. اسلام برای تهذیب انسان آمده است؛ برای انسان سازی آمده است. همه مکتبهای توحیدی برای انسان سازی آمده‌اند. ما مکلفیم انسان بسازیم. (۸۹)

۵۸/۳/۸

\*\*\*

### اسلام باضعفاست

اسلام باضعفاست. اسلام آن است که امیرش می‌فرماید، رئیسش می‌فرماید که من می‌ترسم که در آن طرف - به حسب نقل - آن طرف مملکت یک کسی گرسنه باشد؛ شاید آنجا کسی چیزی نداشته باشد بخورد؛ زندگی‌ام باید این باشد که دلم آرام باشد که اگر او آنجا گرسنه است، من هم اینجا گرسنه‌ام. اسلام این است. (۹۰)

۵۸/۳/۲۸

\*\*\*

### نقش پیغمبر اسلام در بسیج مستضعفین جهت ایجاد عدالت اجتماعی

آیا اسلام آمده است که مردم را تخدیر کند؟ خواب کند؟ یا اینکه قرآن یک کتاب سلحشوری است، قرآن یک کتاب جنگجویی است در مقابل مشرکین؛ مشرکینی که قدرتمند بودند. اینکه می فرماید قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً<sup>(۱)</sup> مشرکین در آن وقت همان قدرتمندها بودند؛ مشرکین قریش، همه قدرت دست آنها بود. آیا پیغمبر را مشرکین، قدرتمندها بسیج کردند؟ درست کردند که مردم را خواب کند و مشرکین بچاپند مردم را یا پیغمبر اسلام مردم را بسیج کرد؟ همین سرو پا برهنه‌ها را بسیج کرد بر ضد مشرکین، قاتل کرد و جنگها کرد تا مشرکین را دماغشان را به خاک مالید، و عدالت اجتماعی را ایجاد کرد...

آیا اسلام تخدیر کرده است مردم را؟ یا تاریخ اسلام نشان می دهد که پیغمبر اسلام در مکه که بودند، از ترس همین قریش و مشرکین در پنهان بودند، و تبلیغات زیرزمینی می کردند. وقتی که آنجا دیگر نتوانستند، و آنها با هم شدند که او را بکشند، و ایشان فرار کرد و به مدینه تشریف برد، آنهایی که همراه پیغمبر بودند و دعوت پیغمبر را قبول کردند همین مردم طبقه سه بود - همین فقرا. اصحاب «صُفّه» - که معروف است - اینها یک عده‌ای بودند که توی مسجد، از باب اینکه منزل نداشتند، توی مسجد می آمدند روی صفا، روی سکوی آنجا می خوابیدند. در جنگهایی که می شد، اینها نداشتند چیزی. یک خرما را - اینطور می گویند - یک خرما را این دهنش می گذاشت در می آورد می داد به او؛ او دهنش می گذاشت، در می آورد می داد به او! اینطور بود وضعشان. اینها را پیغمبر بسیج کرد بر ضد این سرمایه دارها، بر ضد این قدرتمندها، بر ضد این مشرکین که مردم را غارت می کردند. (۹۱)

۵۸/۴/۵

\*\*\*

### اسلام، محرک مستضعفین

خوب، تاریخ اسلام که نزدیک است: آیا قریش و قدرتمندهای قریش، رسول اکرم

۱. بخشی از آیه ۳۶ سوره توبه.



را درست کردند که مردم را خواب کند که آنها به رباخواری خودشان و به تجارت خودشان و به اُخاذی خودشان و به غارتگری خودشان ادامه بدهند؟ یا پیغمبر اکرم در مقابل قریش بود؟ خودش هم از قریش بود، اما یک آدمی بود که از همین طبقات پایین بود. از اشراف، به آن معنی که طایفه دار بوده، بود، اما هیچ چیز نداشت. نتوانست در مدینه زندگی کند. از دست همین پولدارها و همین قلدرها مدتی در یک کوهستانی رفت، در یک غاری بود تا اینکه کارهای زیرزمینش را انجام داد. و بعد تشریف بردند مدینه. مدینه کی همراه پیغمبر بود؟ باز آن قدرتمندها بودند؟ باز قُلُدرها بودند؟ باز رباخوارها بودند؟ تاجرها بودند؟ یهودیهایی که آن وقت جزء مُتمکِّنین بودند، آنها بودند؟ یا پیغمبر وارد شد به یک آدم درجه سه‌ای و اشخاصی که دورش جمع شده بودند یک اشخاص فقیر بی‌بضاعتی و خودش هم یک منزل و اتاق، نه مثل این اتاق، یک اتاقی با لیف خرما! چند تا اتاق برای خودش، و مسجدش هم آنطور. و اصحاب حضرت هم یک دسته‌شان، که اصحاب صُفَّه<sup>(۱)</sup> بودند، آنهایی بودند که منزل هم نداشتند می‌آمدند روی یک سَکّوی در آنجا می‌خوابیدند. و زندگیشان همین بود. اینها را برداشت برد و آنها را از بین برد. این فقرا را، این مستضعفین را، اینهایی که درجه سه بودند و حتی خانه نداشتند، حتی در جنگ یکیشان یک خرما وقتی پیدا می‌کرد دهن خودش می‌گذاشت و در می‌آورد به دهن رفیقش می‌گذاشت و او در می‌آورد و به دهن رفیقش و او، او، یک خرما را اینطوری دور می‌زدند، اینها بودند که پیغمبر تجهیز کرد [در] جنگهای با قریش. آنها با همه بساطی که داشتند و اینها با همه فقر و فلاکتی که داشتند، لکن ایمان داشتند. واقعه غیر آنی است که به جوانهای ما گفته‌اند و تبلیغات کرده‌اند، که خیر اینها، اسلام یا سایر ادیان، همه‌اش افیون بوده! خیر، اسلام و سایر ادیان همه محرک بوده‌اند. (۹۲)



۱. اصحاب صُفَّه، گروهی از فقیران و بردگان آزاد شده‌ای بودند که چون جایی برای خوابیدن نداشتند در جوار خانه کوچک و گلین پیامبر اسلام، اقامت گزیدند.

### طرفداری اسلام از مستضعفین

ما می‌خواهیم تمام قواعد اسلامی همان‌طور که در صدر اسلام بوده است در ایران تحقق پیدا بکند و ما ارائه بدهیم به دنیا که اسلام این است؛ اسلام متریقی این است؛ احکام متریقی اسلام این است. آنکه به حال مستمندان و ضعفا بیشتر عنایت دارد تا به حال دیگران، آنکه طرفدار مستضعفین است، آن رژیم‌می که می‌خواهد مستضعفین را از قید و بند آن گرفتاریها بیرون بیاورد، آن اسلام است. آنکه پیشش اصلاً مطرح نیست مرز نشینی و مرکز نشینی، بالانشینی و پایین نشینی پیشش مطرح نیست، اسلام است. آنکه وقتی حکومتش، رأسش مثل رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - وقتی که با اینکه رأس بود، با اینکه اداره یک کشور می‌کرد، وقتی که می‌آمدند در یک مجلسی که نشسته بودند اصحاب حضرت و حضرت نشسته بودند، بالا و پایین معلوم نبود. می‌آمد و می‌گفت کدام یکتان پیغمبر هستید؟ از باب اینکه دور می‌نشستند اصحابشان با خودشان، همه با هم دور هم می‌نشستند، یکی بالا و یکی پایین، یکی این زیرش باشد نبوده است. روی همان زمین و اگر هم یک بوریایی بوده، بوریای آن وقت برای مسجد بوده، روی آن بوریای هم می‌نشستند دور هم و از همان مسجد که این‌طور زندگی می‌کردند، تجهیز قوا می‌کردند و ممالک را می‌گرفتند. یک همچون حکومتی ما می‌خواهیم، که این‌طور باشد که این طبقات مختلفه‌ای که چپاولگرند یک دسته‌شان، اینها نباشد؛ و این دهقانها به حالشان رسیدگی بشود؛ این مستمنداها، این زاغه‌نشینها... (۹۳)

۵۸/۴/۲۱

\*\*\*

### معارضه اسلام با قدرتهای بزرگ

حالا در اسلام - که حالا ما بحثمان در این است - این قدرتهای بزرگی که می‌خواهند ماها را بچاپند، اینها آنی را که معارض خودشان می‌دانند اسلام است از این جهت، اول حمله می‌کنند به اصل ادیان، مقصودشان هم حالا آن دینی که گذشته و رفته نیست، مقصودشان این است که کلام را بکشند به اسلام و بیایند بگویند که اسلام هم یک دینی است که مُخدر است. و حال آنکه ما وقتی تاریخ اسلام را می‌بینیم، و بعد هم از زمان

پیغمبر تا حالا درست اسلام را و کسانی که اسلام را تبعیت کرده‌اند مطالعه کنیم، می‌بینیم که در صدر اسلام پیغمبر از همین طبقه پایین بوده است: *وَلَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ*<sup>(۱)</sup> این از خود این طایفه پایین؛ نه اینکه انسان بوده. این طایفه پایین، مؤمنین، خدا به اینها چیز داد... که از خود اینها یک کسی را که هم مشرب باشند و بیایند با هم بنشینند و با هم بیاشامند اینها و همان طوری که پیغمبر در مسجد زندگی می‌کرد و در همان مسجد با مردم معاشرت می‌کرد و از همان مسجد هم تجهیز می‌کرد جیوش را برای کوبیدن قدرتها، از همین جمعیت پیغمبر را انتخاب فرمود بر ضد آنهایی که می‌خواستند چه بکنند. (۹۴)

۵۸/۴/۳۰

\*\*\*

### برانگیختن مستضعفین در مقابل مستکبرین

و اما اسلام که تاریخش نزدیک به ماست - آنها یک قدر دورند - تاریخ اسلام نزدیک به ماست. زندگی پیغمبر اکرم معلوم است برای همه که چه جور بوده است معارضه‌های او و جنگهای او، معلوم است باکی جنگ کرده. پیغمبر اکرم در مکه مکرمه از همین طبقه مردم البته از اشراف [بود] به آن معنا که «سادات» آن وقت بودند؛ نه اشراف به آن معنا که سرمایه‌دار بودند؛ به آن معنا که سادات بودند، از آنها بود، لکن فقیر بود. از طبقه فقرا بودند اینها. تا آخر هم با همین فقر زندگی کردند و مع ذلک این کارها را انجام دادند. از همین طبقه در مکه پیدا شد، و اشراف مکه و سرمایه‌دارها و قافله‌دارها و اینها با او مخالفت کردند، به اندازه‌ای که نمی‌توانست دیگر آفتابی بشود، توی غار رفت، تقریباً در غار محبوس بود آنجا تقریباً تا کارهای تبلیغات زیرزمینی را اینجا کرد؛ یک عده‌ای را با خودش همراه کرد و بعد دید اینجا زورش به اینها نمی‌رسد، با مردم مدینه بست و بند کرد، و تشریف بردند مدینه. در مدینه هم که رفتند، وارد نشدند به یک طایفه چیزدار، به همین فقرا؛ به همین مردم ضعیف. مسجد پیغمبر اکرم هم مثل این مسجدهای شما نبوده است. مسجد اعظم، یک جای کوچکی، یک سقفی با این لیفهای خرما یک چیزی

۱. «خداوند بر مؤمنین مَنَّت گذاشت که رسولی از میان خودشان برانگیخت»؛ (آل عمران / ۱۶۴).

درست کرده بودند. یک دیوار این قدری هم برای اینکه مثلاً حیوانات وارد نشوند، با یک چیزی یا گلی از همین‌ها درست کرده بودند. اما سرنوشت اسلام را یک همچو مسجدی درست می‌کردند، مسجد بود، همچو نبود که قبه و بارگاه باشد بعد میان تهی! از آن تشریفات خالی بود، لکن از همان جا روم و ایران را شکست دادند، هر چه هم بخواهند اینها گریه کنند.

پیغمبر اکرم از همین طبقه پایین [بود] به طوری که وقتی هم مدینه تشریف بردند، باز اصحابی ایشان داشتند که خانه نداشتند، هیچ خانه نداشتند و در مسجد می‌خوابیدند. یک صُفّه‌ای بود که «اصحاب صُفّه» می‌گفتند، عده‌ای آنجا پهلو می‌خوابیدند؛ زندگیشان همان بود، زندگی نداشتند. وقتی هم می‌خواستند جنگ بروند، هر چند نفرشان یک شتر، هر چند نفرشان یک شمشیر، این جور بود وضعشان، هیچ خبری نبود در کار، از این طبقه بودند، مقابل کی؟ جنگهای پیغمبر با کی بوده؟ آیا پیغمبر آمده این طبقه مستضعف را خواب کند که آنها بمانندش؟! یا آمد و این طبقه ضعیف را، این مستضعفین را برانگیخت؟ جنگهای پیغمبر همه‌اش با همین اشراف بود و با همین باغدارها و با همین سرمایه‌دارها و با همینها، و بعد هم با سلاطین و باکسان دیگر.

کاغذهای پیغمبر به سلطان ایران، به سلطان روم، به سلطان قبط،<sup>(۱)</sup> به کجا. کاغذهایش همه معروف است. دیگر دعوت کرده آن سلاطین را که بیاید آدم بشوید؛ مُسلم بشوید؛ نه اینکه خواسته است که مردم را لالایی بگوید خواب کند! افیون باشد هر که قرآن را بخواند! آخر بی‌انصافی این است که قرآنی که تو خانه همه مسلمانها هست، همه دارند این قرآن را می‌بینند، قرآنی که هر صفحه‌اش را که باز کنی یا مثلاً هر جزئی را که ببینی، راجع به قتال و راجع به کشتار اشخاص طاغوت و برانگیختن مستضعفین در مقابل مستکبرین است، این بی‌انصافها قرآن را که در دسترس همه هست نادیده گرفتند، آن وقت می‌گویند که اسلام آمده است که مردم را مستضعفین را خواب کند و مستکبرین را بر آنها غلبه بدهد! (۹۵)

مواجهه تاریخی مستضعفین و مستکبرین / ۶۷

### اسلام طرفدار مستضعفین است

این اسلامی است که طرفدار «مستضعفین» است: وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ<sup>(۱)</sup> وعده فرموده، و عمل خواهد شد. (۹۶)

۵۸/۷/۴

\*\*\*

### اسلام برای مستضعفین است

و شما مطمئن باشید که اسلام برای مستضعفین است. اسلام اینطور نیست که همچو اجازه بدهد که این دسته آنطور، و آن دسته آنطور، ابداً اسلام همچو اجازه‌ای نداده. اینها باید حسابهایشان کشیده بشود، اینها اصلاً حساب نداشتند با اسلام. رباخوارها باید حسابشان کشیده بشود در موقعش، البته حالا هم می‌کنند، اما باید به طور صحیح بشود. (۹۷)

۵۸/۸/۳

\*\*\*

### اسلام با مستمندان بیشتر آشنایی دارد

اسلام با مستمندان بیشتر آشنایی دارد تا با آن اشخاصی که [ثروتمند] هستند. آن اشخاص هم اموالشان همان طوری که گفتید، این اموال بسیار، مجتمع از راه مشروع نیست، اسلام این طور اموال را به رسمیت نمی‌شناسد. و در اسلام اموال، مشروع و محدود به حدودی است و زاید بر این معنا ما اگر فرض بکنیم که یک کسی اموالی هم دارد که خیر، اموالش هم مشروع است، لکن اموال طوری است که حاکم شرع، فقیه، ولی امر تشخیص داد که این به این قدر که هست نباید این قدر باشد، برای مصالح مسلمین او می‌تواند قبض کند و تصاحب کند. (۹۸)

۵۸/۸/۱۳

\*\*\*

---

۱. «و ما اراده کردیم منت گذاریم بر آن طایفه مستضعف در آن سرزمین، و آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث حکومت و جاه فرعونیان گردانیم.»

### محکومیت تبعیضها در اسلام

اسلام بزرگ تمام تبعیضها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاصی قرار نداده؛ و تقوا و تعهد به اسلام، تنها کرامت انسانهاست. (۹۹)

۵۸/۸/۲۶

\*\*\*

### نجات مستضعفین از شیاطین

پیغمبر هم از همین مستضعفین، [از] اشخاصی بود که اینها را کوچک می شمردند. از همین جمعیت بود. ایشان هم قیام کرد و همین مستضعفین را، همین درجه سه به اصطلاح، اینها را که درجه اول هستند، اینها را دور خودش جمع کرد و به آنها تعلیم کرد و فهماند که قضیه چیست. همینها قیام کردند و اول جزیره العرب را از این طاغیها پاک کردند و بعد هم آمدند سراغ رم و سراغ ایران و آنها را هم شکست دادند. نمی خواستند که ایران بگیرند. می خواستند افراد را نجات بدهند از شیاطین انسی و از شیاطین جنی. اصلاً بنابراین بود. (۱۰۰)

۵۸/۹/۱۶

\*\*\*

### رفع ظلم از مظلومان جهان در نظام اسلامی

هان ای مسلمانان جهان، و ای مستضعفان گیتی، آن نظام که برای شما، برای رشد و تکامل شما، برای سعادت دنیا و آخرت شما، برای رفع ظلم و خونخواری و چپاولگری از مظلومان جهان و برای تربیت و تعلیم انسانی و برای آزادی و استقلال کشورهای شما از جانب خداوند متعال پیا شده نظامهای الهی است که بالاترین آنها نظام اسلامی است. (۱۰۱)

۶۰/۶/۲۷

\*\*\*

### فرهنگ غنی انسان ساز در اسلام

آنان که در این کشمکشها از همه بیشتر صدمه دیدند و رنج کشیدند کشورهای اسلامی بوده و هستند. چرا که اسلام دارای فرهنگ غنی انسان ساز است که ملتها را، بی‌گرایش به راست و چپ و بدون در نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه، به پیش می‌برد و انسانها را در بعد اعتقادی و اخلاقی و عملی هدایت می‌کند، و از گهواره تاگور به تحصیل و جستجوی دانش سوق می‌دهد. اسلام در بعد سیاسی، کشورها را در همه زمینه‌ها، بدون تشبث به دروغ و خدعه و توطئه‌های فریبنده، به اداره و تمشیت حکومت سالم هدایت می‌کند؛ و روابط را با کشورهای دیگری که به زیست مسالمت آمیز و خارج از ظلم و ستمکاری متعهد هستند محکم و برادرانه می‌کند. اقتصاد را به صورتی سالم و بدون وابستگی، به نفع همگان، در رفاه همه مردم، با اهمیت به مستمندان و ضعیفان، بارور می‌کند؛ و برای رشد بیشتر کشاورزی و صنعت و تجارت کوشش می‌نماید. و در بعد نظامی، به همه کسانی که صلاحیت دفاع از کشور را دارند برای مواقع اضطراری تعلیم نظامی می‌دهد؛ و در این مواقع بسیج عمومی اختیاری و احیاناً اجباری می‌کند؛ و در حال عادی برای دفاع از مرزها و تنظیم شهرها و ایمنی جاده‌ها و حفظ نظم و انتظام، نیروی مؤمن ورزیده تربیت می‌کند.

با آنچه گفته شد - که در این زمینه‌ها گفتنی بسیاری است (۱۰۲)

۶۴/۵/۲۵

\*\*\*

### جنگ استضعاف و استکبار

امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرهنه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله‌بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم؛ و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم. (۱۰۳)

۶۷/۴/۲۹

\*\*\*

### لزوم شناخت مرز بین اسلام امریکایی و اسلام ناب محمدی

راه مبارزه با اسلام امریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنه روشن گردد؛ که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین «اسلام امریکایی» و «اسلام ناب محمدی» و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس‌نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرفهین بی درد، کاملاً مشخص نشده است. و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین دو فکر متضاد و رودررو وجود داشته باشد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است. (۱۰۴)

۶۷/۶/۱۴

\*\*\*

### ناسازگاری روحانیت اصیل با سرمایه‌داران زالو صفت

علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه‌داران و پول‌پرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه‌داران در یک کاسه است. و خداوند کسانی را که اینگونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می‌کنند، نمی‌بخشد. روحانیت متعهد، به خون سرمایه‌داران زالو صفت تشنه است و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند. (۱۰۵)

۶۷/۱۲/۳

\*\*\*

### وجوب اقامه حکومت حق و عدالت اجتماعی

و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی، همان است که مثل سلیمان بن داوود و پیامبر عظیم‌الشان اسلام - صلی الله علیه و



مواجهه تاریخی مستضعفین و مستکبرین / ۷۱

آله - و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند؛ از بزرگترین واجبات و اقامه آن  
از والاترین عبادات است. (۱۰۶)

۶۸/۳/۱۵

\*\*\*

## □ سرانجام مستضعفین و مستکبرین

### (وعده‌ها و پشارت‌های الهی)

#### وعده غلبه مستضعفین بر مستکبرین

خداوند تعالی وعده فرموده است که مستضعفین ارض را با منت خودش و توفیق خودش بر مستکبرین غلبه دهد و آنها را امام قرار دهد پیشوا قرار دهد. وعده خداوند تعالی نزدیک است. من امیدوارم که ما شاهد این وعده باشیم و مستضعفین بر مستکبرین غلبه کنند؛ چنانچه تا کنون غلبه کردند. (۱۰۷)

۵۸/۱/۱۲

\*\*\*

#### به حکومت رسیدن مستضعفین

خداوند را سپاس می‌کنم که اراده فرمود منت بر مستضعفین بگذارد علیه مستکبرین و زمین را از لوث مستکبرین پاک کند و مستضعفین را به حکومت زمین برساند. (۱) اسلام برای همین مقصد آمده است و تعلیمات اسلام برای همین معناست که مستکبری در زمین نباشد و نتوانند مستکبرین مستضعفین را استعمار و استثمار کنند. ما به تبع تعالیم عالیة قرآن و آنچه از اسلام و سیره رسول اکرم و ائمه مسلمین به دست آوردیم و از سیره انبیا - چنانچه در قرآن نقل می‌فرماید - به دست آوردیم، آن است که مستضعفین با هم مجتمع شوند و بر مستکبرین ثوره (۲) کنند و نگذارند حقوق آنها را ببرند. ما با این تعالیم پیشرفت کردیم و ملت ما شهادت را استقبال کرد برای این مقصد. و چون شهادت مورد هدف او بود، با مشت و خون بر تمام قوای جهنمی، بر دبابات، (۳) بر مسلسلها، (۴) بر

۱. اشاره به آیه ۵ و ۶ سوره قصص.

۲. انقلاب یا شورش مردمی.

۳. جمع دبابه؛ تانکهای جنگی.

۴. اصل؛ مسلسلات.

مواجهه تاریخی مستضعفین و مستکبرین / ۷۳

بر قدرت‌ها، که در پشت شاه سابق صف کشیده بودند، غلبه کرد. (۱۰۸)

۵۸/۲/۴

\*\*\*

### غلبه مستضعفین بر مستکبرین به خواست خداوند

خداوند خواسته است که مستضعفین بر مستکبرین غلبه کنند، غلبه کردند و می‌کنند. (۱۰۹)

۵۸/۲/۴

\*\*\*

### امامت، حق مستضعفین است

وعدة الهی که مستضعفین را شامل است، و می‌فرماید که ما منت بر مستضعفین می‌گذاریم که آنها امام بشوند در دنیا، و وارث باشند.<sup>(۱)</sup> امامت حق مستضعفین است، وراثت از مستضعفین است؛ مستکبرین غاصبند، مستکبرین باید از میدان خارج بشوند. (۱۱۰)

۵۸/۲/۲۴

\*\*\*

### عمل به وعده الهی در اسلام

این اسلامی است که طرفدار «مستضعفین» است: وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ<sup>(۲)</sup> وعده فرموده، و عمل خواهد شد. (۱۱۱)

۵۸/۷/۴

\*\*\*

---

۱. سوره قصص / آیه ۵.

۲. «و ما اراده کردیم منت گذاریم بر آن طایفه مستضعف در آن سرزمین، و آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث حکومت و جاه فرعونیان گردانیم»؛ (قصص / آیه ۵).

### دفن مستکبرین

عید ملت مستضعف، روزی است که مستکبرین دفن شوند. (۱۱۲)

۵۸/۷/۱۱

\*\*\*

### اراده خداوند به خروج مستکبرین از صحنه تاریخ

خدای تبارک و تعالی اراده فرموده است که زمین را به این مستضعفین بدهد، و این مستکبرین را از صحنه تاریخ خارج<sup>(۱)</sup> بکند. و ما ابتداست که قیام کردیم برای این معنا. و تمام ملتهای مظلوم را پشتیبانی می‌کنیم. و تمام ملتهای مظلوم باید ظالمها را از صفحه روزگار بیرون کنند. و از تاریخ بیرون برانند. آن که با ما مخالف است طبقه ظالم است. و طبقه ظالم یک اقلیت ناچیزی است. (۱۱۳)

۵۸/۹/۵

\*\*\*

### وعده پیروزی مستضعفان

خدای تبارک و تعالی به مستضعفان وعده پیروزی داده است. و نمونه‌های پیروزی مستضعفان یکی بعد از دیگری پیدا می‌شود. (۱۱۴)

۵۸/۹/۲۹

\*\*\*

### مستضعفان، وارثان زمین

ای مستضعفان جهان! برخیزید و هم‌پیمان شوید و ستمگران را از صحنه برانید؛ که زمین از خداست و وارث آن مستضعفانند. (۱۱۵)

۵۸/۱۰/۲

\*\*\*

---

۱. اشاره به آیه ۵ سوره قصص: «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین نعمت دهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم.

مواجهه تاریخی مستضعفین و مستکبرین / ۷۵

### **گرفتن زمین از دست چپاولگرها**

امیدوارم که همه مستضعفین زیر پرچم اسلام به مستکبرین غلبه کنند. و زمین را که خداوند ارث آنها قرار داده است از دست چپاولگرها بگیرند. و آنطوری که شایسته است و دستور اسلام هست به آن عمل کنند. (۱۱۶)

۵۸/۱۰/۲۰

\*\*\*

### **تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند**

هان ای ملتهای جهان که همه مستضعفید! از جای برخیزید و حق خود را بستانید و از عریده‌های قدرتمندان نهراسید که خداوند با شماست و زمین ارث شماست. و وعده خداوند متعال تخلف ناپذیر است. از خداوند تعالی غلبه محرومین را خواستار و وحدت کلمه اهل حق را امیدوارم. (۱۱۷)

۵۸/۱۱/۱۵

\*\*\*

### **سلامت و صلح جهان با انقراض مستکبرین**

سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است؛ و تا این سلطه طلبان بی فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی‌رسند. (۱۱۸)

۵۸/۱۱/۱۹

\*\*\*

### **اعتدال تمام انحرافات بشر**

معنی **يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جُورًا** الآن زمین و بعد از این، از این هم بدتر شاید بشود، پر از جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست. حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست ولو خودش نداند. در اخلاقها انحراف هست، در عقاید

انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند انحرافش معلوم است. و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجیها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعاً صدق بکند *يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جَوْرًا*. از این جهت، این عید، عید تمام بشر است بعد از اینکه آن اعیاد، اعیاد مسلمین است. این عید، عید تمام بشر است. تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد ان شاء الله، و ظلم و جور را از تمام روی زمین بر می‌دارند به همان معنای مطلقش. از این جهت، این عید، عید بسیار بزرگی است که به یک معنا از عید ولادت حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - که بزرگترین اعیاد است، این عید به یک معنا بزرگتر است. (۱۱۹)

۵۹/۴/۷

\*\*\*

### گسترش حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی

سالروز مبارک ولادت با سعادت و پربرکت حضرت خاتم‌الاولیا و مفخرالاولیا حجت بن الحسن العسکری - ارواحنا لمقدمه الفداء - بر مظلومان دهر و مستضعفان جهان مبارک باد. و چه مبارک است میلاد بزرگ شخصیتی که بر پاکننده عدالتی است که بعثت انبیا - علیهم السلام - برای آن بود. و چه مبارک است زادروز ابرمردی که جهان را از شرّ ستمگران و دغلبازان تطهیر می‌نماید و زمین را پس از آنکه ظلم و جور آن را فرا گرفته پر از عدل و داد می‌نماید و مستکبران جهان را سرکوب و مستضعفان جهان را وارثان ارض می‌نماید. و چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغلبازیها و فتنه انگیزیها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد و منافقان و حيله گران از صحنه خارج شوند و پرچم عدالت و رحمت حق تعالی بر بیست زمین افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم شود و کاخهای ستم و کنگره‌های بیداد فرو ریزد و آنچه غایت بعثت انبیا - علیهم صلوات الله - و حامیان اولیا - علیهم السلام - بوده تحقق یابد و برکات حق تعالی بر زمین نازل شود و قلمهای ننگین و زبانهای نفاق افکن شکسته و بریده شود و سلطان حق تعالی بر عالم پرتو افکن گردد و شیاطین و شیطان صفتان به انزوا گرایند و سازمانهای دروغین حقوق بشر از بنیاد برچیده شوند. و امید است که خداوند

مواجهه تاریخی مستضعفین و مستکبرین / ۷۷

متعال آن روز فرخنده را به ظهور این مولود فرخنده هر چه زودتر فرا رساند و خورشید هدایت و امامت را طالع فرماید. (۱۲۰)

۶۰/۳/۲۸

\*\*\*

### افول ستاره نحس مستکبران و نزدیکی وعده حق تعالی

مسلمانان جهان باید روز قدس را روز همهٔ مسلمین، بلکه مستضعفین بدانند و از آن نقطهٔ حساس در مقابل مستکبرین و جهانخواران بایستند، و تارهای مظلومان از زیر ستم قدرتمندان از پای ننشینند. و مستضعفان که اکثریت قاطع جهان را تشکیل می‌دهند مطمئن باشند که وعدهٔ حق تعالی نزدیک است و ستارهٔ نحس مستکبران رو به زوال و افول است. (۱۲۱)

۶۰/۵/۱۰

\*\*\*

### رسیدن مستضعفان به زندگی صحیح رفاهی

و ما آن روز عید داریم که مستمندان ما، مستضعفان ما، به زندگی صحیح رفاهی و به تربیتهای صحیح اسلامی - انسانی برسند. (۱۲۲)

۶۰/۱۰/۲۳

\*\*\*

### دستیابی مستضعفان به حقوق از دست رفته خود

امید است وعدهٔ الهی ارادهٔ منت بر مستضعفان بزودی تحقق یابد و دست قدرتمند حق تعالی هر چه سریعتر از آستین ملت‌های مظلوم بیرون آید و تحول الهی‌ای که در ملت ایران به وجود آمده است در همهٔ ملل و نحل به خواست خداوند تعالی تحقق یابد، که دست ستمکاران از جنایت نسبت به مستضعفان جهان کوتاه شود، و مظلومان، به حقوق از

دست رفته خود دست یابند. (۱۲۳)

۶۱/۱۱/۲۳

\*\*\*

### نزدیکی وعده حق تعالی در به اهتزاز درآمدن پرچم عدالت

ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیۀ روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیکتر می‌نماید. گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکۀ معظمه و کعبۀ آمال محرومان و حکومت مستضعفان... «وَلَيَسَّ مِنْ اللَّهِ بِمُسْتَنْكِرٍ»<sup>(۱)</sup> که دهر را در ساعتی بگنجانند و جهان را به مستضعفان، این وارثان ارض بسپارد، و آفاق را به جلوۀ الهی ولی الله الاعظم صاحب العصر - اَزْوَاحُنَا لَهُ الْفِدَاءُ - روشن فرماید و پرچم توحید و عدالت الهی را در عالم بر فراز کاخهای سپید و سرخ مراکز ظلم و الحاد و شرک به اهتزاز در آورد. وَمَا ذَلِكَ عَلَيَّ اللَّهُ بِعَزِيزٍ. (۱۲۴)

۶۲/۳/۱۵

\*\*\*

---

۱. «و از قدرت خداوند انکارپذیر نیست».



## فصل پنجم

### انقلاب اسلامی و مستضعفین

- نقش مستضعفین در تکوین و تداوم نهضت اسلامی
- محرومیت‌زدایی و دفاع از حقوق مستضعفان در نظام

### جمهوری اسلامی

- الگوپذیری ملل مستضعف از نهضت اسلامی ایران



## □ نقش مستضعفین در تکوین و تدوین نهضت اسلامی

### مشارکت همه اقشار تحت ستم در نهضت

اولین و مهمترین خصیصه این نهضت، اینکه اسلامی است و با شعارها و اهداف اسلامی ای که مبین خواسته‌های مستضعفین است همراه است. دومین خصیصه آن این است که نهضتی است بدون هیچ‌گونه وابستگی به خارج. اصولاً نهضت ما نهضتی است مردمی و همه اقشار تحت ستم را دربرگرفته است. امروز هیچ کس جز شاه و طرفداران او مخالف نهضت و قیام اسلامی نیستند. (۱۲۵)

۵۷/۹/۱۴

\*\*\*

### استقرار حکومت عدل اسلامی با حمایت و پشتیبانی مردم

خواست ملت مظلوم ایران تنها رفتن شاه و برجیده شدن بساط نظام سلطنتی نیست، بلکه مبارزه ملت ایران تا استقرار جمهوری اسلامی که متضمن آزادی ملت و استقلال کشور و تأمین عدالت اجتماعی باشد ادامه خواهد داشت. تنها با رفتن شاه و انتقال قدرت به ملت است که آرامش به کشور عزیزمان باز خواهد گشت. تنها با استقرار حکومت عدل اسلامی مورد تأیید و پشتیبانی مردم و با شرکت فعالانه همه ملت است که می‌توان خرابیهای عظیم فرهنگی و اقتصادی و کشاورزی را که رژیم فاسد شاه به وجود آورده است جبران نموده و نوسازی مملکت را به نفع طبقات زحمتکش و مستضعف آغاز نمود. (۱۲۶)

۵۷/۱۰/۲۲

\*\*\*

### پیروزی نهضت، مرهون طبقه جوان محروم

در هر صورت شما بدانید که اینها اینطور کردند. و ملت ما، ملت غیور ایران تاب

نیاورد و همه با هم، با قدرت اسلام، با قدرت ایمان قیام کردند، و با قدرت ایمان پیش بردند. این نهضت و این پیشبردی و این پیروزی، مرهون این طبقه جوان ایران، آن هم طبقه جوان درجه سه؛ طبقه جوان محروم [است]؛ آنها این مسئله را پیش بردند، این نهضت را پیش بردند؛ و ما باید از آنها تشکر کنیم. (۱۲۷)

۵۷/۱۲/۱۱

\*\*\*

### **شکست قدرتهای بزرگ با قدرت ایمان و وحدت کلمه**

باید این نهضت در تمام عالم - نهضت مستضعف در مقابل مستکبر - در تمام عالم گسترده شود. ایران، مبدأ، و نقطه اول و الگو برای همه ملت‌های مستضعف [باشد]. ملت‌های مستضعف ببینند که ایران با دست خالی و با قدرت ایمان و با وحدت کلمه تمسک به اسلام، در مقابل قدرتهای بزرگ ایستاد و قدرتهای بزرگ را شکست داد. (۱۲۸)

۵۸/۲/۲۴

\*\*\*

### **طبقات محروم نهضت را به پیش بردند**

شما تاجرهای محترم که نبودید در این میدانها. من که می دانم شماها نبودید؛ آنهایی که بودند این کاسب جزء بود و این حمال بود و این کارگر بود و این طلبه بود و آن - عرض می کنم - دانشگاهی بود؛ که همه فقیرند. این طبقه بودند که این نهضت را پیش بردند و خون خودشان را و جوانان خودشان را دادند و این نهضت را پیش بردند. (۱۲۹)

۵۸/۲/۲۵

\*\*\*

### **این مستضعفینند که نهضت را به پیش بردند**

نهضت ما هم با مستضعفین پیش رفت. مستکبرین یا فرار کردند یا در منازل خود نشستند. آنهایی که امروز برای استفاده نامشروع می خواهند سر این سفره بنشینند کجا

بودند آن روز که مستضعفین خون خود را می دادند؟ یا در بیغوله‌ها بودند و یا در خارج. این مستضعفین اند که نهضت ما را به پیش بردند؛ اینها هستند که خون خود را ریختند. جوانان دانشگاهی، جوانان مدارس قدیم، جوانان بازاری، عشایر محترم، این طبقه بودند که با قیام خود رژیم منحوس را عقب نشانده و دست نفتخواران مفتخوار را قطع کردند. (۱۳۰)

۵۸/۲/۲۶

\*\*\*

### طبقه محروم این نهضت را به ثمر رساند

همین محرومین به مملکت خدمت کردند و قیام کردند و با دست همین طبقه این نهضت به اینجا رسید. این یک مطلبی است که برای ما و بر هیچ کس پوشیده نیست که آن طبقه‌ای که این نهضت را به ثمر رسانده، آن طبقه محروم، از زن و مرد بود. اینهایی که در خیابانها ریختند و با صدای «الله اکبر» و با مشت فشرده و با ایمان، اعتنا به قدرتهای شیطانی نکردند همین زنهای محترم و مردهای عزیز محترم بودند که از طبقه محروم در آن رژیم بودند. اینها بودند که توانستند این قدرت شیطانی را بشکنند و این سد را خرد کنند و اینها هستند که از این به بعد باز تکلیف دارند؛ یعنی همه تکلیف داریم. (۱۳۱)

۵۸/۳/۳

\*\*\*

### غلبه بر طاغوت با فداکاری و شهادت طلبی

این طبقه‌ای که آن بالانشینها اینها را پست می شمردند می گفتند طبقه پایین. منطق مستکبرین همین بود که استکبار [می کردند] تکبر می فروختند بر جامعه؛ ملت ما را طبقه پایین حساب می کردند. بالا کی بود؟ آقای «آریامهر» و آن دستجات خودش! آنها بالاها بودند؛ و همه شما را و همه ما را و همه ملت را حساب نمی آوردند. چیزی نیستند اینها! قضیه استضعاف همین است؛ نه اینکه خدا می فرماید ضعفا. ضعفا نه، مستضعفها. یعنی آنهایی که قدرت دارند، قدرت ایمان دارند، و آنها نمی فهمند و اینها را مستضعف

حساب می‌کنند می‌گویند اینها ضعیفند. آنهایی که اینها را جزء ضعفا می‌شمارند نه اینکه ضعفا. بعضیها این کلمه را چون نفهمیده‌اند، کلمه «مستضعف» را نفهمیده‌اند، می‌گویند که خوب، چرا مستضعف؟ چرا ما باید مستضعف [باشیم] آنها ما را ضعیف، حساب می‌کنند؛ نه اینکه شما ضعیفید. شما ایمان دارید، شما آن بودید که یک همچو قدرتی را با مشت عقب زدید و به جهنم فرستادید. قوت ایمان در شماست و حس شهادت خواهی که جوانها مکرر این معنا را می‌خواهند؛ زنها مکرر می‌گویند به اینکه فلان جوان، فلان جوان، از من رفته، دو تا دیگر هم هست، این هم می‌دهم. این حس بود، این حس شهادت خواهی و فداکاری بود که یک ملتی که هیچ نداشت بر طاغوت غلبه داد. (۱۳۲)

۵۸/۷/۴

\*\*\*

### پیش بردن نهضت توسط طبقه جوان زاغه‌نشین

شما طبقه جوان برومند زاغه‌نشین بر آن اشخاص کاخ‌نشین شرافت دارید. و شما هستید که اسلام را حفظ کردید و نهضت را پیش بردید. و امیدوارم از این به بعد هم شما باشید که تا آخر برسانید این نهضت را. (۱۳۳)

۵۸/۷/۱۵

\*\*\*

### شکست قدرت شیطانی با مشت خالی

شما بودید که با مشت خالی این دولت قوی را، این قدرت شیطانی را شکستید و به جهنم فرستادید. (۱۳۴)

۵۸/۸/۳

\*\*\*

### نهضت، مرهون طبقات پایین

مملکت مال خود شماست؛ مال جوانهای ماست. مملکت مال این زاغه‌نشینان

اطراف تهران است. که من خدا می داند برای اینها غصه می خورم. و برای اینها تا حالا فکری نشده. مملکت مال اینهاست. نهضت را اینها پیش برده اند. در یکی از روزهایی که تلویزیون نشان می داد اطراف تهران را، یکی از او پرسید که شما چه می کردید؟ می گفت که - یک پیرمردی تقریباً بود، با یک عده از یک سوراخی بیرون آمد! از یک جایی که جای انسان نبود بیرون آمد - گفت؛ ما صبح که می شود می رویم به تظاهر. زندگیشان این بود و صبح می رفتند تظاهر؛ می رفتند کمک می کردند به ملت. ما مرهون اینها هستیم. ما زندگیمان را اینها اداره می کنند. اینها اداره کردند. این جمعیت و امثال این جمعیت؛ جوانها؛ جوانهای دانشگاهی، جوانهای اداری، آنهایی که پیوند با ملت داشتند، بازاری، کشاورز، کارگر، همه اینها. آن طبقه بالا به ما کاری نداشتند. حالا هم کارشکنی می کنند و همه چیز می خواهند. (۱۳۵)

۵۸/۸/۸

\*\*\*

### شکست عظمت قدرتهای بزرگ و توسعه نهضت

نهضت ما دارد توسعه پیدا می کند، و می رود توی ملتها. ملت‌هایی که ببینند که ملت ایران در مقابل یک قدرت بزرگ ایستاده و پیش برده، یک قدرت شیطانی را که همه قدرتها دنبالش بودند یک ملتی ایستاده و ایستادگی کرده و پیش برده، سایر ملتها هم گرفتارند دیگر. آنها هم همین گرفتاریهایی که ما داریم آنها دارند. مصر به دست سادات<sup>(۱)</sup> و جاهای دیگر هم به دست دیگران. همه ملتها مبتلای به دولتهایشان هستند. آنها هم می خواهند از زیر این بار بیرون بیایند، وقتی دیدند که ایران قیام کرد و پیش برد، ولو کشته داد اما پیش برد، دیگران هم همین فکر در مغزشان پیدا می شود. ملت‌های دیگر هم همین معنا را می خواهند. آنها هم همین کار را خواهند کرد.

شما بدانید که این نهضت شما ملت ایران، این عظمت قدرتهای بزرگ که با تبلیغات تحمیل کرده بودند بر دماغها که اصلاً نمی شود با انگلستان درافتاد، حالا هم دیگر اصلاً با امریکا نمی شود دیگر درافتاد، این عظمت را شکست. یعنی شما ملت عزیز ایران، زن و

۱. محمد انور سادات، رئیس جمهوری سابق مصر.

مردتان ریختید در خیابانها و با فریاد الله اکبر، این عظمتی که در قلوب اشخاص پیدا شده بود و ملتها را وادار می کرد که ساکت باشند مبادا یک وقتی بر بخورد به آنها، این را شکست. ما در آن قضیه سابق هم کوشش می کردیم که این معنا که نمی شود با دولت در افتاد، این را بشکنیمش. نمی شود در مقابل قدرتها نفس کشید و باور آورده بودند به ملت ما، به طوری که به خودشان حق نمی دادند، اگر یک پاسبانی می آمد می خواست یک چیزی تحمیل کند، به خودشان حق نمی دادند که در مقابلش یک کلمه ای بگویند. سکوت پرده انداخته بود، سایه انداخته بود به سر ملت ما. این معنا کم شکسته شد. صداها در آمد. نهضت شما آن را شکست. (۱۳۶)

۵۸/۹/۲۸

\*\*\*

### پشتیبانی از تمام نهضت‌های آزادیبخش

ملت آزاده ایران هم اکنون از ملتهای مستضعف جهان در مقابل آنان که منطبقشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است کاملاً پشتیبانی می نماید. ما از تمام نهضت‌های آزادیبخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می کنند، پشتیبانی می کنیم. (۱۳۷)

۵۸/۱۱/۱۵

\*\*\*

### صدور انقلاب و رهایی مستضعفین از چنگال ابرقدرتها

هر دو ابرقدرت، کمر به نابودی ملل مستضعف بسته اند و ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم. ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی کنیم کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی باشد و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است. از طرفی دیگر تمام قدرتها و ابرقدرتها کمر به نابودی مان بسته اند، و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد. ما باید حسابمان را صریحاً با قدرتها و ابرقدرتها یکسره کنیم و به آنها نشان دهیم که با



تمام گرفتاریهای مشقت‌باری که داریم، با جهان، برخوردی مکتبی می‌نماییم. جوانان عزیزم که چشم امید من به شماست، با یک دست قرآن را و با دست دیگر، سلاح را بگیرید و چنان از حیثیت و شرافت خود دفاع کنید که قدرت تفکر توطئه علیه خود را از آنان سلب نمایید. چنان با دوستانان رحیم باشید که از ایثار هر چه دارید نسبت به آنان کوتاهی ننمایید. آگاه باشید که جهان امروز دنیای مستضعفین است و دیر یا زود پیروزی از آنان است و آنان وارثین زمین و حکومت‌کنندگان خدایند.

من بار دیگر پشتیبانی خودم را از تمام نهضتها و جبهه‌ها و گروههایی که برای رهایی از چنگال ابرقدرتهای چپ و راست می‌جنگند اعلام می‌کنم. من پشتیبانی خود را از فلسطین رشید و لبنان عزیز اعلام می‌دارم. من بار دیگر اشغال سبُعانه<sup>(۱)</sup> افغانستان را توسط چپاولگران و اشغالگران شرق متجاوز شدیداً محکوم می‌نمایم، و امیدوارم هر چه زودتر مردم مسلمان و اصیل افغانستان به پیروزی و استقلال حقیقی برسند؛ و از دست این به اصطلاح طرفداران طبقه کارگر<sup>(۲)</sup> نجات پیدا کنند. (۱۳۸)

۵۹/۱/۱

\*\*\*

### انقلاب الجزایر و ایران، رهنمودی برای سایر ملل مستضعف

انقلاب عظیم ملت شریف و مبارز ایران، پیامد انقلابهای رهایی‌بخش و نهضتهای اصیل ملت‌های مبارز جهان و بخصوص ملت برادر و قهرمان الجزایر بود که سبب شد تا بزرگترین قدرتهای شیطنی را از میان بردارند و امید است رهنمودی برای سایر ملل مستضعف و مسلمانان جهان بوده و بتواند با همبستگی و اتحاد، سلطه همه استعمارگران و بخصوص شیطان بزرگ، امریکای جهانخوار را از سر ملتهای خود کوتاه نمایند. (۱۳۹)

۵۹/۱/۱۷

\*\*\*

۱- وحشیانه.

۲. رژیم مارکسیستی - وابسته به شوروی - حاکم بر افغانستان.

**خدمات ارزنده مستضعفین در نهضت**

شما در تلویزیون ملاحظه کنید که این قشرهایی که خدمت می‌کنند الآن برای جنگ و برای جنگزدگان از کدام قشر کشور هستید، جز اینکه از همان مستمندان؟ از همان درجه‌هایی که شماها آنها را ضعیف می‌دانید و در نظر شما مستضعف هستند؟ اینها هستند که از اول پیروزی را به دست آوردند، و شما را به مَسَنَد حکمفرمایی نشانند. اینها هستند که امروز دنبال این هستند که کشور شما را پیروز کنند؛ و شماها دانسته یا ندانسته دنبال این هستید که کشور خودتان را تباه کنید. (۱۴۰)

۵۹/۱۱/۱۵

\*\*\*

**به ثمر رسیدن انقلاب، مرهون فداکاری و شجاعت طبقه محروم**

گروههای مختلفی در اینجا حاضرند و من برای اینکه شاید غفلت کنم از اسم بعضی از گروهها، از این جهت معذورم که هر یک را اسم ببرم. همه، ملت اسلام و تابع قرآن و از گروه زحمتکشان این کشور هستید. انقلاب اسلام، این انقلاب مهم اسلامی، رهین کوششهای این طبقه است؛ طبقه محروم، طبقه گودنشین، طبقه‌ای که این نهضت را به ثمر رساند و توقعی هم نداشت. من شما طبقه گودنشینان را از آن کاخ‌نشینان بالاتر می‌دانم؛ اگر آنها لایق این باشند که با شما مقایسه بشوند. من وقتی که در انقلاب می‌دیدم که یک پیرمردی از آن گودنشینها از آن منزل محقر خرابه بیرون می‌آمد و می‌گفت که ما با بچه‌هایمان صبح که می‌شود می‌رویم برای تظاهرات، [مباهات می‌کردم]. یک موی شما بر همه آن کاخ‌نشینها و آنهايي که در این انقلاب هیچ فعالیتی نداشتند، بلکه کارشکنی هم تا آن اندازه که می‌توانستند می‌کردند و الآن هم هر مقدار که بتوانند می‌کنند، یک موی شما بر همه آنها ترجیح دارد؛ بلکه مقایسه یک موی شما با آنها نباید صحیح باشد. شما این انقلاب را به ثمر رساندید و گروههایی که در سرتاسر این کشور این انقلاب را به ثمر رساندند، همان زن و مرد محروم [بودند] و همانهایی که مستضعف هستند و کاخ‌نشینها آنها را استضعاف می‌کنند و اینها ثابت کردند که کاخ‌نشینها هستند که ضعیفند و پوسیده‌اند و برای این ملت هیچ کاری نکرده‌اند و نخواهند کرد. این دانشگاه بود،

جوانهای دانشگاه که آنها هم از محرومین و مستضعفین اند و این طبقه محروم جامعه بود که از همه رفاهها محروم بود، لکن قلبش مملو از عشق به اسلام و ایمان بود و با آن عشق و با آن ایمان این حرکت را دنبال کرد و شهید داد و در مقابلش چیزی مطالبه نکرد.

انقلاب ما مرهون این طبقه هست. این طبقه هستند که این نهضت را بپا کردند و قیام کردند و به پیش بردند و همین طبقه هستند که الآن در سرحدات مشغول فداکاری هستند و همین طبقه هستند که برای ملت ما ارزش ایجاد می کنند و شجاعت آنها به همه دنیا ثابت می کند که این طبقاتی که مشغول به فعالیت هستند در شجاعت فوق آن چیزی است که تصور می کنند.

ما هر روز شاهد یک پیروزیهایی در جبههها هستیم [بواسطه] همه آنها که سرتاسر این جبههها فعالیت می کنند و آنها هم از همین طبقه محرومند، لکن طبقه فوق همه طبقات هستند. چنانچه شما هم و همه کسانی که، زن و مردی که، در پشت جبهه هستید همه مشغول به فداکاری و مشغول به جنگ هستید. آنها در جبهه جنگ می کنند و شما در پشت جبهه و این از خصوصیات انقلاب اسلامی است، این از خصوصیات اسلام است، این از چیزهایی است که اسلام تعلیم کرده است بر شما. و شما از روز اول قیام کردید و برای اسلام قیام کردید و الآن هم چون حکومت خودتان را اسلامی می دانید و ارتش خودتان را اسلامی می دانید، از این جهت، همه با هم بدون اینکه در فکر این باشید که یک افتخاری برای خود، شخص خودتان، ایجاد کنید، مشغول هستید به فداکاری و شاید در دنیا نظیر نداشته باشد این نحوی که در ایران ملت از ارتش پشتیبانی می کند. در دنیا شاید بی نظیر باشد و شاید در طور تاریخ هم نظیری برایش نتوانیم پیدا بکنیم که بچه های کوچک و جوانهای نیمسال و زنها، پیرزنها، نوجوانها، نودامادها، همه با هم در این جبهه حاضرند و صحنه جنگ، صحنه ای است که ملت همه در آن حاضر هستند.

من امیدوارم که شما ملت بزرگ و شما ملتی که محروم هستید، لکن پیش خدا عزیز هستید، گمان نکنید که کاخ نشینها بسیار مرفه هستند؛ آنها دلهایشان لبریز از تزلزل است؛ آنها قلبهایشان آرام نیست. تزلزلی که در بین کاخ نشینها هست در بین کوخ نشینها نیست. آرامشی که این طبقه محروم دارند آن طبقه ای که به خیال خودشان در

۹۰ / استضعاف و استکبار

آن بالاها هستند، ندارند. (۱۴۱)

۶۰/۱/۱۶

\*\*\*

### درس خودباوری

شما در این مدتی که انقلاب کردید و قیام کردید خودتان باورتان آمد و به دولتهای مستضعف و ملتهای مستضعف هم باوراندید که می شود در مقابل امریکای جهانخوار و شوروی جهانخوار ایستادگی کرد. (۱۴۲)

۶۰/۱/۳۱

\*\*\*

### پشتیبانی و دفاع از قدس عزیز

ملت و دولت و مجلس و ارتش و سایر قوای مسلح ایران که امروز با وحدت اسلامی و انسجام الهی صف واحد هستند مصمم اند که در مقابل هر قدرت شیطانی و متجاوز به حقوق انسانها بایستند و از مظلومان دفاع نمایند، و تا برگشت قدس و فلسطین به دامن مسلمین، از لبنان و قدس عزیز پشتیبانی نمایند. (۱۴۳)

۶۰/۵/۱۰

\*\*\*

### انقلاب مردمی

ویژگی مهم این انقلاب این است که مردم خودشان انقلاب کردند. یک کسی نیامده انقلاب را بکند، یک کسی لشکرکشی نکرده برای انقلاب. خود مردم همین کوچه و بازار و همین مردم عادی و خصوصاً، طبقه مستضعف باصطلاح آنها و طبقه اعلا به نظر ما، خود اینها بودند که انقلاب کردند و کار را انجام دادند، نه من می توانم یک همچو کاری بکنم، نه افراد دیگر می توانند یک همچو کاری بکنند. خداست که دل اینها را قوی

کرد و آنها را دلشان را ضعیف کرد. آنها ترسیدند از شما با همه ساز و برگی که داشتند و شما نترسیدید از آنها با مشت خالی، انقلاب واقع شد. (۱۴۴)

۶۰/۵/۱۹

\*\*\*

### ایران، مبدأ قیام مستضعفان برای قطع ایادی مستکبران

اساس این است که مستکبران جهان، کسانی که از این ممالک اسلامی و از ممالک مستضعف بهره‌برداری می‌کردند و می‌کنند احساس خطر کرده‌اند و چون که ایران را احساس کردند که مبدأ قیام عمومی مسلمین و مستضعفان است تمام قوای خودشان را چه در تبلیغات و چه در خرابکاری متمرکز کردند در ایران. و باید تمام برادرهای ما در همه اقطار عالم - که از قراری که گفته شد بعضی از برادرهای پاکستانی اینجا آمده‌اند - تمام برادرهای ایمانی که خداوند تعالی در قرآن کریم آنها را برادر خوانده است توجه کنند به اینکه اگر این نقطه بروز مخالفت با همه ابرقدرتها - خدای نخواست - آسیب ببیند، اسلام تا سالهای طولانی منزوی خواهد شد. و چون همه برادرهای ایمانی ما، در همه جا علاقه به اسلام دارند و اسلام را برای زندگی در این عالم و در آن عالم مفید و تنها پایگاه می‌دانند، توجه کنند به اینکه تمام قدرتهای عالم چه در سطح تبلیغاتی و چه در سطح خرابکاری و هجوم نظامی قدرتشان را روی هم گذاشته‌اند که این نقطه‌ای که از اینجا شروع شد برای قطع ایادی مستکبران جهان شرقی و غربی، این را در همین جا خفه کنند و نگذارند جاهای دیگر توجه به اینجا داشته باشد. از خوف اینکه همان‌طور که در ایران دستشان قطع شد از سلطه‌های همه جانبه و از ذخایر ایران، در جاهای دیگر هم بشود. (۱۴۵)

۶۰/۶/۱۰

\*\*\*

### ایستادگی توده مستضعف تا قطع ریشه‌های فاسد قدرت

از اول انقلاب تا حالا هیچ شما سستی به خودتان راه ندادید. این قشر توده میلیونی

مردم، این توده مستضعف و این زاغه‌نشینان و متوسطین در این میدان حاضر و ناظر بوده‌اند و هستند و ایستاده‌اند و در مقابل همه قدرتها تا آخر ایستاده‌اند. وزن و مرد ایران با اینکه شهدای بسیار داده است و نمی‌شود گفت در شهری نیست که شهید نداشته باشیم، شهدا نداشته باشیم، مع‌ذلک، به قدرت آنها افزوده شده است و قیام و انقلاب آنها زیاد شده است و ان‌شاءالله تعالی، صفها فشرده‌تر خواهد شد و تا آنجایی که ظلمها و ریشه‌های فاسد ظلم را و قدرتها و ریشه‌های فاسد قدرت را از این کشور بیرون کنند و قطع کنند، ایستاده‌اند. (۱۴۶)

۶۰/۷/۲۶

\*\*\*

### آنچه داریم از مستضعفین است

اگر این مردم، خصوصاً این مستضعفین، خصوصاً این جنوب شهریه‌ای به اصطلاح پابره‌نه‌ها، اگر اینها نبودند، شماها یا در حبس الآن بودید یا در تبعید بودید یا در انزوا؛ همه شما، یا باید بنشینید توی خانه‌هایتان و نتوانید یک کلمه صحبت بکنید یا اگر صحبت کردید، باید حبس بروید، زجر بکشید، باید تبعید بشوید و امثال ذلک. این ملت است که آمد شما را از این همه گرفتاریها بیرون آورد و آورد و با رأی خودش، مجلس درست کرد و جمهوری اسلامی را تنفیذ کرد و رئیس‌جمهور درست کرد و آنها هم دولت درست کردند. همه چیزهایی که ما داریم از این مردم است، خصوصاً از این مستضعفین. آن بالاییها به مردم کاری ندارند، آنها مشغول کار خودشان هستند. (۱۴۷)

۶۰/۸/۲۳

\*\*\*

### جانفشانی طبقه محروم

شما امروز هم که ملاحظه می‌کنید اینهایی که در جبهه‌ها الآن دارند جانفشانی می‌کنند، اینها از کدام طبقه هستند. شما اگر پیدا کردید در تمام اینها یک نفری که مال آن اشخاصی باشد که دارای سرمایه‌های بزرگ هستند، آن اشخاصی باشد که در سابق

دارای قدرتهایی بودند. اگر یک نفر از آنها پیدا کردید، این محتاج به این است که از ما مزدگانی بگیرید، ولی می دانم که پیدا نمی کنید؛ از همین جمعیت اند. الآن هم اینهایی که جانشان را دستشان گرفتند و شما را حفاظت می کنند و آنهایی که در بین شهرها و در بین روستاها حفظ می کنند شما و مردم را همین طبقه هستند. این طبقه اند که به ما الآن منت دارند و از اول منت داشتند. همینها بودند که هیچ توقعی هم ندارند، هیچ وقت هم نمی آیند توقع کنند. (۱۴۸)

۶۰/۱۱/۱۹

\*\*\*

### صبر و تحمل انقلابی

طبقات محروم و زجرکشیده انقلاب به اندازه پیامبران عظیم الشان و پیغمبر اسلام در طول زندگی، خصوصاً سیزده سال قبل از هجرت، رنج و زحمت متحمل نشده اند؛ ولی چون هدف بزرگ بود با روی گشاده تحمل کردند. و هدف انقلاب ما همان هدف پیامبر عظیم الشان است. با صبر و تحمل انقلابی به پیش، تا گسترش عدل الهی و اسلام عزیز. (۱۴۹)

۶۰/۱۱/۲۲

\*\*\*

### محرومان در صف مقدم جامعه

مستمندان و فقرا و دورافتاده ها در صف مقدم جامعه هستند، و همینها و همین زاغه نشینان و همین حاشیه نشینان و همین محرومان بودند که این انقلاب را به ثمر رساندند. اینها بودند که از همه چیز خودشان در راه اسلام عزیز در رژیم سابق گذشتند و الآن همه مشغول اند. همینها هستند که الآن در جبهه ها مشغول به فداکاری هستند، و جوانهای همینهاست که در سرتاسر کشور، داخل و در خارج کشور مشغول اند برای تأیید اسلام. و ملت شریف ایران قدر یک همچو جوانان و قدر یک همچو خانواده هایی که این جوانان را تحویل جامعه داده اند می داند؛ و عمده این است که در پیشگاه خدای

تبارک و تعالی یک درخشندگی خاص این افراد دارند. اگر نبودند این محرومان جامعه که دل بستگی به این دنیا به آن طوری که بالاترینها به خیال خودشان دارند، اگر نبود همت این محرومان و همت این روستائیان و همت این جنوب شهریها، اگر نبود این، نه رژیم سابق ظلمش از بین رفته بود و نه ما در مقابل مشکلات می توانستیم مقاومت کنیم. همه اینها از برکات اینهایی هستند که شما به امداد آنها برخاسته‌اید؛ و آنها لایق این هستند که ما با تواضع به خدمت آنها برویم و برای آنها خدمت کنیم؛ همه ما خدمتگزار آنها باید باشیم. آنها به ما منت دارند که ما را از این قیدی که ابرقدرتها به دست و پای ما بسته بودند نجات دادند. آنها بر کشور ما منت دارند که اسلام عزیز را در این کشور حاکم کردند. ما و شما برای آنها کاری نمی‌کنیم، آنها ما را رساندند به آنجایی که بتوانیم در مقابل همه قدرتها بایستیم و سرفراز باشیم که ما نه در طرف شرق هستیم و نه در طرف غرب هستیم و نه احتیاجی به وابستگی آنها داریم. ما یک ملت مستقل هستیم. یک کشور مستقل آزاد و سرفراز هستیم که تمام ریشه‌های فساد را کنده‌ایم، یا ان شاء الله اگر یک ریشه‌های پوسیده‌ای هم مانده است می‌کنیم و این به برکت همین محرومان است. همین زاغه‌نشینانی که من یاد نمی‌رود که وقتی در تلویزیون دیدم از یک خانه‌ای از این زاغه‌ها یک عده‌ای پیرمرد و پیرزن و بچه و اینها بیرون آمدند و یکی از آنها پرسید که کجا می‌روید، گفتند می‌رویم تظاهر، تظاهرات. همینها بودند که ناهار روزشان و شام شبشان را نداشتند، لکن با همت والای خودشان، با آن قدرت معنوی الهی خودشان در آن رژیم بیرون آمدند و شهید دادند و فاتح شدند، و در جمهوری اسلامی هم همینها هستند که پشتیبانی می‌کنند و در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها محکم ایستاده‌اند. (۱۵۰)

۶۲/۲/۱۸

\*\*\*

### گسترش جنبش مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران

ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتی روشن است و وعده



خداوند تعالی را نزدیک و نزدیکتر می‌نماید. گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکّه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان. از پانزدهم خرداد ۴۲ که حکومت مستکبران جبار در این سرزمین به اوج خود رسیده بود، و می‌رفت تا عربده شوم *أَنَارُكُمْ الْأَعْلَى*<sup>(۱)</sup> از حلقوم فرعون زمان<sup>(۲)</sup> طنین افکند، تا ۲۲ بهمن ۵۷ که پایه حکمرانی جباران عصر در این مرز و بوم فرو ریخت و تخت و تاج ۲۵۰۰ ساله فرعون گونه ستمشاهی به دست توانای زاغه‌نشینان و ستمدیدگان تاریخ بر باد رفت و طومار تاراجگریها و حکمفرماییهای شیطان بزرگ و شیطانکهای وابسته و پیوسته به آن در هم پیچیده شد، ایامی محدود بیش نبود. و از ۲۲ بهمن ۵۷ تا امروز که ۱۵ خرداد ۶۲ را در آغوش می‌گیریم ساعاتی محدود بیش نیست، ولی تحولی که کمتر از صدها سال بعید به نظر می‌رسید با تقدیر خدای بزرگ در این ایام معدوده و ساعات محدود<sup>(۳)</sup> تحقق یافت و جلوه‌ای از وعده قرآن کریم نورافشانی کرد. و چه بسا که این تحول و دگرگونی، در مشرق زمین و سپس در مغرب و اقطار عالم تحقق یابد. (۱۵۱)

۶۲/۳/۱۵

\*\*\*

### همین مردم محروم هستند که انقلاب کردند

همین مردم محروم هستند که انقلاب کردند و پیروز شدند و بعد هم همین‌ها خدمت می‌کنند و همین‌ها هم ادامه می‌دهند، و من هم دعا می‌کنم که محفوظ باشند و روبه رشد بروند. (۱۵۲)

۶۲/۵/۱۹

\*\*\*

۱. «قَالَ أَنَارُكُمْ الْأَعْلَى»؛ پس [فرعون] گفت: من خدای بزرگ شمایم؛ (نازعات / ۲۴).

۲. محمدرضا، شاه مخلوع.

۳. با فرار شاه از ایران در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷، آهنگ سقوط نظام کهن ستمشاهی در این کشور طنین‌افکن شد و با ورود امام خمینی به میهن در ۱۲ بهمن ۵۷ و تشکیل دولت موقت انقلاب، بقایای نظام سلطنتی بی‌اثر شدند و از بعد از ظهر روز ۲۱ بهمن ۵۷ با فرمان تاریخی امام خمینی که مردم را به نادیده گرفتن حکومت نظامی و ریختن به خیابانها دعوت کرد، ساعتی بیش نگذشت که مراکز نظامی و انتظامی و ارکان رژیم سلطنتی یکی پس از دیگری سقوط کردند و بامداد ۲۲ بهمن، خبر پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی نظام شاهنشاهی در ایران، به تمام جهان رسید.

### پیروزی اسلام، مرهون زحمات گودنشینان و زاغه‌نشینان

شما گودنشینان و زاغه‌نشینان که به ما منت دارید و برای اسلام پیروزی ایجاد کردید، و شما عزیزانی که سلامت خودتان را برای اسلام از دست دادید - و ما همه مرهون زحمات شما هستیم - باید توجه بکنید که این وحدت الهی محفوظ باشد. (۱۵۳)

۶۲/۷/۴

\*\*\*

### نقش علمای اسلام در رهایی مستضعفین

ما امیدواریم که پر تو این استقلال و آزادی به همه دنیا بیفتد و مستضعفین جهان از زیر بار مستکبرین بیرون بروند، و این یک چیزی است که به عهده علمای اسلام است. (۱۵۴)

۶۳/۲/۲۳

\*\*\*

### فراهم آمدن مقدمه ظهور باخیزش مستضعفان جهان

این عنایت بزرگ تو است که مجلس، ملت و دولت ما چون سدی عظیم و خلل‌ناپذیر ایستاده و فریاد اسلام را به جهانیان رسانده، و مستضعفان را در کنار کاخ سفید و کرم‌لین و در گوشه و کنار زمین به حرکت و فریاد در آورده است. و امید آن است که مسلمانان و مستضعفان جهان پیا خیزند، و داد خود را از مستکبران بگیرند، و مقدمات فرج آل محمد - صلی الله علیه و آله - را فراهم نمایند. (۱۵۵)

۶۳/۳/۷

\*\*\*

### فشار انقلاب بر دوش محرومین

مردم این دولت را و این جمهوری را بپا کردند و آن هم، نه همه مردم؛ این مردم پابرهنه، این بازاری و این متوسطین و این محرومین. فشار روی اینها بوده است، یعنی فشار انقلاب روی دوش این محرومین بوده. اگر در خیابانها، در تظاهراتی که مردم کردند در زمان رژیم سابق و بعد از او در اوایل انقلاب، اگر یک کسی بررسی کرده بود

انقلاب اسلامی و مستضعفین / ۹۷

می‌دید که در بین اینها از آنهایی که مرفه‌اند چند نفرند و محرومین چقدرند؟ محرومین‌اند که این کار را کردند. بنابراین، دولت شما دولت محرومین است، یعنی، باید برای محرومین کار بکنید. (۱۵۶)

۶۳/۶/۴

\*\*\*

### مظلومان در راه رسیدن به یک دنیای آزاد

من امیدوارم که این ملت به همین منوالی که هستش و هر روز هم دارد قدرتش زیادتر می‌شود و هر روز هم دارد پیشرفتش زیادتر می‌شود، این ملت به پیش برود. و دنیا ان شاء الله برگردد به یک دنیای آزاد، و از زیر یوغ قدرتمندان بیرون برود؛ و یک ملت آزادی، یک دنیای آزادی، [تحقق بیابد و] مظلومان دنیا از زیر ظلم ستمگران بیرون بروند. (۱۵۷)

۶۶/۱۱/۲۱

\*\*\*

### مستضعفان متدین بر پادارندگان واقعی انقلابها

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست؛ و آنها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بیخبر برای از بین

بردن انقلاب هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بیماید فوراً او را «کمونیست» و «التقاطی» می خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت، و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید. (۱۵۸)

۶۷/۴/۲۹

\*\*\*

### تداوم خشم انقلابی در حفظ اصول و آرمانهای مقدس

جمهوری اسلامی ایران نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمانهای مقدس و الهی خود دست بردارد. ان شاء الله مردم سلحشور ایران کینه و خشم انقلابی و مقدس خویش را در سینه ها نگه داشته و شعله های ستم سوز آن را علیه شوروی جنایتکار و امریکای جهانخوار و اذنا ب آنان به کار خواهند گرفت تا به لطف خداوند بزرگ پرچم اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - بر بام همه عالم قد برافرازد و مستضعفان و پابرهنگان و صالحان، وارثان زمین گردند. (۱۵۹)

۶۷/۷/۱۱

\*\*\*

## □ محرومیت زدایی و دفاع از حقوق مستضعفان

### در نظام جمهوری اسلامی

#### رسیدگی دولت به وضع معیشتی فقرا و مساکین

کسانی هستند که اداره زندگانی خود را نمی‌توانند بچرخانند نه مال به قد اعاشه یکسال دارند و نه قوه کسب و کار و صنعت دارند اینها فقرا و مساکینی هستند که بواسطه پیری یا نقصان اعضا از کار افتاده باشند دولت باید هر طور صلاح می‌داند آنها را اداره کند یا دارالجزه تشکیل دهد و یا کوپن بین آنها پخش کند و از طرف وزارت اقتصاد خبازخانه‌هایی تشکیل شود و آنها را بطور مناسب آبرومندانه از حیث خوراک و پوشاک اداره کند. (۱۶۰)

کشف اسرار، ص ۲۵۸

\*\*\*

#### ترمیم ضررهای وارده بر طبقه ضعیف از طریق وجوه شرعیه

حضرات روحانیون عظیم‌الشان سرتاسر کشور - اعلی الله کلماتهم - که هادیان طریق نجات و پیشقدمان نهضت بزرگ اسلامی و سد بزرگ در مقابل ابرقدرتهای شرق و غرب و خدمتگزاران به ولی الله اعظم - ارواحنا فداه - هستند، با کمال تواضع و احترام تقاضا دارم که ضررهایی را که به مناسبت مسائل مبارزاتی - از هر نوع - بر طبقه ضعیف، که همیشه پیشقدمان مبارزات مردمی ما بوده‌اند، وارد شده و می‌شود، از سهم مبارک امام - علیه السلام - و وجوه شرعیه ترمیم فرمایند. من از زحمات ملت شریف خصوصاً روحانیت تشکر می‌نمایم. (۱۶۱)

۵۷/۸/۲۴

\*\*\*

### بهره‌مندی فقرا و بیچاره‌ها از منافع مملکت

ما می‌خواهیم منافع مملکتمان صرف این فقرا و بیچاره‌ها بشود، صرف اینهایی که آب ندارند بخورند و هیچ چیز ندارند. (۱۶۲)

۵۷/۸/۲۶

\*\*\*

### حمایت از مستضعفین در دولت حق

بر خلاف تبلیغات مسموم شاه و بستگانش، دولت اسلامی، طرفدار سرمایه‌دارها و مالکین بزرگ نمی‌باشد؛ این حرفهای بی‌معنی برای انحراف از راه حق است. مطمئن باشند که اسلام طرفدار ضعفا و دهقانان و مستمندان است؛ این شاه است که به طرفداری از امریکا کشاورزی را به تباهی کشانده است، این شاه است که به طرفداری از سرمایه‌دارها ذخایر ملت ضعیف را به نفع آنان از بین برده است. شما آنان را مطمئن کنید که در دولت حق، از شما به بهترین وجه حمایت خواهد شد. (۱۶۳)

۵۷/۹/۱

\*\*\*

### حفظ منافع ملت

ایران هر حکومتی باشد احتیاج دارد به پول برای اینکه اداره مملکت باید بکند، و عمده‌اش پول نفت است. نفت را هر مشتری‌ای که پیدا بشود که خوب بخرد، به او می‌دهد پول می‌گیرد. به امریکا می‌دهد به جای اینکه ایشان پایگاه درست کرده است، نه ما پایگاه نمی‌خواهیم درست کنیم برای امریکا. ما پول می‌گیریم برای اینکه این ملت ضعیف را، این ملت بی‌چیز را نجات بدهیم از این وضعی که دارد: این زراعتی که از دست داده، این کشاورزی که از دستش رفته است، این صنعت مونتازی که برای خاطر مصلحت دیگران درست کرده است.

اگر یک حکومت صحیح پیش بیاید، نفت را می‌فروشد و پول می‌گیرد خرج می‌کند

انقلاب اسلامی و مستضعفین / ۱۰۱

از برای منافع خود ملت؛ این فقرا را نجات می دهد. (۱۶۴)

۵۷/۱۰/۱۷

\*\*\*

### بهبودی شرایط زندگی محرومان

ثروتهایی را که عده معدودی استفاده جو ر بوده اند باز خواهیم گرفت، شرایط زندگی افراد محروم را بهبود خواهیم بخشید، و ملت را در راه شرافت و فداکاری و به سوی ساختمان یک جامعه آزاد و نوین رهبری خواهیم کرد. (۱۶۵)

۵۷/۱۰/۲۷

\*\*\*

### محرومیت زدایی و عدم اجحاف به طبقات مستضعف

کارگران کارخانه ها و دیگر کارگران و کارمندان و طبقات مستضعف باید بدانند که اسلام از بدو ظهور طرفدار آنان بوده و در حکومت عدل اسلامی به آنان اجحاف نمی شود و نخواهد شد و کسانی که با دستور یا میل و نفع اجانب بین آنان می روند و با پخش اکاذیب فریبنده می خواهند آنان را از اسلام جدا کنند همانها هستند که بعضی سران آنان در خدمت دربار محمدرضا پهلوی بودند و همه آنان آگاهانه یا ناخود آگاهانه در خدمت اجانب هستند. لازم است این عناصر مفسده جو را در بین خودشان و در کارخانه ها راه ندهند و از اجتماعات آنان احتراز کنند.

من به دولت راجع به مجانی کردن آب و برق و بعضی چیزهای دیگر فعلاً برای طبقات کم بضاعتی که در اثر تبعیضات خانمان برانداز رژیم شاهنشاهی دچار محرومیت شده اند - و با برپایی حکومت اسلامی به امید خدا این محرومیتها برطرف خواهد شد - سفارش اکید نمودم که عمل خواهد شد. (۱۶۶)

۵۷/۱۲/۹

\*\*\*

### مصادره اموال رژیم به نفع مستضعفین

من در این آخر که از تهران می‌خواستم بیرون بیایم، دستور دادم که تمام املاک و دارایی سلسلهٔ منحوس پهلوی و تمام دارایی آن اشخاصی که وابستهٔ به او بودند و این ملت را چپیدند مصادره بشود. برای طبقهٔ ضعیف مسکن ساخته بشود. [در] سرتاسر ایران برای ضعفای مسکن می‌سازیم. همین دارایی شاه سابق و خواهر و برادرش برای یک مملکت، برای آباد کردن یک مملکت کافی است. ما عمل می‌کنیم، حرف نمی‌زنیم. تمام کمیته‌هایی که در تمام اطراف ایران هست موظفند که آنچه به دست آمد از مخازن ایران، هر چه که اینها بردند و مخفی کردند و اتباع آنها بردند و مخفی کردند، آنها را که به دست آمده است به بانکی که شماره‌اش را بعد تعیین می‌کنند تحویل بدهند که برای کارگراها، برای مستضعفین، برای بینوایان، هم خانه بسازند هم زندگی آنها را مرفه کنند. ما علاوه بر اینکه زندگی مادی شما را می‌خواهیم مرفه بشود، زندگی معنوی شما را هم می‌خواهیم مرفه باشد. شما به معنویات احتیاج دارید. معنویات ما را بردند اینها. دلخوش نباشید که مسکن فقط می‌سازیم، آب و برق را مجانی می‌کنیم برای طبقهٔ مستمند، اتوبوس را مجانی می‌کنیم برای طبقهٔ مستمند، دلخوش به این مقدار نباشید. معنویات شما را، روحیات شما را عظمت می‌دهیم؛ شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم. اینها شما را منحط کردند؛ اینقدر دنیا را پیش شما جلوه دادند که خیال کردید همه چیز این است. ما، هم دنیا را آباد می‌کنیم و هم آخرت را. یکی از اموری که باید بشود همین معناست که خواهد شد. این دارایی از غنایم اسلام است و مال ملت است و مستضعفین. و من امر کرده‌ام به مستضعفین بدهند، و خواهند داد. و پس از این هم تخفیفهای دیگر در امور خواهد حاصل شد؛ لکن یک قدری باید تحمل کنید. به این نغمه‌های باطل گوش نکنید؛ آنها حرف می‌زنند ما عمل می‌کنیم. آنها شما را می‌خواهند دلسرد کنند از اسلام؛ اسلام پشتیبان شماست. (۱۶۷)

۵۷/۱۲/۱۰

\*\*\*

### رفع گرفتاریها از طبقه ضعیف

من امیدوارم که با تحقق جمهوری اسلامی و توفیق ما و توفیق شما به اینکه یک



همچو عدل اسلامی را مستقر کنیم، گرفتاری همه ما رفع بشود؛ گرفتاری کارمندا رفع بشود؛ گرفتاری کارگرا رفع بشود. دولت، ما - همه - در صدد این هستیم که یک زندگی صحیح خوب برای کارمندا، برای طبقه ضعیف، برای این مستضعفینی که سالهای طولانی تحت فشار بودند، برای این کارمندانی که در کارخانهها، کارگرانی که در کارخانهها کار می کنند، برای کشاورزها، برای همه (۱۶۸)

۵۷/۱۲/۱۴

\*\*\*

### صرف غنایم در تأمین زندگی مستمندان

بتدریج! حالا یک روز عقب، هی عقب، عقب! ما تهران که بودیم این مطلب را گفتیم به اینها که باید کلیه دارایی - دارایی نمی گوئیم که دارایی آنها بوده است - کلیه آن چیزهایی که محمدرضاخان و پدرش و اتباع اینها غصب کردند از این ملت، باید همه اینها ملی بشود و به صرف مستمندا برسد؛ هیچ ارتباطی به دولت ندارد؛ غنیمی است به دست آمده است با نهضت این ملت - یعنی این ملتی که از طبقه سوم است. شما آمار اینهایی که کشته شدند - یکوقتی اگر می توانید، هرکس می تواند در هر جا هست به دست بیاورد - اگر یک دولت [مند] توی آن هست، اگر یک تاجر درجه اول توی آن هست، اگر یک خان توی آن هست، اگر یک سردار توی آن هست، اگر یک وزیر توی آن هست، اگر یک کمونیست توی آن هست، شما پیدا کنید به ما اطلاع دهید! همه آنها مسلمانهایی بودند که توی خیابانها ریختند و گفتند که «مرگ بر او» و «ما جمهوری اسلامی می خواهیم». همه کشته های ما از اینها [ست]. شما افشا کنید، ببینید پیدا کنید که چند نفر تاجر معتبر بودند، چند نفر خان بوده توی اینها، چند نفر رئیس مثلاً گذا بوده است، چند نفر وزیر بوده است، چند تا مدیر کل بوده است؟ یکی از اینها را نمی توانید پیدا کنید! هرچه بوده، [از] این ملت، این توده جمعیت و ملت بوده است؛ این ملت مسلم. غنایم مال اینهاست و باید به اینها داد: مستمندان، اینهایی که صدمه دیدند، اینهایی که کشته داده اند، اینهایی که جوان داده اند، پیرزنهایی که جوانهایشان از بین رفت. این

غار تگری اینها را، باید برای اینها زندگی تأمین کرد. (۱۶۹)

۵۷/۱۲/۱۵

\*\*\*

### حق دادخواهی نسبت به هرگونه استثمار و زورگویی در جمهوری اسلامی

طبقات مختلف به طبقات پایین ظلم نکنند. باید حق فقرا، حق مستمندان داده بشود. تمام اینها در جمهوری اسلامی باید عمل بشود. و ملت وظیفه دارد که در جمهوری اسلامی پشتیبانی از دولتها بکند که به خدمت ملت هستند. اگر دولتی را دید که خلاف می‌کند، ملت باید تودهنی به او بزند. اگر چنانچه دستگاه جابری را دید که می‌خواهد به آنها ظلم کند، باید شکایت از او بکنند و دادگاهها باید دادخواهی بکنند؛ و اگر نکردند خود ملت باید دادخواهی بکند، برود توی دهن آنها بزند. در جمهوری اسلامی ظلم نیست. در جمهوری اسلامی اینطور مسائلی که زورگویی باشد نیست. فقیر و غنی؛ نمی‌تواند طبقه غنی بر طبقه فقیر زور بگوید، نمی‌تواند استثمار کند، نمی‌تواند آنها را با اجر کم و ادار به عملهای زیاد بکند. باید مسائل اسلامی حل بشود در اینجا و پیاده بشود. باید مستضعفین را حمایت بکنند، باید مستضعفین تقویت بشوند؛ زیرا ویران بشوند مستکبر باید مستضعف بشود و مستضعف باید مستکبر بشود. نه مستکبر به آن معنی بلکه باید همه با هم برادروار در این دنیا - در این مملکت - همه با هم باشند.

الآن ما در ایران بسیاری از مستمندان داریم، بسیاری از مصدومین داریم، بسیاری از اشخاص داریم که از هستی در این قضایا ساقط شدند، باید اشخاصی که دارا هستند به آنها کمک کنند و مستمندان را یک زندگی مرفه به آنها بدهند. دولت باید فکر اینها باشد، ملت باید فکر اینها باشد؛ باید برای آنها مسکن بسازند، برای آنها زندگی صحیح بسازند.

و من به کارمندان و کارگران و سایر طبقات مستضعف ان شاء الله وعده می‌دهم که ایران برای شما کار درست می‌کند، اسلام برای شما کار درست می‌کند، اسلام زندگی شما را مرفه می‌کند، اسلام برای شما منزل درست می‌کند. اسلام آنقدری که در فکر

مستمندان است در فکر دیگران نیست. (۱۷۰)

۵۸/۱/۱۲

\*\*\*

### بسیج همگانی علیه فقر و محرومیت

ملت عزیز! برادران و خواهران دلیر و مبارز - ایدهم الله تعالی اینک به مرحله حساسی از دوران انقلاب اسلامی خود رسیده‌ایم. دوران سازندگی، دورانی که باید از ثمرات انقلابمان مردم محروم و ستم‌دیده ایران بهره‌مند شوند؛ دورانی که باید شکوه نظام عدل اسلامی را لمس کنید؛ دورانی که همه باید دست به دست هم بدهیم تا ریشه فقر و استضعاف را برکنیم. شما مردم شریف ایران در جریان مبارزه با استعمار و استثمار پیروزی بزرگی به دست آوردید و توانستید با اتکال به خدای متعال و وحدت کلمه و مشارکت همه قشرها بر طاغوت زمان غلبه کنید و پشت ابرقدرتها را بلرزانید. اکنون نیز با خودیاری و همکاری برای مبارزه علیه فقر و محرومیت بسیج شوید، و با تأیید الهی به نجات مردم مستضعف کمر همت ببندید.

در رژیم منفور پهلوی مسئله مسکن یکی از مصیبت‌بارترین مشکلات اجتماعی مردم ما بود. بسیاری از مردم در اسارت تهیه یک قطعه زمین و داشتن یک لانه بودند، و چه بسا تمام عمرشان را زیر بار بانکها و سودجویان و غارتگران به سر می‌بردند تا بتوانند پناهگاهی را برای خود و فرزندانشان دست و پا کنند. قشر عظیمی از مستضعفان جامعه هم بکلی از داشتن خانه محروم بودند و در زوایای بیغوله‌ها و اتاقکهای تنگ و تاریک و خرابه‌ها به سر می‌بردند؛ و چه بسا قسمت مهمی از درآمد ناچیزشان را بایستی برای اجاره آن پردازند؛ و این میراث شوم برای ملت ما باقی مانده و اکنون جامعه ما با چنین مصیبتی دست به گریبان است. نظام اسلام چنین ظلم و تبعیضی را تحمل نخواهد کرد؛ و این از حداقل [حقوق] هر فرد است که باید مسکن داشته باشد.

مشکل زمین باید حل شود و همه بندگان محروم خدا باید از این موهبت الهی استفاده کنند.

همه محرومان باید خانه داشته باشند. هیچ کسی در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن

خانه محروم باشد. (۱۷۱)

۵۸/۱/۲۰

\*\*\*

### استقلال، آزادی و رفاه تمام اقشار در جمهوری اسلامی

... اسلامی که تمام اقشار در آن به رفاه زندگی بکنند، اسلامی که همه آزاد باشند، اسلامی که استقلال را برای ما حفظ کند، اسلامی که طبقات ضعیف را برومند کند، اسلامی که طرفدار مستضعفین هست. (۱۷۲)

۵۸/۱/۲۶

\*\*\*

### حمایت دولت از طبقه ضعیف

ما باید برای این طبقه کارگر و کارمند، که طبقه ضعیف هستند، طبقه‌ای هستند که شماها اینها را پایین می‌دانید و اینها از همه شما بالاتر و بلند مقامتر هستند، باید دولتها برای اینها کار بکنند. (۱۷۳)

۵۸/۲/۲۶

\*\*\*

### توزیع عادلانه ثروت

البته خودش می‌فرماید شما قدرت ندارید و صحیح می‌فرماید، ماها قدرت نداریم، اما این قدرت را داریم که جیبهایمان را دیگر پر نکنیم! برای عرض می‌کنم که املاک زیاد و قصرهای ... این را قدرت داریم که از مال این فقرا و از مال این ضعفا، این پول نفت، پول زیادی که ما نمی‌توانیم خیلی تصورش را بکنیم، اکثرش به جیب این خانواده رفته؛ اکثرش توی جیب اینها، اینها و دور و بری‌شان. آنقدرش که به جیب اینها رفته. و آنقدرش هم به جیب امریکا رفته. ما می‌خواهیم این لقمه را از توی دهن اینها بیرون بیاوریم بدهیم به فقرا این کارگرهای صنعت نفت ما با آن زحمت، با آن بیچارگی کار

انقلاب اسلامی و مستضعفین / ۱۰۷

بکنند، آن وقت برود توی شکم این چیزدارها و آنهایی که در خارج برای خودشان املاک درست کردند، برای خودشان پارک درست کردند؟ این صحیح است؟! ما می‌خواهیم از توی شکم اینها این را بیرون بیاوریم پخشش کنیم بین همین ملت. همینهایی که این انقلاب را پیا کردند. (۱۷۴)

۵۸/۳/۲۸

\*\*\*

### تأمین یک زندگی متوسط برای مستضعفین

ما باید دستمان را باز پیش ملت دراز کنیم؛ برای اینکه این مستضعفین و این بیچاره‌ها و این زاغه‌نشین‌ها را نجاتشان بدهیم، باید به ملت رجوع کنیم و ملت این کارها را بکند. همه‌مان یعنی با هم، همه‌مان روی هم‌رفته دست به هم بدهیم که یک وضع متوسطی برای اینها حاصل بشود، که نه بی‌انصافی باشد نسبت به برادرهای هم‌نوع شما. اینها را برادر خودتان حساب کنید. کارگرها، کارگردان‌ها را نوکر حساب نکنید؛ برادر حساب کنید، فرزند حساب بکنید. حوایجشان را ببینید چه [است]، برای اولادتان حوایجی اگر داشته باشد، هرچه بتوانید برمی‌آورید. اینها آنقدرها نمی‌خواهند. آنقدری که یک زندگی متوسطی، همچو نباشد که هرچه را دست بگذارد نداشته باشد! این اسباب این می‌شود که خدای نخواستہ یک وقت غیر آنطوری که ما فکر می‌کنیم بشود. (۱۷۵)

۵۸/۴/۱۵

\*\*\*

### رعایت عدالت نسبت به همه قشرها در جمهوری اسلامی

برنامه جمهوری اسلامی این است که یک دولتی به وجود بیاید که با همه قشرها به عدالت رفتار کند؛ و امتیاز بین قشرها ندهد، مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند. (۱۷۶)

۵۸/۴/۲۳

\*\*\*

### دولت اسلامی خدمتگزار همه مردم

من امیدوارم که همه تان سلامت و با سعادت باشید و همه مان و همه تان خدمتگزار به این مردم، خصوصاً به مستمندان، به ضعفا؛ عمده توجهتان به این طبقه باشد که این طبقه احتیاج دارند. اینطور نباشد که مثل رژیم سابق که یک دسته بالاها را برایشان همه چیز فراهم کردند، به علاوه که جیبهایشان را هم پُر کردند و فرستادند و یک دسته هم زاغه نشین اطراف تهران که الآن هم باز به همین طور هستند، اینها باید تبدل پیدا کنند. باید فرق باشد ما بین دولتی که می گوید من اسلام هستم و دولت اسلامی هستم، با دولتهایی که طاغوتی هستند. یک فرقی هم این است که عنایت شما فرماندارها یا خدمتگزاران به خلق، به این طبقه ضعیف بیشتر باشد تا آن طبقه بالا. مبادا یکوقتی یک نفر آدمی که مثلاً متمکن است و چیزدار است با یک نفر آدم ضعیف، او را با آنکه آن یکی باید جلو باشد او را جلو بیندازید. من نمی گویم آن یکی را جلو بیندازید؛ می گویم عدالت باید باشد. البته در یک فرمانداری که به آن احتیاج دارند نمی تواند همه را یکدفعه بپذیرد؛ لکن روی عدالت باشد که آن آدمی که ضعیف است هم بپذیرد. (۱۷۷)

۵۸/۴/۲۶

\*\*\*

### توجه دولت به مردم مستضعف

این رژیمها همه مستضعفین را زیر بار می خواهند بکشند و از آنها استعمار کنند. آنها دنبال این نیستند که برای مستضعفین کاری بکنند و نکردند. دیدید که پنجاه سال، پنجاه و چند سال، که ما شاهد قضایا بودیم، برای مستضعفین کاری نکردند، باز زاغه نشینان در اطراف تهرانند. و این دولت هم که می خواهد کاری بکند نمی تواند به این زودی. این دولت هم که می خواهد یک خدمتی به مردم بکند نمی گذارند. این اقشار نمی گذارند که دولت توجه داشته باشد به این مسائل، از بس غائله پیش می آورند. (۱۷۸)

۵۸/۵/۲۸

\*\*\*

### عملکرد بنیاد مستضعفین

و این چیزهایی که می بینید گفته می شود، البته ما می دانیم که یک دسته ای هستند که زاغه نشین اند. ما می بینیم؛ متأسفیم برای آنها؛ متأثریم برای آنها، لکن اینطور نیست که به فکر اینها نباشند، به فکر اینها هستند، به تدریج دارد می شود. همین الآن که اینهایی که در بنیاد مستضعفین بودند آمدند اینجا، نشان دادند که ما این قدر عمل کرده ایم؛ این قدر خانه درست کرده ایم. دارد می شود، البته سی میلیون جمعیت که بیشترشان - اگر نگوییم بسیاریشان - بی خانمان اند و زندگی صحیح ندارند، یک همچو چیزی باید با تدریج درست بشود. (۱۷۹)

۵۸/۸/۳

\*\*\*

### توصیه به شهرداری نسبت به آبادانی مناطق محروم

من میل دارم که عمل ما یا بیشتر از قولمان باشد یا موافق با قولمان. الآن شهرهای ایران، روستاهای ایران، حتی شهر تهران، گرفتار یک کمبودهایی است و بوده است. و این به عهده شهرداریهاست که با کمک مردم - البته من می دانم که خرابیها این قدر است که شهرداری تنها نمی تواند، لکن با کمک مردم - اقدام بکنند و شهرهای خودشان را، روستاهای اطراف را آباد کنند. و آنچه که مهم است این است که آن قشر مستضعف بیشتر مورد نظر باشد. در تهران، آن حاشیه های اطراف تهران و آن زاغه نشینها و آن چادر نشینهای اطراف بیشتر مورد نظر باشند تا طرف شمال شهر، و در شهرهای دیگر، روستاهای دیگر، توجه به این قشر مستضعف بیشتر باشد از توجه به قشر مرفه. (۱۸۰)

۵۸/۸/۱۴

\*\*\*

### پاکسازی دستگاههای اداری و رفاه حال طبقه مستضعف

لازم به ذکر است که با اتکال به خداوند متعال و اعتماد به قدرت ملت عظیم الشان، باید امور محوله را، خصوصاً آنچه مربوط است به پاکسازی دستگاههای اداری و رفاه

حال طبقات مستضعف بی‌خانمان، به طور انقلابی و قاطع عمل نمایند. (۱۸۱)

۵۸/۸/۱۵

\*\*\*

### خدمت به مستضعفین به جای قلمفرسایی و کارشکنی

باید همه شما و همه ما با چشمهای باز، دلهای روشن به این توطئه‌ها نظر بکنیم و این توطئه‌ها را بشکنیم. و باز همه ما باید همان نیرو را صرف کنیم، خدمت بکنیم؛ آن هم اول خدمت به مستضعفین، اول خدمت به زاغه‌نشینها، اینهایی که ما مرهون آنها هستیم در پیشبرد این نهضت. این طبقه‌ای که از همه چیز محروم‌اند. و شما الآن گفتید که آب وقتی می‌خواستند ببرند، از چقدرها متر راه می‌بردند، شیلنگ می‌کشیدند و محله «شیلنگ آباد» شما گفتید که هست. برای اینها باید همه کار بکنند. همه دست به هم بدهند که خانه برای اینها درست بشود. چرا باید در زمستان یک عایله‌ای زیر چادر؟ خوب، می‌دانید زیر چادر، سرمای اینجا نمی‌تواند جوابش بدهد، اینها هیچ زندگی ندارند. ثروتمندها به داد اینها برسند. اینها نشینند آن طرف و بگویند که دولت بدهد، دولت هم باید بکند، همه باید انجام وظیفه بکنند. چرا نشستید تا همجنسها، هم دینهای شما، هم کشورهای شما در این زاغه‌ها زندگی بکنند؟ با آن وضع فلاکت‌بار زندگی می‌کنند. به داد اینها برسید آقا. نباید حالا مثل آن وقت باشد. یک دسته آن بالاها بنشینند و تفریح بکنند و پایشان را روی هم بیندازند و لم بدهند و مبلهای گرانقیمت و بخندند به این جمعیتهای زحمتکش، و با قلم خودشان برخلاف مسیر اینها و بر وفق خواستهای ابرقدرتها قلمفرسایی کنند؛ نشینند این کار را بکنند.

ما همه با هم باشیم، مملکت از خودتان است. همه بچه این مملکت هستید. پس چرا یکی به آن طرف می‌کشد، یکی به این طرف می‌کشد. (۱۸۲)

۵۸/۸/۱۷

\*\*\*

### برادری و محبت به جای حاکم و محکوم

من امیدوارم که این نقطه عطف تاریخی که از ایران پیدا شده است به همه ممالک



اسلامی، بلکه به همه مستضعفان جهان، پرتوافکن باشد. و من امیدوارم که شما جوانها، شما عزیزان، ببینید که یک دولت اسلامی، که مبنایش بر برادری است، نه بر حاکم و محکومی، شماها ادراک کنید. (۱۸۳)

۵۸/۹/۲۹

\*\*\*

### رفع مشکل بهداری برای محرومین

وقتی خوشحال می شوم که بفهمم آقایان در صدد این هستند که به این زاغه‌نشینان شهرها، به این چادرنشینهای شهرها که در زمان طاغوت به آنها هیچ عنایتی نشده بود، در این زمان عنایت بشود. بهداری که اول مرتبه احتیاجی است که مردم به آن دارند طوری باشد که برای همه مهیا باشد. برای یکی تشریفات و برای یکی هیچی نباشد. و من امیدوارم که آقایان اطبا هر جا که هستند، و دولت و وزیر بهداری و خود ملت عنایت به این مطلب داشته باشند که این زاغه‌نشینها، این فقرا، اینهایی که عیال خدا هستند اینطور ابتلائات را نداشته باشند. (۱۸۴)

۵۸/۱۱/۴

\*\*\*

### تصویب و اجرای طرحهای جدی جهت رفاه حال طبقه محروم

امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می‌گیرد در رأس برنامه‌ها قرار گیرد، و در نخستین مجلس شورای اسلامی طرحهایی جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود، و از طرف دولت منتخب شما بدون مسامحه به مورد اجرا گذاشته شود تا در پیشگاه خداوند متعال، بعضی از دیون خودتان را به این طبقه عزیز - که جان خود را برای اسلام و آزادی و استقلال کشور در طبق اخلاص گذاشته و پیروزی را برای انقلاب اسلامی به ارمغان آوردند - ادا کرده باشید...

طرحها و پیشنهادهایی که مربوط به عمران و رفاه حال ملت خصوصاً مستضعفین

است انقلابی و با سرعت تصویب کنید، و از نکته سنجیها و تغییر عبارات غیر لازم که موجب تعویق امر است اجتناب کنید، و از وزارتخانه‌ها و مأموران اجرا بخواهید که از کاغذ بازیها و غلط کاریهای زمان طاغوت اجتناب کنند و رفاه ملت مظلوم و عقب افتادگیهای آنها را به طور ضربتی تحصیل و ترمیم کنند. (۱۸۵)

۵۹/۳/۷

\*\*\*

### خدمات خالصانه نهادهای اسلامی به بندگان مستضعف

نهادهایی که در ایران از خود ملت پیدا شد، اولش با یک قصد خالصی، الهی پیدا شد و ظاهر شد. اگر این قصد خالص در پیش شما کوچک بشود دست خدا هم برداشته می‌شود. کوشش کنید که این نهادی که شما در آن خدمت می‌کنید و خدمت ارزنده‌ای هست، بسیار کوشش کنید که این خدمت در راه خدا باشد، خدمت به بندگان خدا، خدمت به بندگان مستضعف خدا که مورد عنایت حق تعالی هستند. کوشش کنید خدمت برای مستضعف باشد، نه برای هواهای نفسانی و کوشش کنید که این خدمت آلوده نشود به بعضی از کارهایی که ناپسند است. شیاطین درصددند که هر یک از این نهادهای اسلامی را لکه‌دار کنند. دستهای خائنین در کار است. توطئه‌ها در کار است که این نهادهای اسلامی را به دنیا برخلاف آنچه که هست معرفی کنند. (۱۸۶)

۵۹/۳/۲۷

\*\*\*

### خدمت به بیچاره‌ها، و پرهیز از دعوا

تمام هم‌مان را صرف کنیم که این بیچاره‌هایی که توی این زاغه‌ها باز هم نشسته‌اند، اینها را از اینجا بیرون بیاوریم، جایی برایشان درست بکنیم، آب و برق این مملکت را درست بکنیم، خوب، الآن شما می‌دانید که در بعضی از جاها هیچ ندارند. هیچ. بعضی از جاهایی که دیروز یکی از آقایان که آمده بود از طرف بختیاری و آنجاها، می‌گفت مردم همه اخلاص دارند، اما هیچ ندارند. بعضی جاهاست هیچ ندارند. برای این «هیچ ندارها»

یک فکری بکنید، هی نشینید دعوا بکنید، هی هم دنبال این نروید که همان طوری که در طاغوت می‌کرد، شهرها را خیلی مزین کنید و شهرها را خیلی بزرگ بکنید و همه هم دولت و همه بودجه مملکت خرج شهرها بشود و خرج شمال شهر بشود که باز همان طاغوتیها از آن استفاده بکنند. برای این پایین شهریها، برای این بیچاره‌ها - اسلام است؛ حکومت اسلام است - برای اینها فکر بکنید. هم‌تان را صرف این بکنید، نه صرف اینکه دعوا کنید. «وقت» وقتی بنا شد که به دعوا بگذرد، دیگر نمی‌رسد انسان؛ مجال ندارد دیگر بنشیند یک کاری بکند، یک طرحی بریزد برای این ملت؛ برای این بیچاره‌ها. (۱۸۷)  
۵۹/۶/۲۰

\*\*\*

### خدمات مثبت نهضت به مستضعفین

آن مقداری که در این دو سال خدمت شده است به این ضعفا و به این مستمندان و به این مستضعفین آنها را نگاه بکنید. (۱۸۸)

۶۰/۲/۲۱

\*\*\*

### صف واحد ملت و دولت در دفاع از حقوق مظلومان

ملت و دولت و مجلس و ارتش و سایر قوای مسلح ایران که امروز با وحدت اسلامی و انسجام الهی صف واحد هستند مصمم‌اند که در مقابل هر قدرت شیطانی و متجاوز به حقوق انسانها بایستند و از مظلومان دفاع نمایند، و تا برگشت قدس و فلسطین به دامن مسلمین، از لبنان و قدس عزیز پشتیبانی نمایند. (۱۸۹)

۶۰/۵/۱۰

\*\*\*

### شرافت خدمت به پابرهنه‌ها و مستضعفین

شما باید برای این پابرهنه‌ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده

بودند و اینها را حساب نمی‌آوردند و فقط آن طبقه بالا را راضی نگاه داشتند و به اصطلاح کدخدا را می‌دیدند و ده را می‌چاپیدند، شما باید توجهتان به این توده‌های مستضعفی که با زحمت خودشان و رنج خودشان الآن در جبهه‌ها مشغول فداکاری هستند که خداوند تأییدشان کند و در پشت جبهه هم مشغول فداکاری هستند و مستضعف‌اند، آن بالاها اینها را ضعیف می‌شمارند و می‌شمرند و اینها به حساب نمی‌آمدند و در رژیم سابق برای اینها کاری نشده بود، برای اینها کار کنید.

قانع نشوید به اینکه بعضی جاها کار شده است، می‌دانم شده است، خیلی هم شده است، اما نباید قانع شد، باید همه دست به دست هم بدهید که ان‌شاءالله، برای اینها یک زندگی مرفهی، یک وضع صحیحی پیش بیاید، درست بشود. اینها حق دارند به ما و به شما، خیلی حق دارند. سیزده میلیون رأی به شما داده‌اند، اینها حق دارند به شما، باقی هم حق دارند به شما و همین طور وقتی دولتی پیش می‌آید، آن هم دولتی است که مردم به آن حق دارند. اگر نبودند این مردم، شما هم شاید حالا در حبس بودید و آن زجرها را می‌کشیدید و دیگران هم که متعهد بودند، آنها هم در حبس بودند یا در جاهای دیگر. این ملت حق دارد، دست شما را گرفته آورده این بالا نشانده، شما باید خدمت کنید به این مردم؛ شما، ما، همه باید خدمتگزار اینها باشیم. و شرافت همه ما به این است که خدمت به خلق خدا بکنیم. اینها بندگان خدا هستند، خدای تبارک و تعالی، علاقه دارد به این بندگان و ما مسئولیم، باید خدمت بکنیم. (۱۹۰)

۶۰/۵/۱۱

\*\*\*

### خدمت به مستضعفین با تمام توان

من از خدای تبارک و تعالی، سلامت و سعادت همه ملت را و همه ملت‌ها را و خصوصاً مستضعفین را خواستارم. و از همه کسانی که این ملت با زحمت خودش آنها را به مقامی رسانده است می‌خواهم که تمام توان خودشان را برای خدمت [به] این مستضعفین و خدمت [به] این بیغول‌نشین‌های بیچاره و خدمت به این زاغه‌نشینان صرف کنند. و ان‌شاءالله، بعد از استقرار حکومت که الآن دیگر تمام شد همه جهات - عذری برای هیچ

انقلاب اسلامی و مستضعفین / ۱۱۵

یک از شماها نیست؛ برای اینکه سابقاً کارشکنی می‌شد و حالا شما همه تفاهم دارید و کارشکنی هیچ یک برای دیگری نمی‌کند - همه هم فکر و هم صدا قیام کنید و برای این مستضعفین و برای این ملت که به همه ما و به همه شما منت دارد و حق دارد، برای آنها خدمت کنید و ان شاء الله، موفق شوید. (۱۹۱)

۶۰/۷/۱۷

\*\*\*

### اداره بنیاد مستضعفین به نفع مستضعفان

جناب آقای میرحسین موسوی، نخست وزیر - ای‌ده الله تعالی  
جنابعالی را مسئول جدید بنیاد مستضعفین قرار می‌دهم. امیدوارم زیر نظر اشخاص متدین و متعهد و کاردان این بنیاد را به نفع مستضعفان اداره نمایید. ان شاء الله در خدمت به اسلام و مسلمین خصوصاً مستضعفین موفق باشید. (۱۹۲)

۶۰/۷/۱۷

\*\*\*

### نجات مستضعفین از مشکلات و محرومیتها

برای خدا و برای اسلام کار بکنیم و همه جهدمان این باشد که این ملت را و خصوصاً این مستضعفین و این مستمندان را ان شاء الله، ما از آن مشکلاتی که دارند، محرومیتهایی که در طول تاریخ اینها کشیده‌اند، ما بتوانیم و شماها بتوانید ان شاء الله، آنها را از این محرومیتها نجات بدهید و همه آنها را ان شاء الله به رفاه در دنیا و آخرت ان شاء الله برسانید. (۱۹۳)

۶۰/۱۰/۲۳

\*\*\*

### پابره‌ها و اولی نعمت ما هستند

برای اینهایی که اولیای ما هستند؛ این پایین شهریه‌ها و این پابره‌ها به اصطلاح شما،

اینها ولی نعمت ماها هستند...

ما اگر تا آخر عمرمان به اینها خدمت کنیم، نمی‌توانیم از عهده خدمت اینها برآییم. خداوند به ما توفیق بدهد که ما یک خدمتگزاری برای اینها باشیم و به این نعمت موفق بشویم...

اینها ولی نعمت ما هستند، و ما باید ولی نعمت خودمان را از آن قدردانی کنیم و خدمت کنیم به او و همینها هستند که الآن هم حفظ این کشور را می‌کنند و حفظ نظام این کشور را می‌کنند. (۱۹۴)

۶۰/۱۱/۱۹

\*\*\*

### خدمت به طبقات ضعیف یک عبادت بزرگ

امروز شما با تعهد به اسلام و با تعهد به احکام اسلام و با تعهد به جمهوری اسلامی، در خدمت بندگان خدا و مستضعفین باشید و بیشتر از همه، طبقات ضعیف را ملاحظه کنید و این خود یک عبادت بزرگ است برای شما. و من امیدوارم که شما به این عبادت موفق باشید و غنیمت بدانید این [را] که در یک رژیم واقعی شده‌اید، در یک حکومتی واقع شده‌اید که آن شغلی که سابق معصیت بود، امروز عبادت است و [در] آن اتاقی که سابق در آن معصیت واقع می‌شد، امروز با خدمت به خلق خدا، عبادتگاه است. (۱۹۵)

۶۱/۳/۲۴

\*\*\*

### لزوم رسیدگی دولت به محرومین دورافتاده

خداوند همه ما و شما را موفق کند که خدمتگزار اسلام، خدمتگزار این مستمندان و اینهایی که در طول تاریخ شاهنشاهی تو سری خورده‌اند و محروم بوده‌اند باشیم. نگذارند اینها به محرومیت باقی باشند. دولت توجه به این معنا داشته باشد که در این جاهای دور افتاده توجه زیادتر بکنند و اینها را یک قدری به آنها رسیدگی بکنند.

خداوند همه شما را موفق و ما را هم ان شاء الله، از خدمتگزاران شما حساب کند. (۱۹۶)

۶۱/۶/۹

\*\*\*

### توصیه به دادگستریها در جهت نجات مستمندان

و من امیدوارم که همه قضات محترمی که در سرتاسر کشور داریم و دادستانهایی که داریم و کسانی که در امور دادگستری خدمت می‌کنند، همه موفق باشند که برای خاطر خدا و برای خاطر اسلام و برای خاطر این مستمندی که در طول تاریخ در تحت فشار یا سلاطین بوده‌اند یا خانها و سرمایه‌دارها و امثال اینها، که آقایان می‌دانند و بهتر هم می‌دانند خلیه‌هایشان اینها را، ان شاء الله نجات داده بشوند. (۱۹۷)

۶۱/۱۰/۱۹

\*\*\*

### رسیدگی به فقرا و مستمندان توسط کمیته امداد

بعد از انقلاب یک گروههایی پیدا شدند و یک جمعیتهایی که نظیر اینها در تاریخ گمان ندارم سابقه داشته باشد. همین گروه امداد و کمیته امداد، من نشنیده‌ام که در یک کشوری یک همچو کمیته‌ای باشد که هم‌شان صرف رسیدگی به فقرا و مستمندان و دهقانانی که در دور افتاده شهرها قرار گرفته‌اند و محرومان جامعه و همین طور نهادهای دیگر از قبیل پاسدار، کمیته و امثال اینها، بسیج، اینها یک نوآردهایی است که به برکت اسلام و تعهد ملت ما به اسلام پیدا شده است و بیسابقه است.

بیسابقه است که به مجرد اینکه انقلاب می‌شود یک عده‌ای به نام پاسدار، یک عده‌ای به نام کمیته، یک عده‌ای به نام بسیج برای امنیت داخلی و مرزها از خود مردم جوشش کنند؛ و بیسابقه است که در یک کشوری خود مردم و خود علما و مؤمنین یک کمیته‌ای به اسم کمیته‌ای برای امداد داشته باشند که هم‌شان این باشد که فقرا و مستمندان را در سراسر کشور رسیدگی کنند و امداد کنند. اینها برکات اسلام است و این گروههای عزیز و کمیته‌ها و همین طور این کمیته امداد یک عمل بسیار لطیف ظریف شریف دارند

که با این عمل ان شاء الله می‌توانند ریشه فقر را از سرتاسر کشور به امداد ملت بزرگوار ایران و به همت دولت بزرگوار ایران، این ریشه را از بیخ و بن بکنند. و عمل شما آقایان در سرتاسر کشور عمل بسیار شریف خداپسندی است که مورد عنایت خدای تبارک و تعالی خواهد بود. خداوند تبارک و تعالی به فقرا و به مستمندان و به محرومان آن قدر عنایت دارد که معلوم نیست به قشر دیگر این قدر عنایت داشته باشد. (۱۹۸)

۶۲/۲/۱۸

\*\*\*

### رسیدگی بنیاد ۱۵ خرداد به وضع مستضعفین و محرومین

جنابعالی را به سرپرستی «بنیاد ۱۵ خرداد» منصوب می‌نمایم. این بنیاد موظف است به وضع مستضعفین و محرومین رسیدگی نماید. بدیهی است خانواده شهدای محترم و معلولین عزیز مورد توجه بیشتر آن بنیاد قرار گیرد. امید است با اطمینان و اعتمادی که به آن جناب دارم، امور آن بنیاد را به بهترین وجه اداره بنمایید. (۱۹۹)

۶۲/۴/۲۲

\*\*\*

### حکومت مستضعفین به جای حکومت اشرافی

مسائلی که آقا فرمودند راجع به خدمت‌هایی که هم وزارت راه و هم وزارت نیرو انجام داده‌اند و همین طور خدمت‌هایی که وزارت فرهنگ انجام داده است و سایر وزارتخانه‌ها، اینها از آثار حکومت مستضعفین است. در طول تاریخ، اسکلت حکومت، چه اصل حکومت و چه مجلس‌ها از وقتی که مجلس تحقق پیدا کرد ال‌ا‌کمی در دوره اول و همین طور ارتش و سایر نهادها، اینها چون از طبقه مرفه بودند و اسکلت حکومت را به اصطلاح اشراف و اعیان تشکیل می‌دادند از این جهت، اطلاع از اینکه به قشر مستمند چه می‌گذرد نداشتند، نمی‌توانستند بفهمند که مستمند یعنی چه؛ فکرشان اصلاً در این قضیه هیچ وقت وارد نمی‌شد. کسانی که از اول کودکی تا آن وقتی که به حکومت رسیدند در مهد آرامش و رفاه بار آمدند، اینها ادراک این مطلب را که قشر دیگری هم ما



داریم که قشر مستمند است نمی‌کردند. اگر هم یک وقتی هم در ذهنشان می‌آمد، عبور می‌کرد. فکر این نبودند که این طبقه هم یک موجودیتی دارد و باید برای موجودیت اینها هم فکری کرد. و لهذا در طول تاریخ، این قشر مستمند و مستضعف و محروم در طول تاریخ شاهنشاهی و در این تاریخی که شماها هم ادراک کردید زمان محمدرضا و بعضی تان هم زمان رضاخان را ادراک کردید، می‌بینید که حکومت، حکومت اشراف بود. اگر در یک مجلسی یک نفر، دو نفر هم از طبقه محرومین پیدا می‌شد، در یک اقلیت بسیار ضعیف بودند که در مقابل آن جمعیت کثیر نمی‌توانستند کاری انجام بدهند. اصل جنس اسکلت حکومت اشرافی این است که به مردم نرسند...

این وضع حکومت اشرافی در جهان است. یکی از نعمتهای بزرگی که خدای تبارک و تعالی به این ملت عنایت فرمود اینکه حکومت، حکومت مستضعفین است، حکومت محرومین است. یعنی، آنهایی که در رأس حکومت واقع شدند وقتی که ملاحظه می‌کنید رئیس جمهورش از مدرسه پا شده است آمده است رئیس جمهور شده، طلبه مدرسه بوده. رئیس مجلسش از مدرسه آمده است و رئیس مجلس شده است. رئیس دولتش یک بازاری است که پدرش الآن هم بازاری است ظاهراً، از بازار آمده است و رئیس دولت شده، و وزرای دیگرش هم همین طور، وکلای دیگرش هم، وکلا هم همین طور. الآن شما در تمام قشر دست‌اندرکاران، چه در مجلس و چه در حکومت یک نفر از آن اشخاصی که در آن وقتها، در زمان شاهنشاهی کفیل امر بود یک نفر از اشیاء آنها را شما نمی‌بینید. و خاصیت یک حکومت محرومین، مستضعفین و حکومت مردمی این است که هم مجلسش می‌فهمد مستضعفین و محرومین یعنی چه، هم حکومت و وزرا می‌فهمند که یعنی چه، هم رئیس جمهور و رئیس مجلس اش. (۲۰۰)

۶۲/۵/۱۱

\*\*\*

### جدیت در عمران و راهسازی برای مستضعفان

باید متوجه باشید که این یک تکلیف است که همه با هم باشید تا این بار را به آخر برسانید. خوب خدمت کنید، به مستضعفان برسید. شما در دوردست‌ها مسئولیت دارید

به مستمندان که در طول تاریخ زیر فشار و زحمت بودند برسید و جدیت نمایید تا راه چاره‌ای که آنها را به جایی برساند پیدا کنید، در عمران و راهسازی برای آنان جدیت کنید. امروز به مستضعفان و مستمندان و زاغه نشینان که ولی نعمت ما هستند خدمت کنید. پیش خدای تبارک و تعالی کمتر خدمتی است که به اندازه خدمت به زاغه نشینان فایده داشته باشد. (۲۰۱)

۶۲/۵/۱۲

\*\*\*

### مهم، خدمت کردن به محرومین است

در هر صورت آنی که برای شما مهم است خدمت کردن به همه طبقات خصوصاً مستضعف‌ها، خصوصاً محرومینی که در طول تاریخ محروم بوده‌اند این بیچاره‌ها. باید خدمت کنید و خدمتتان را بگویید به آنها، و وقتی گفته می‌شود، عمل دنبالش باشد. و ان شاء الله امیدوارم که اگر انگیزه اینطور باشد و شما موفق بشوید و ان شاء الله و موفق می‌شوید ان شاء الله به اینکه خدمت کنید به این ملت، این ملت هم همراه شماست. (۲۰۲)

۶۲/۶/۷

\*\*\*

### دلسوزی دولت برای محرومین

دولت واقعاً باید با تمام قدرت آن طوری که علی - علیه السلام - برای محرومین دل می‌سوزاند، این هم با تمام قدرت دل بسوزاند برای محرومین، مثل یک پدری که بچه‌هایش اگر گرسنه بمانند، چطور با دل افسرده دنبال این می‌رود که آنها را سیر بکند، یک دولت تابع امیرالمؤمنین باید اینطور باشد. الحمدلله هستند، خیلی البته من نمی‌گویم که کسی می‌تواند مثل حضرت امیر باشد. خود او هم گفت که شما نمی‌توانید، نمی‌توانیم هم واقعاً، اما اعانت کنیم ما او را به ورع و تقوا، اعانت کنیم به اینکه تا آن اندازه که می‌توانیم. (۲۰۳)

۶۲/۷/۴

\*\*\*

### نقش و اهمیت بنیاد مسکن در محرومیت زدایی

امیدوارم با کوشش شما و تمامی افراد این بنیاد، مردم محروم و مستضعف ما که در طول تاریخ اسیر خانها و سرمایه دارها بودند، دارای مسکن شوند. لازم است دولت اسلامی هم کمکهای لازم را به شما بنماید. ان شاء الله مردم ما که همیشه به استضعاف کشیده شده بودند، با تلاش و کوشش دارای همه چیز گردند. خدمت شما تنها به یک نسل نیست، بلکه از خدمات شما نسلهای آینده هم استفاده می کنند. سعی کنید محرومین را همیشه در نظر داشته باشید و هرکاری که می کنید، خدا را در نظر بگیرید. ان شاء الله موفق و مؤید گردید. (۲۰۴)

۶۲/۱۲/۱۶

\*\*\*

### دولت مستضعفان

امروز مجلس خانه واقعی ملت است. و بر خلاف دوران طاغوت، بخصوص رژیم ستمگر پهلوی، بر آراء توده متعهد به اسلام و اصیل و زحمتکش و محروم استوار است؛ و دست ناپاک دولتمردان و قدرتمندان و خانان و غرب و شرق زدگان از آن کوتاه است. امروز دولت مورد اعتماد مجلس حقاً دولت مستضعفان، که وارثان روی زمین اند، می باشد. (۲۰۵)

۶۳/۲/۲۲

\*\*\*

### طرفداری از همه مظلومین

البته ما طرفدار همه مظلومین در همه جا هستیم، و میل داریم که مظلومین بر همه ستمگران غلبه کنند. (۲۰۶)

۶۳/۸/۶

\*\*\*

### خدمت به محرومان و دورافتادگان، یک موضوع مهم

باز هم موضوع مهم خدمت به محرومان و دورافتادگان را تذکر می‌دهم. با آنکه می‌دانم در این سالهای محدود با گرفتاریهای بیشمار عظیمی که کشور و دولت خدمتگزار با آنها مواجه بود، حجم خدمتهایی که به روستاییان در تمام زمینه‌ها شده است چشمگیر و اعجاب‌آور است و دولت حقاً و انصافاً در این امر توفیق بسیار داشته است که با مقایسه با کارهای در طول رژیمهای سابق می‌توان یافت، لکن باز کافی نیست و حق محرومان به آن نحو که دلخواه است ادا نشده؛ البته نه از باب قصور [و] تقصیر، بلکه از جهت حجم احتیاجات و گسترش فوق‌العاده آن. و اشکال تراشان اگر معاند باشند حرفی نیست و اگر متعهد باشند و دلسوز باید گفت دستی از دور بر آتش دارند. امید است دولت با تمام توان خدمت خود را تعقیب و از خداوند تعالی توفیق خدمت طلب کند و تمام این امور مرهون آن است که دولت یکپارچه و بدون اختلاف درونی و با تعهد اوقات خود را صرف در مسائل مهم کلیدی که مشکل‌گشای امور باشد نماید؛ و در امور مهمه نیز مهمترین را بیشتر و سریعتر مورد توجه قرار دهد. (۲۰۷)

۶۳/۱۱/۲۲

\*\*\*

### حکومت در خدمت مردم

امیدوارم که خداوند به همه شما توفیق بدهد که به اسلام و کشورتان خدمت کنید. این حکومت، حکومتی باشد که برای مستضعفین کار کند؛ چرا که تاکنون حکومتها به ضد مردم بوده‌اند و برای خودشان یا اربابانشان کار می‌کردند، و ما می‌خواهیم حکومت برای مردم، خصوصاً آنها که زحمت کشیده‌اند و خون داده‌اند و آقایان را از گرفتاریها بیرون آوردند، و از رژیم سابق و گرفتاریهای شرق و غرب نجات دادند، کار کنند. (۲۰۸)

۶۴/۸/۱۱

\*\*\*

### حرکت در جهت فقرزدایی و دفاع از محرومان

همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با

فقرا و مستمندان و پابره‌نه‌ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابره‌نه‌ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملاً به شبهات و القائات خاتمه می‌دهد، که بحمدالله در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است.

و همچنین مسئولین محترم کشور ایران علی‌رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده‌اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما است که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت برنهد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاید آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است، تا ابد هم باید منزّه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابره‌نگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است. از آنجا که محرومیت‌زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ما است، جهان‌خواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته‌اند و برای ناتوان ساختن دولت و دست‌اندرکاران کشور ما حلقه‌های محاصره را تنگتر کرده‌اند و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی - اقتصادی ظاهر ساخته‌اند و بدون شک جهان‌خواران به همان میزان که از شهادت‌طلبی و سایر ارزشهای ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابره‌نگان در هراسند و مسلّم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهان‌خواران از ما منقطع و گرایش ملتهای جهان به اسلام زیادتر می‌شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند و افتخار تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهی محرومان را برای خود حفظ کنند و به سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی‌شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت بیدریغ آنان را از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم...

همهٔ اقشار کشور ما در انقلاب سهیم و شریکند و همه برای خدا و انجام وظیفهٔ الهی خود وارد صحنه‌ها شده‌اند و مقصد خدا است و هرگز آمال بلند و الهی خود را به مسائل مادی آلوده نمی‌کنند و با کمبودها از میدان به در نمی‌روند، چرا که کسی که برای خدا جان و مال فدا می‌کند، به خاطر شکم و دنیا از پا در نمی‌آید، ولی وظیفهٔ ما و همهٔ دست‌اندرکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی و مشکلات آنان شریک باشیم که گمان نمی‌کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد. راستی وقتی که پابره‌ها و گودنشینان و طبقات کم‌درآمد جامعهٔ ما امتحان و تقید خود را به احکام اسلامی تا سر حد قربانی نمودن چندین عزیز و جوان و بذل همهٔ هستی خود داده‌اند و در همهٔ صحنه‌ها بوده‌اند - و ان شاء الله خواهند بود - و سر و جان را در راه خدا می‌دهند، چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم! ما مجدداً می‌گوییم که یک موی سر این کوخ‌نشینان و شهیددادگان به همهٔ کاخ و کاخ‌نشینان جهان شرف و برتری دارد. (۲۰۹)

۶۶/۵/۶

\*\*\*

### توصیه به روحانیون نسبت به عدالت اجتماعی

البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پابره‌هاست؛ چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده‌دار این مسئولیت بزرگ بدانیم. و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده‌ایم. (۲۱۰)

۶۷/۴/۲۹

\*\*\*

### توصیه به کارگزاران نظام نسبت به عدم فروگذاری در خدمتگزاری

و به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستم‌دیدگان که نور چشمان ما و

اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید و حکومتهای طاغوتی را که چپاولگرانی بی فرهنگ و زورگویانی تهی مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمایید، البته با اعمال انسانی که شایسته برای یک حکومت اسلامی است. (۲۱۱)

۶۸/۳/۱۵

\*\*\*

### خیر دنیا و آخرت در کوشش برای رفاه طبقات محروم

و به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می‌کنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی به حال محرومان جامعه است که در طول تاریخ ستمشاهی و خان‌خانی در رنج و زحمت بوده‌اند. و چه نیکو است که طبقات تمکندار به طور داوطلب برای زاغه و چپرنشینان مسکن و رفاه تهیه کنند. و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است. و از انصاف به دور است که یکی بی‌خانمان و یکی دارای آپارتمانها باشد. (۲۱۲)

۶۸/۳/۱۵

\*\*\*

## □ الگوپذیری ملل مستضعف از نهضت اسلامی ایران

### پیروزی ملت ایران سر مشق سایر ملل ستم‌دیده

پیروزی ملت مسلمان ایران بدون شک سر مشق خوبی برای سایر ملل ستم‌دیده جهان، خصوصاً ملت‌های خاورمیانه خواهد بود که چگونه یک ملتی با اتکا به ایدئولوژی انقلابی اسلامی بر قدرتهای عظیم فایق می‌آید. (۲۱۳)

۵۷/۸/۱۵

\*\*\*

### پیدایش رمز پیروزی در همه ملت‌ها

من امیدوارم که این نهضت اسلامی ایران برای همه مستضعفین سر مشق باشد که پیروزی را به دست بیاورند؛ و این رمزی که در ایران باعث پیروزی شد [که] عبارت از وحدت کلمه و اتکال به خدای تبارک و تعالی بود، در همه ملت‌ها پیدا بشود و آنها هم پیروز بشوند. (۲۱۴)

۵۸/۱/۱۷

\*\*\*

### الگوپذیری مستضعفین از مجاهدات جوانان برومند ایران

مجاهدات شما جوانان و مسلمین برومند ایران - همه طبقات - که با وحدت کلمه دست اجانب را کوتاه کردید، الگویی است برای همه مستضعفین؛ من امیدوارم که همه مستضعفین - که زیر بار مستکبرین هستند - به واسطه این مجاهدات شما به خود بیایند و خودشان را نجات بدهند. (۲۱۵)

۵۸/۲/۲

\*\*\*



### نهضت اسلامی، هشداری برای مستکبرین

ما از خداوند می‌خواهیم که این نهضت اسلامی و نهضت انسانی سرمشق باشد از برای تمام مستضعفین، و هشدار باشد بر مستکبرین. (۲۱۶)

۵۸/۲/۴

\*\*\*

### الگو قرار گرفتن، رمز پیروزی برای همه مستضعفین

من امیدوارم که این رمزی که در ایران رمز پیروزی شد، برای همه اقشار مستضعفین الگو باشد. آن رمز وحدت کلمه و اتکا به اسلام بود. (۲۱۷)

۵۸/۲/۶

\*\*\*

### ایران، مبدأ و نقطه اول و الگو برای همه ملت‌های مستضعف

ایران، مبدأ، و نقطه اول و الگو برای همه ملت‌های مستضعف [باشد]. ملت‌های مستضعف ببینند که ایران با دست خالی و با قدرت ایمان و با وحدت کلمه تمسک به اسلام، در مقابل قدرتهای بزرگ ایستاد و قدرتهای بزرگ را شکست داد. سایر اقشار ملت‌ها به این رمز اسلامی، به این رمز ایمانی، اقتدا کنند. در تمام اقشار عالم، مسلمین بپاخیزند؛ بلکه مستضعفین بپاخیزند. وعده الهی که مستضعفین را شامل است، و می‌فرماید که ما منت بر مستضعفین می‌گذاریم که آنها امام بشوند در دنیا، و وارث باشند.<sup>(۱)</sup> امامت حق مستضعفین است، وراثت از مستضعفین است؛ مستکبرین غاصبند، مستکبرین باید از میدان خارج بشوند. ما مستکبرین ایران را از صحنه بیرون کردیم، و به جای آن مستضعفین نشستند. (۲۱۸)

۵۸/۲/۲۴

\*\*\*

### الگوپذیری کشورها از پیاده شدن حکومت اسلامی در ایران

ما اگر موفق بشویم و جمهوری اسلامی را با محتوای اسلام پیاده کنیم و یک حکومت اسلامی به تمام معنا در ایران بیاکنیم، این الگو خواهد شد از برای همه کشورها که معنی دمکراسی را به آن معنای حقیقی، نه به آن معنای طرحی<sup>(۱)</sup> بدون حقیقت، و معنی آزادی را به آن معنای حقیقی، نه به آن معنایی که برای اغفال دیگران است، ان شاء الله پیاده بشود. (۲۱۹)

۵۸/۴/۲۳

\*\*\*

### نهضت ایران، الگوی سایر ملت‌های مستضعف

من امیدوارم این نهضت ایران الگویی باشد برای سایر ملت‌های مستضعف. و امید است خداوند، دنیا را از دست مستکبرین بگیرد و به دست مستضعفین بسپارد. (۲۲۰)

۵۸/۴/۲۵

\*\*\*

### انقلاب اسلامی راهنمای سایر ملل تحت سلطه

امید است انقلاب اسلامی ملت بزرگ ما و پیروزی عظیم آنان بر دشمنان اسلام و مملکت، راهنمایی برای سایر ملل ستمدیده و تحت سلطه قرار گیرد و با اتحاد و همبستگی، شر همه سلطه‌گران و بخصوص امریکا این دشمن بزرگ را از خود کوتاه نموده در تحت تعالیم مقدسه اسلام، عظمت از دست رفته خود را باز یابد. (۲۲۱)

۵۹/۱/۱۷

\*\*\*

### گسترش نهضت اسلامی

امیدواریم که این نهضت به سایر بلاد اسلامی هم صدور پیدا بکند. و این مکتب،

---

۱. در کیهان مورخ ۵۸/۴/۲۴، ترجیح.

انقلاب اسلامی و مستضعفین / ۱۲۹

مکتب همهٔ مسلمین است بلکه همهٔ مستضعفین. خداوند مستضعفین را از چنگال مستکبرین بیرون ببرد. (۲۲۲)

۵۹/۳/۱۴

\*\*\*

### آشتی بین ملت‌ها و دولت‌ها با صدور انقلاب

ما که می‌گوییم انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم به همهٔ کشورهای اسلامی، بلکه به همهٔ کشورهای بی‌مستکبرین بر ضد مستضعفین هستند، می‌خواهیم یک هم‌چو وضعیتی پیش بیاوریم که دولت یک دولت زورگوی جبار آدمکش - امثال ذلک - نباشد و ملت یک ملتی نباشد که دشمن با دولت است. ما می‌خواهیم بین ملت‌ها و دولت‌ها آشتی بدهیم. دولت‌ها اگر توجه بکنند و یا مطالعه کنند وضع ایران را و ببینند ملت ایران با دولت چه وضعی دارد، گمان ندارم که آنها تحت تأثیر واقع نشوند. (۲۲۳)

۵۹/۵/۲۱

\*\*\*

### صدور انقلاب به منظور پیاده شدن احکام اسلام

امروز انقلاب ما صادر شده است. در همه جا اسم اسلام است و مستضعفین به اسلام چشم دوخته‌اند. باید با تبلیغات صحیح، اسلام را آنگونه که هست، به دنیا معرفی نمایید. وقتی ملت‌ها اسلام را شناختند، قهراً به آن روی می‌آورند و ما چیزی جز پیاده شدن احکام اسلام در جهان نمی‌خواهیم. (۲۲۴)

۶۰/۷/۲۹

\*\*\*

### امید مستضعفان به نهضت ایران

و شما باید بدانید که ملت‌ها، حتی آن ملت‌هایی که الهی هم نیستند، اینها همه‌شان - که جزء مستضعفان جهان هستند، و همیشه در تحت سلطهٔ مستکبران بوده‌اند - امید

۱۳۰ / استضعاف و استکبار

دوخته‌اند به این نهضتی که در ایران حاصل شده است. (۲۲۵)

۶۱/۳/۲۲

\*\*\*

## فصل ششم

### وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان جهان

#### در مقابل استکبار (توصیه‌ها)

□ بیداری و هوشیاری

□ تشکیل حزب مستضعفین (بسیج مستضعفین)

□ قیام و تداوم مبارزه حق طلبانه



وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان در مقابل استکبار (توصیه‌ها) / ۱۳۳

## □ پیداری و هوشیاری

### فریاد اسلامخواهی

باید مسلمین بیدار بشوند، باید از این خوابی که سیصد سال آنها را خواب کردند هوشیار بشوند؛ اقتدا کنند به ایران که با هیچ - با مشت خالی - بر تانکها و توپها و مسلسلها و قدرتهای بزرگ غلبه کرد برای اینکه اتکال به خدا داشت. همه می‌گفتند ما اسلام می‌خواهیم؛ همه فریاد می‌کردند که ما حکومت اسلامی می‌خواهیم. (۲۲۶)

۵۷/۱۲/۱۶

\*\*\*

### خودیابی

باید شوق و جمیع مستضعفین و ابرقدرتها و تمام مستکبرین خود را بیابند و خود گم شده را پیدا کنند. آنان از اسارت تبلیغات بلندگوهای شیطانی بیرون آمده، و قدرت خدایی توده‌ای خویش را دریابند. (۲۲۷)

۵۸/۹/۴

\*\*\*

### آگاهی و شناخت نسبت به عملکرد مستکبرین

مستضعفین و وظیفه‌شان را با مستکبرین بفهمند. این مستضعفین اکثراً نمی‌دانند. ما هم نمی‌دانیم. ما هم جزء مستضعفین هستیم. نمی‌دانیم که اینها به سر ما چه آوردند. بعضی از ورقه‌های کوچکش دست ماست و می‌دانیم. بعضی مشاهدات ما هست و چیزهایی که به چشم دیدیم. اما مسائل زیاد زیر پرده را ما نمی‌توانیم بفهمیم. ما می‌خواهیم آن مقداری که فهمیدیم و آن مقداری که امکان دارد بفهمیم این را. درست عرضه کنیم به مستضعفین دنیا. به ممالک دنیا. تا بفهمند مستضعفین که این مستکبرین با آنها چه

می‌کنند. (۲۲۸)

۵۸/۹/۲۵

\*\*\*

### به خود آمدن مظلومان جهان

هان ای مظلومان جهان! از هر قشر و از هر کشوری هستید به خود آید و از هیاهو و عربده آمریکا و سایر زورمندان تهی مغز نهراسید، و جهان را بر آنان تنگ کنید و حق خود را با مشت گره کرده از آنان بگیرید. (۲۲۹)

۵۸/۱۱/۱۹

\*\*\*

### دفاع از حق و حقیقت

بر همه مستضعفین و خصوص مسلمانان جهان است که به خود آیند و از حق و حقیقت دفاع کنند و کشورهای خودشان را از لوٹ و وجود این اشخاص پاک کنند. (۲۳۰)

۵۹/۱/۱۲

\*\*\*

### هشدار به مستضعفان جهان

من به ملت ایران و سایر ملتهای مستضعف جهان در این قضایایی که مخالفین اسلام برای اسلام می‌خواهند پیش بیاورند هشدار می‌دهم که باید هر چه این قضایا و این خرابکاریها حجمش زیاد می‌شود، حجم انسجام ملتهای مستضعف و مستضعفان جهان بیشتر بشود. اساس این است که مستکبران جهان، کسانی که از این ممالک اسلامی و از ممالک مستضعف بهره‌برداری می‌کردند و می‌کنند احساس خطر کرده‌اند و چون که ایران را احساس کردند که مبدأ قیام عمومی مسلمین و مستضعفان است تمام قوای خودشان را چه در تبلیغات و چه در خرابکاری متمرکز کردند در ایران. و باید تمام برادرهای ما در همه اقطار عالم - که از قراری که گفته شد بعضی از برادرهای پاکستانی



وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان در مقابل استکبار (توصیه‌ها) / ۱۳۵

اینجا آمده‌اند - تمام برادرهای ایمانی که خداوند تعالی در قرآن کریم آنها را برادر خوانده است توجه کنند به اینکه اگر این نقطه برون مخالفت با همه ابرقدرتها - خدای نخواستہ - آسیب ببیند، اسلام تا سالهای طولانی منزوی خواهد شد. و چون همه برادرهای ایمانی ما، در همه جا علاقه به اسلام دارند و اسلام را برای زندگی در این عالم و در آن عالم مفید و تنها پایگاه می‌دانند، توجه کنند به اینکه تمام قدرتهای عالم چه در سطح تبلیغاتی و چه در سطح خرابکاری و هجوم نظامی قدرتشان را روی هم گذاشته‌اند که این نقطه‌ای که از اینجا شروع شد برای قطع ایادی مستکبران جهان شرقی و غربی، این را در همین جا خفه کنند و نگذارند جاهای دیگر توجه به اینجا داشته باشد. از خوف اینکه همان‌طور که در ایران دستشان قطع شد از سلطه‌های همه جانبه و از ذخایر ایران، در جاهای دیگر هم بشود.

همان‌طور که آنها مجهز شدند برای سرکوبی این انقلاب اسلامی در ایران از این خوفی که دارند، باید همه برادران اسلامی ما در هر جا که هستند و در هر کشوری که هستند، بلکه تمام مستضعفان جهان که در زیر سلطه قدرتهای شیطانی و زیر چکمه نظامیان قدرتهای شیطانی سرکوب شده‌اند باید تمام آنها متوجه باشند و توجه به این معنا داشته باشند که این نقطه برون مخالفت را حفظ کنند. اگر - خدای نخواستہ - این نقطه‌ای که از اینجا شروع شده است مخالفت با تمام ابر قدرتها و با تمام شیاطین عالم، اگر این نقطه - خدای نخواستہ - رکود پیدا بکند یا شکست بخورد، شکست همه مستضعفین جهان و همه مسلمین جهان و شکست اسلام در تمام ممالک اسلامی خواهد شد. و اگر این قدرتی که از ناحیه خدا به این ملت اعطا شد و توانایی آن را پیدا کرد که تمام قدرتهای مجهز بر ضد ملت را خنثی کند و همه دستها را از ذخائر خودش و از ملت خودش قطع بکند، اگر این محفوظ بماند امید این است که این مطلب در همه ممالک اسلامی و در همه جایی که مستضعفین جهان تحت سلطه مستکبرین بودند، در همه جا این مسئله انجام بگیرد. (۲۳۱)

۶۰/۶/۱۰

\*\*\*

### توصیه به خیزش و ایستادگی مستضعفین در مقابل ابرقدرتها

ای ملت‌های مسلم! ای ملت‌های مظلوم همه کشورهای اسلامی! ای ملت‌های عزیزی که در تحت سلطه اشخاصی واقع شدید که ذخایر شما را تقدیم امریکا می‌کند و شما خودتان با زحمت و ذلت زندگی می‌کنید! بیدار بشوید، برخیزید از جا. ای مستضعفین جهان! برخیزید و در مقابل ابرقدرتها بایستید که اگر ایستادید، اینها هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. (۲۳۲)

۶۰/۱۱/۲۱

\*\*\*

### آگاهی و انسجام ملت‌ها

این فاجعه‌ها را باید ما با کی در میان بگذاریم؟ با دولتهایی که چشم و گوششان را بسته‌اند و بدون اراده تسلیم امریکا شده‌اند؟ با ملت‌های مظلومی که تحت فشار این دولتها دارند جان می‌دهند؟

باید با ملت‌ها در میان گذاشت؛ همان طوری که در ایران، ملت ایران بود که فاجعه‌ای که برای اسلام به دست امریکا و سرسپردگان او - که رژیم منحوس پهلوی است - پیش می‌آمد، همین جوانهای ایران بودند و همین ملت ایران بود و همین ارتش ایران بود و همین نیروهای دریایی و هوایی و زمینی ایران بود و همین سپاه پاسداران ایران بود و همین جوانهای بسیج و عشایر ایران بودند که با هم وظیفه فهمیدند، بیدار شدند و با هم مشت‌ها را گره کردند و با مشت، تانکها را از صحنه بیرون کردند. تا ملت‌ها یک همچو بیداری پیدا نکنند و تا ملت‌ها یک همچو انسجامی پیدا نکنند، باید بدانند که محکوم به حکومت‌های فاسد و محکوم به امریکای جنایتکار و سایر ابرقدرتها هستند. با داشتن آنهمه ذخایر، آنهمه امکانات، که اگر یک هفته نفت خودشان را به روی این جنایتکارها ببندند تمام مسائل حل خواهد شد، مع ذلک، می‌گویند که ما این کار را نمی‌کنیم. (۲۳۳)

۶۱/۳/۲۳

\*\*\*

وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان در مقابل استکبار (توصیه‌ها) / ۱۳۷

### **بیداری و هوشیاری مظلومان جهان در پرده برداری از جنایات ستمگران**

باید مظلومان جهان بیدار و هوشیار باشند و از این توطئه‌ها و حيله‌ها گول نخورند؛ و به فعالیت خود در راه رسیدن به آزادی و خروج از قید و بندهای استعماری و استثمار و ادامه دهند. و بدانند که اینان با شعار طرفداری از حقوق بشر بزرگترین پامال کنندگان حقوق انسانها هستند و در رسیدن به اهداف ظالمانه خود هیچ گاه غفلت نمی‌کنند و از هیچ جنایتی دریغ ندارند.

امروز که نسیم بیداری در سراسر جهان وزیدن گرفته و توطئه‌های فریب‌گر ستمکاران تا حدودی فاش شده است، وقت آن است که دلسوختگان واقعی مظلومان از هر قوم و قبیله و در هر مرز و بوم با قلم و بیان و اندیشه و فکر از جنایات ستمگران در طول تاریخ سیاه آنان پرده بردارند و پرونده‌های تجاوز آنان را به ساکنین این سیاره ارائه دهند. و علما و دانشمندان سراسر جهان بویژه علما و متفکران اسلام بزرگ یکدل و یک جهت در راه نجات بشریت از تحت سلطه ظالمانه این اقلیت حيله‌باز و توطئه‌گر که با دسیسه‌ها و جنجالها سلطه ظالمانه خود را بر جهانیان گسترده‌اند، بپا خیزند و با بیان و قلم و عمل خود خوف و هراس کاذبی را که بر مظلومان سایه افکنده است بزدايند؛ و این کتابهایی را که اخیراً با دست استعمار که از آستین کثیف این بردگان شیطان منتشر شده و دامن به اختلاف بین طوایف مسلمین می‌زند نابود کند و ریشه خلاف که سرچشمه همه گرفتاری مظلومان و مسلمانان است را برکند؛ و یکدل و یک سو بر این رسانه‌های گروهی که در بیشتر ساعات شب و روز به فتنه‌انگیزی و نفاق افکنی و دروغ‌پردازی و شایعه‌سازی عمر خود را می‌گذرانند پرخاش کنند و بر سرچشمه تروریزم که از کاخ سفید می‌جوشد بشورند. چرا که با ریشه‌یابی معلوم می‌شود اساس آنچه که تفنگداران و سربازان امریکا را در بیروت و دیگر جاها با انفجارهای محیط به هلاکت رسانده و می‌رساند همان کاخهای ستم بویژه کاخ سفید است. اینان توقع دارند که دستهای ستم خود را از مراکز قدرت در سراسر جهان بر سرنوشت بشریت بکوبند و مظلومان ستم‌دیده دست آنها را بفشارند و از آنها با پایکوبی و دست افشانی استقبال کنند! این انفجارها و از این قبیل مسائل از توده‌های مظلوم جهان عکس‌العمل ستمها و تجاوزهای طاقت‌فرسای شماست؛

۱۳۸ / استضعاف و استکبار

و اجتناب ناپذیر است، مگر آنکه در کارهای ظالمانه خود تجدید نظر کنند. (۲۳۴)

۶۳/۱۱/۲۲

\*\*\*

وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان در مقابل استکبار (توصیه‌ها) / ۱۳۹

## □ تشکیل حزب مستضعفین (بسیج مستضعفین)

### بسیج عمومی در روز قدس، مقدمه ایجاد حزب مستضعفین

روز قدس یک روز اسلامی است، و یک بسیج عمومی اسلامی بود. و من امیدوارم که این امر مقدمه باشد از برای یک «حزب مستضعفین» در تمام دنیا. و من امیدوارم که یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید، و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند، و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است از میان بردارند، و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند، و ندای اسلام را و وعده اسلام را - که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است و «وراثت ارض» برای مستضعفین است - متحقق کنند. تاکنون مستضعفین متفرق بودند، و با تفرقه، کاری انجام نمی‌گیرد. اکنون که نمونه‌ای از پیوند مستضعفین در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرد، این نمونه باید به یک سطح وسیعتری، در تمام قشرهای انسانهای تاریخ، تحقق پیدا کند به اسم «حزب مستضعفین»، که همان «حزب الله» است و موافق اراده خدای تبارک و تعالی است که مستضعفین، وارث ارض باید بشوند. ما از جمیع مستضعفین عالم دعوت می‌کنیم که با هم در «حزب مستضعفین» وارد بشوند، و مشکلات خودشان را با دست جمع و اراده مصمم عمومی رفع کنند؛ و هر مسئله‌ای که در هر جا و در هر ملتی پیش می‌آید به وسیله «حزب مستضعفین» رفع بشود. (۲۳۵)

۵۸/۵/۲۶

\*\*\*

### ضرورت تأسیس حزب مستضعفین

من از خدای تبارک و تعالی مسئلت می‌کنم که این عید را و همه اعیاد را بر همه مسلمین مبارک فرماید؛ و مسلمین را بیدار کند که همه با هم، در کنار هم، در همه جا؛ در همه جای عالم برای مصالح مسلمین اقدام کنند؛ برای گرفتاری‌هایی که ما در افغانستان

داریم و آنها هم گرفتار به دست همین طایفه هستند که منافقین هستند. اظهار اسلام می‌کنند، لکن منافق هستند. و همین طور در قدس؛ و همین طور در محالّ دیگر، مثل لبنان، مثل فلسطین که برادرهای ما گرفتار هستند، و ابرقدرتها با صهیونیسم موافقت می‌کنند و آنها را به آتش می‌کشند. مسلمین همه توجه داشته باشند و در روز دعا، دعا کنند به اینها؛ و در روز عمل، عمل کنند. و من امیدوارم که ما بتوانیم پرچم اسلام را، پرچم جمهوری اسلام را، در همه جای دنیا برپا کنیم و اسلام، که حق همه است، از او تبعیت کنند؛ همه از او تبعیت کنند.

و این نکته را باید تذکر بدهم که ما که گفتیم حزبی به نام «حزب مستضعفین» در همه دنیا، معنایش این نبود که حزبهای صحیحی که در ایران هست نباشد. حزبهای منطقه‌ای علی‌حده است و حزب تمام مناطق و تمام جاها یک حزب دیگر است. اگر ان‌شاء‌الله مسلمین موفق بشوند و یک همچو حزبی که «حزب مستضعفین» است، برای همه جاها یک همچو حزبی را تأسیس کنند، بسیار بموقع است؛ لکن [به] معنای این نیست که در محل و در منطقه‌ها حزب نباشد. خیر، در منطقه‌ها احزاب هستند و آزاد هم هستند، مادامی که توطئه معلوم نشده است. (۲۳۶)

۵۸/۶۲

\*\*\*

### رفع گرفتاریها با ایجاد حزب مستضعفین

من یک پیشنهادی در چند روز پیش از این کردم که اگر این پیشنهاد را عمل بکنند، این اسباب این می‌شود که روابط ان‌شاء‌الله کم‌کم پیدا بشود. و او ایجاد یک «حزب مستضعفین»، تمام مستضعفین دنیا، اعم از مُسلم و غیر مُسلم - این دولتهای غیراسلامی که به مردم ظلم می‌کنند؛ ملتها این طور نیستند. ملت مثلاً امریکا، ملت فرانسه، آنها که ظلمی نمی‌خواهند بکنند. این که ظلم می‌کند، آن که خلاف می‌کند، دولتها هستند. آنها هم مستضعفینشان گرفتار مستکبرین است - اگر یک حزبی در عالم پیدا بشود، یک حزب عالمی، حزب مستضعفین، که همان «حزب‌الله» است، این مشکل رفع بشود. با رفع این دو اشکال، تمام مشکلات مسلمین رفع می‌شود؛ هیچ قدرتی با این قدرتها نمی‌تواند

وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان در مقابل استکبار (توصیه‌ها) / ۱۴۱

مقابله بکند. (۲۳۷)

۵۸/۶/۲

\*\*\*

### قطع ریشه فساد با وحدت مستضعفین

عموم مستضعفین باید به هم پیوندند و ریشه فساد را از کشورهای خود قطع کنند. (۲۳۸)

۵۸/۱۱/۱۹

\*\*\*

### بسیج عمومی تمام مستضعفین جهان

من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت‌های مسلمان عالم باشد، و قرن پانزدهم قرن شکستن بت‌های بزرگ و جایگزینی اسلام و توحید به جای شرک و زندقه و عدل و داد به جای ستمگری و بیدادگری و قرن انسان‌های متعهد به جای آدمخواران بی‌فرهنگ باشد. (۲۳۹)

۵۸/۱۲/۱

\*\*\*

### عدم سستی در تحقق وحدت بین مستضعفان

همه باید کوشش کنیم که وحدت بین مستضعفان در هر مسلک و مذهبی که باشند، تحقق پیدا کند که اگر خدای ناخواسته، سستی پیدا شود، این دو قطب مستکبر شرق و غرب مانند سرطان همه را به هلاکت خواهند رساند. (۲۴۰)

۶۲/۲/۲۰

\*\*\*

## □ قیام و تداوم مبارزه حق طلبانه

### مبارزه با انحصار طلبی

ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. همین وظیفه است که امیرالمؤمنین (ع) در وصیت معروف به دو فرزند بزرگوارش تذکر می‌دهد و می‌فرماید: وَكُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا.<sup>(۱)</sup> (دشمن ستمگر و یاور و پشتیبان ستمدیده باشید.)

علمای اسلام موظف‌اند با انحصار طلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند؛ و نگذارند عده کثیری گرسنه و محروم باشند، و در کنار آنها ستمگران غارتگر و حرامخوار در ناز و نعمت به سر ببرند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: من حکومت را به این علت قبول کردم که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آنها را ملزم کرده که در مقابل پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستمدیدگان ساکت ننشینند و بیکار نایستند. (۲۴۱)

ولایت فقیه، ص ۲۸

\*\*\*

### همبستگی ملت‌ها در مبارزات حق طلبانه

امروز همچنان که قدرتهای شیطانی در سطح جهانی برای غارت ملت ضعیف دست در دست یکدیگر گذاشته‌اند، ملت‌ها باید در مبارزات حق طلبانه خود یکدیگر را حمایت کنند. و ما امیدواریم که در این لحظات حساس همه آزادیخواهان جهان، ملت مسلمان و رشید و قهرمان ایران را یاری نمایند. ملت ایران بدون اتکا به غرب و شرق می‌خواهد روی پای خود بایستد و بر سرمایه‌های مذهبی و ملی خود استوار باشد. ملت‌های جهان از این طرز فکر برخلاف مسیر دولتها، پشتیبانی می‌کنند و خواهند کرد. (۲۴۲)

۵۷/۹/۲۳

\*\*\*

۱. نهج البلاغه، نامه، ۴۷.



وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان در مقابل استکبار (توصیه‌ها) / ۱۴۳

### روز قدس هشداری به همه ابرقدرتها

«روز قدس» یک روز جهانی است. روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد. روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است. روز مقابله ملت‌هایی است که در زیر فشار ظلم امریکا و غیر امریکا بودند، در مقابل ابرقدرتهاست. روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند در مقابل مستکبرین، و دماغ مستکبرین را به خاک بمالند. روزی است که بین منافقین و متعهدین امتیاز خواهد شد. متعهدین این روز را روز قدس می‌دانند، و عمل می‌کنند به آنچه باید بکنند. و منافقین - آنهایی که با ابرقدرتها در زیر پرده آشنایی دارند و با اسرائیل دوستی - در این روز بی تفاوت هستند، یا ملتها را نمی‌گذارند که تظاهر کنند. روز قدس روزی است که باید سرنوشت ملت‌های مستضعف معلوم شود، باید ملت‌های مستضعف اعلام وجود بکنند در مقابل مستکبرین. باید همانطور که ایران قیام کرد و دماغ مستکبرین را به خاک مالید و خواهد مالید، تمام ملت‌ها قیام کنند و این جُرثومه‌های فساد را به زباله‌دانها بریزند. روز قدس روزی است که باید این دنباله‌روهای رژیم سابق در ایران، و آن توطئه چین‌های رژیم فاسد و ابرقدرتها در سایر جاها خصوصاً در لبنان، تکلیف خودشان را بدانند. روزی است که باید همت کنید و همت کنیم که قدس را نجات بدهیم؛ و برادران لبنانی را از این فشارها نجات بدهیم. روزی است که باید تمام مستضعفین را از چنگال مستکبرین بیرون بیاوریم. روزی است که باید جامعه مسلمین همه اظهار وجود بکنند و هشدار بدهند به ابرقدرتها و به این تُفاله‌هایی که مانده است از آنها - چه در ایران و چه در سایر جاها.

روز قدس، روزی است که باید به این روشنفکرانی که در زیر پرده با امریکا و عمال امریکا روابط دارند هشدار داد. هشدار به اینکه اگر از فضولی دست بردارید، سرکوب خواهید شد! ما به آنها مهلت دادیم و با آنها با ملایمت رفتار کردیم که شاید دست از شیطنت بردارند و اگر دست بردارند، کلمه آخر را خواهیم گفت و خواهیم به آنها فهماند که دیگر رژیم سابق قابل برگشتن نیست و دیگر امریکا نمی‌تواند به اینجا حکومت کند، و دیگر سایر ابرقدرتها نمی‌توانند در این مملکت حکومت کنند. روز قدس روزی است که باید به همه ابرقدرتها هشدار داد که باید دست خود را از روی

مستضعفین بردارید و سر جای خود بنشینید. (۲۴۳)

۵۸/۵/۲۵

\*\*\*

### قیام همگانی در مقابل قدرتهای شیطانی

ای مسلمانان جهان! چه شد شما را که در صدر اسلام با عده بسیار کم، قدرتهای عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی - انسانی ایجاد نمودید، اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگی که بالاترین حربه است در مقابل دشمن، اینچنین ضعیف و زبون شدید؟ آیا می دانید که تمام بدبختیهای شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما و بالتیجه بین خود شماست؟ از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته و به فرمان خدای تعالی گردن نهید تا مجد خود و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید. بیایید و به یک موعظه خداوند گوش فرا دهید؛ آنجا که می فرماید قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَأْحَدٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَى قَوْمٍ (۱) همه قیام کنید و برای خدا قیام کنید؛ قیام فرادی در مقابل جنود شیطانی باطن خودتان، و قیام همگانی در مقابل قدرتهای شیطانی. اگر قیام و نهضت، الهی و برای خدا باشد پیروز است. ای مسلمانان جهان و ای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید، و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملتها پرخاش کنید. ای زائران خانه خدا، در مواقع و مشاعر الهی به هم بیونید و از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و مستضعفان جهان را بخواهید. (۲۴۴)

۵۸/۸/۳

\*\*\*

### راندن ستمگران از صحنه

هان ای پدران کلیسا! بپاخیزید و عیسی مسیح را از چنگال این دژخیمان نجات دهید؛ که آن پیامبر بزرگ از ستمگری که دین را وسیله ظلم، و دعا را وسیله رسیدن به مسند

۱. «بگو که من شما را فقط یک پند دهم که دوتا دوتا یا یک یک برای خداوند قیام کنید؛ (سبأ / ۴۶).

وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان در مقابل استکبار (توصیه‌ها) / ۱۴۵

ستمگری به بندگان خدا قرار می‌دهد بیزار است؛ که دستورهای آسمانی همه برای نجات مظلومان، از ملکوت نازل شده است؛ و ای مستضعفان جهان! برخیزید و هم‌پیمان شوید و ستمگران را از صحنه برانید؛ که زمین از خداست و وارث آن مستضعفانند. (۲۴۵)

۵۸/۱۰/۲

\*\*\*

### نهراسیدن از عربده‌های قدرتمندان

هان ای ملت‌های جهان که همه مستضعفید! از جای برخیزید و حق خود را بستانید و از عربده‌های قدرتمندان نهراسید که خداوند با شماست و زمین ارث شماست. (۲۴۶)

۵۸/۱۱/۱۵

\*\*\*

### گرفتن حق مستضعفین با مشت محکم

مستضعفین همه بلاد، همه ممالک باید حق خودشان را با مشت محکم بگیرند. منتظر نباشند که آنها حق آنها را بدهند. مستکبرین نخواهند حق کسی را داد. (۲۴۷)

۵۸/۱۱/۱۹

\*\*\*

### قیام برای نجات خود و اسلام

ای مستضعفان جهان! بپا خیزید و خود را از چنگال ستمگران جنایتکار نجات دهید. و ای مسلمانان غیرتمند اقطار عالم! از خواب غفلت برخیزید و اسلام و کشورهای اسلامی را از دست استعمارگران و وابستگان به آنان رهایی بخشید. (۲۴۸)

۵۸/۱۲/۱

\*\*\*

### ایستادگی مستضعفان در مقابل مستکبران

همه مستضعفان جهان در مقابل مستکبران بایستند و مسائل خودشان را اخذ کنند و

حق خودشان را بگیرند و باید بدانند که حق، گرفتنی است، و الا اعطا نخواهند کرد. (۲۴۹)

۵۹/۵/۲۱

\*\*\*

### قیام مظلومان بر ضد مستکبرین

و ما شریک غم همه مظلومین جهان هستیم، و پشتیبان همه مظلومان جهان. باید مظلومان جهان که هستند خودشان قیام کنند بر ضد مستکبرین. مستضعفین نباید بنشینند که دولتهایشان این کار را بکنند، خودشان انجام بدهند. (۲۵۰)

۵۹/۱۱/۲۹

\*\*\*

### انقلاب اسلامی ایران، درس عبرتی برای مسلمانان و مستضعفان جهان

هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان گیتی، بپاخیزید و مقدرات خود را به دست بگیرید. تاکی نشسته‌اید که مقدرات شما را واشنگتن یا مسکو تعیین کنند؟ تاکی باید قدس شما در زیر چکمه تفاله‌های امریکا، اسرائیل غاصب پایکوب شود؟ تاکی سرزمین قدس، فلسطین، لبنان و مسلمانان مظلوم آن دیار در زیر سلطه جنایتکاران به سر برند و شما تماشاچی باشید، و بعض حکام خائن شما آتش بیار آنان باشند؟ تاکی قریب یک میلیارد مسلمان در جهان و قریب صد میلیون عرب با کشورهای وسیع و ذخایر بی‌پایان، شاهد چپاولگریهای شرق و غرب و ستمگریها و قتل عامهای غیرانسانی آنان و تفاله‌های آنان باشند؟ تاکی تحمل جنایات وحشتناک بر برادران افغانستان و لبنان را نموده و به ندای آنان جواب نمی‌دهند؟ تاکی به جای مقابله با دشمنان اسلام و برای نجات قدس از اسلحه گرم و قدرت نظامی و الهی غفلت نموده و با کارهای سیاسی و برخوردهای سازشکارانه با ابرقدرتها وقت گذرانده و به اسرائیل مهلت جنایتهای بی‌امان داده و شاهد قتل عامها باید بود؟ آیا سران قوم نمی‌دانند و ندیده‌اند که مذاکرات سیاسی با سیاستمداران قدرتمند و جنایتکاران تاریخ، قدس و فلسطین و لبنان را نجات نخواهد داد و هر روز بر جنایات و ستمگریها افزوده خواهد شد؟

باید برای آزادی قدس از مسلسل‌های متکی بر ایمان و قدرت اسلام استفاده و

وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان در مقابل استکبار (توصیه‌ها) / ۱۴۷

بازیهای سیاسی را که از آن بوی سازشکاری و راضی نگه داشتن ابرقدرتها به مشام می‌رسد کنار گذاشت. باید ملتهای مسلمان خصوصاً ملت فلسطین و لبنان، کسانی را که با مانورهای سیاسی وقت‌گذرانی می‌کنند، تنبہ نموده و زیر بار بازیهای سیاسی که نتیجه‌ای جز زیان و ضرر برای ملت مظلوم ندارد نروند. تاکی اسطوره‌های دروغین شرق و غرب، مسلمانان قدرتمند را مسحور نموده و بوقهای تبلیغاتی میان تهی، آنان را وحشتزده می‌نماید؟ تاکی مسلمین از قدرت اسلام بزرگ غافلند؟ مسلمانانی که در نیم قرن آن فتوحات عظیم و تحولات شگرف را با دست خالی از ساز و برگ جنگی و دلی آغشته به ایمان و زبانی متذکر به الله اکبر به دست آورده و اسلام و توحید را در جهان قدرتمند آن روز پایه‌گذاری نمودند. اگر آن پیروزیها و تحولاتی که در تاریخ ثبت است از چشم‌انداز مسلمانان دور است، پیروزی ملت رزمنده ایران با انگیزه سربازان صدر اسلام که سلاحشان ایمان بود، در پیش چشم همگان پرتوافکن است. جهانیان و مسلمانان جهان دیدند که ملت غیور ایران با دست تهی از ساز و برگ نبرد، در مقابل ابرقدرتهای زمان و وابستگان خارج و داخل آنان نهضت کردند و انقلاب شکوهمند اسلامی را با همه مشکلات، برق‌آسا به ثمر رساندند و دست تمام جنایتکاران تاریخ را از کشور عزیز خود قطع کردند و توطئه‌های امریکایی و گروهکهای چپگرا و راستگرا را با قلبی سرشار از ایمان و عقیده یکی پس از دیگری خنثی نموده و زن و مرد و کوچک و بزرگ دلاورانه در صحنه حاضر و مقدرات کشور خود را در دست توانای خود تعیین نمودند، و امروز با خواست خداوند متعال، ارکان جمهوری اسلامی به دست متعهدین به مکتب و معتقدین به جمهوری اسلامی برقرار و فتنه‌انگیزان و توطئه‌گران را از صحنه خارج نمودند. و امروز ایران به رغم بوقهای خارج و دستگاههای تبلیغاتی امریکا و صهیونیست و سیلی خورده‌های از انقلاب، به سوی سازندگی نهایی پیش می‌رود و این درس عبرتی است برای کشورهای اسلامی و مستضعفان جهان که قدرت اسلامی خود را بیابند و از عریده‌های شرق و غرب و وابستگان و تفاله‌های آنان نهراسند و با اعتماد به خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام و ایمان بپاخیزند و دست جنایتکاران را از کشورهای خود کوتاه نمایند و آزادی قدس شریف و فلسطین را سرلوحه برنامه خود قرار دهند و ننگ سلطه صهیونیسم، تفاله امریکا را از دامن خود بزداوند و روز قدس را زنده نگه دارند. امید است با زنده نگه داشتن این روز، بی‌تفاوتیها زایل شود و غفلتها مرتفع گردد. و با قیام

ملتهای شریف، بعضی از سران خائن را که به رغم مسلمانان و اسلام، دست در دست اسرائیل و چشم به فرمان امریکا برخلاف مصالح مسلمین به زندگانی سیاسی ننگین خود و به زندگی جنایت‌بار خویش ادامه می‌دهند، از صحنه خارج و در گورستان تاریخ مدفون نمایند. حکام غاصبی که در جنگ بین کفاری چون اسرائیل و صدام با مسلمین، طرف کفار را گرفته و به اسلام و مسلمین ضربه وارد می‌کنند، از صحنه اسلام باید خارج شوند و از حکومت بر مسلمین باید برکنار گردند. ملتهای شریف مصر و عراق و دیگر کشورهای تحت سلطه منافقان باید قیام کنند و به بلندگوهای فاسد که این جنایتکاران را مسلمان جلوه می‌دهند، گوش فرا ندهند و از قدرتهای پوشالی این خائنان نهراسند.

... مسلمانان جهان باید روز قدس را روز همه مسلمین، بلکه مستضعفین بدانند و از آن نقطه حساس در مقابل مستکبرین و جهانخواران بایستند، و تا رهایی مظلومان از زیر ستم قدرتمندان از پای ننشینند. و مستضعفان که اکثریت قاطع جهان را تشکیل می‌دهند مطمئن باشند که وعده حق تعالی نزدیک است و ستاره نحس مستکبران رو به زوال و افول است. (۲۵۱)

۶۰/۵/۱۰

\*\*\*

### حفظ نقطه بروز مخالفت

من به ملت ایران و سایر ملتهای مستضعف جهان در این قضایایی که مخالفین اسلام برای اسلام می‌خواهند پیش بیاورند هشدار می‌دهم که باید هر چه این قضایا و این خرابکارها حجمش زیاد می‌شود، حجم انسجام ملتهای مستضعف و مستضعفان جهان بیشتر بشود.

... همان‌طور که آنها مجهز شدند برای سرکوبی این انقلاب اسلامی در ایران از این خوفی که دارند، باید همه برادران اسلامی ما در هر جا که هستند و در هر کشوری که هستند، بلکه تمام مستضعفان جهان که در زیر سلطه قدرتهای شیطانی و زیر چکمه نظامیان قدرتهای شیطانی سرکوب شده‌اند باید تمام آنها متوجه باشند و توجه به این معنا داشته باشند که این نقطه بروز مخالفت را حفظ کنند. اگر - خدای نخواست - این نقطه‌ای که از اینجا شروع شده است مخالفت با تمام ابر قدرتها و با تمام شیاطین عالم، اگر این

وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان در مقابل استکبار (توصیه‌ها) / ۱۴۹

نقطه - خدای نخواستہ - رکود پیدا بکند یا شکست بخورد، شکست همه مستضعفین جهان و همه مسلمین جهان و شکست اسلام در تمام ممالک اسلامی خواهد شد. و اگر این قدرتی که از ناحیه خدا به این ملت اعطا شد و توانایی آن را پیدا کرد که تمام قدرتهای مجهز بر ضد ملت را خنثی کند و همه دستها را از ذخائر خودش و از ملت خودش قطع بکند، اگر این محفوظ بماند امید این است که این مطلب در همه ممالک اسلامی و در همه جایی که مستضعفین جهان تحت سلطه مستکبرین بودند، در همه جا این مسئله انجام بگیرد. (۲۵۲)

۶۰/۶/۱۰

\*\*\*

### لزوم تداوم مبارزه با جنایتکاران

هان ای مسلمانان جهان، و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، پیاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است. جهان باید بداند که ایران راه خدا را پیدا کرده است و تا قطع منافع امریکای جهانخوار، این دشمن کینه‌توز مستضعفین جهان، با آن مبارزه‌ای آشتی‌ناپذیر دارد، و حوادث ایران نه تنها ما را برای لحظه‌ای عقب نخواهد نشاند، که ملت ما را در نابودی منافع آن مصمم‌تر خواهد کرد. ما مبارزه سخت و بی‌امان خود را علیه امریکا شروع کرده‌ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ ستمکاران، پرچم توحید را در جهان بیفرازند ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه‌مان که مبارزه با امریکای جنایتکار است ادامه دهیم، فرزندانمان شهد پیروزی را خواهند چشید.

آیا برای مسلمانان جهان ننگ نیست که با اینهمه سرمایه‌های انسانی و مادی و معنوی، با داشتن چنین مکتب مترقی و پشتوانه الهی تن به سلطه قدرتمندان مستکبر و دزدان دریایی و زمینی قرن بدهند؟ آیا وقت آن نرسیده است که هواهای نفسانیه را کنار گذاشته و با یکدیگر دست مودت و اخوت داده و دشمنان بشریت را از صحنه خارج و به حیات ننگین ستمبارشان خاتمه دهند؟ آیا وقت آن نرسیده است که ملت مبارز و غیور فلسطین، بازیهای سیاسی مدعیان مبارزه با اسرائیل را شدیداً محکوم نموده و با سلاح

گرم، سینه اسرائیل دشمن سرسخت اسلام و مسلمین را بشکافند؟ آیا مسلمانان چه جوابی در مقابل خداوند عظیم که آنان را دعوت به اعتصام بحبل الله<sup>(۱)</sup> نموده و از تفرقه و نزاع نهی فرموده است دارند؟ آیا تکلیف خود نمی‌دانند که از ملت و دولت ایران که با جهاد مقدس پرچم کفر را سرنگون و پرچم پر عظمت اسلام را برافراشته است پشتیبانی کنند؟ آیا وعظ السلاطین سرکوبی انقلاب اسلامی ایران را از مخالفت با امریکا و اسرائیل لازمتر می‌شمارند؟ ما از برادران اسلامی خود در مشارق و مغارب ارض می‌خواهیم که با جمهوری اسلامی ایران هم صدا و هم جهت شده و با یاری خداوند متعال شرّ جنایتکاران را دفع و بساط چپاولگری را از کشورهای اسلامی و بلاد مستضعفین برچینند و به ندای خداوند متعال در این امر حیاتی پاسخ مثبت دهند. (۲۵۳)

۶۰/۶/۱۵

\*\*\*

### بر مستکبران آدمخوار بشورید و حق خود را بگیرید

هان ای مستضعفان جهان، بر مستکبران آدمخوار بشورید و حق خود را از آنان بگیرید که خداوند با شماست و وعده او تخلف ناپذیر است. از خداوند قادر متعال پیروزی اسلام را خواهانم. (۲۵۴)

۶۰/۸/۱۲

\*\*\*

### محدود کردن حق و تو

بالاخره، اگر بخواهد بشر، مستضعفین عالم اگر بخواهند یک زندگی شرافتمندانه انسانی داشته باشند، باید همه مستضعفین جهان به هم دست بدهند و قدرت این قدرتمندانی که حق و تو دارند، اینها را باید محدود کنند. (۲۵۵)

۶۰/۱۱/۴

\*\*\*

---

۱. اشاره است به آیه ۱۰۳ سوره آل عمران، «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا»؛ همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید.»



وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان در مقابل استکبار (توصیه‌ها) / ۱۵۱

### **لزوم همکاری ملتها و دولتها در از بین بردن غده سرطانی اسرائیل**

تا کشورهای اسلامی، ملتهای اسلامی، آن معنایی که در ایران پیدا شد، الگوی خودشان قرار ندهند و تا خودشان به خیابانها نریزند و بخواهند از دولتهای خودشان که با اسرائیل باید روبرو بشوید، گمان نکنید که این کر و کورها به تعقل برسند. ملتها باید بایستند و بخواهند از ارشهای منطقه خودشان و از دولتهای منطقه خودشان که بیایند و با این فلسطینی‌ها و با این سوری‌ها که مورد ظلم واقع شده‌اند کمک کنند تا این غده سرطانی از بین برود. و اگر آنها هم تماشاگر باشند که ببینند چه می‌شود، آنها هم بی تفاوت باشند و عذر این باشد که دولتها باید این کار را بکنند، اگر اینطور باشد، آنها هم در محضر خدا جواب صحیح ندارند. (۲۵۶)

۶۱/۳/۲۳

\*\*\*

### **رفع سلطه‌های شیطانی با وحدت و قیام مستضعفین**

مستضعفین جهان، چه آنها که زیر سلطه امریکا و چه آنها که زیر سلطه سایر قدرتمندان هستند اگر بیدار نشوند و دستشان را به هم ندهند و قیام نکنند، سلطه‌های شیطانی رفع نخواهد شد. و همه باید کوشش کنیم که وحدت بین مستضعفان در هر مسلک و مذهبی که باشند، تحقق پیدا کند که اگر خدای ناخواسته، سستی پیدا شود، این دو قطب مستکبر شرق و غرب مانند سرطان همه را به هلاکت خواهند رساند. ما عازم هستیم که تمام سلطه‌ها را نابود سازیم، و شما هم کوشش کنید که ملتها را با حق همراه کنید. و آنچه مهم است این است که شما در مذهب خود و مادر مذهب خودمان اخلاص را حفظ و به خدای تبارک و تعالی اعتماد داشته باشیم تا عنایت او شامل حال ما باشد و ما را از تحت این سلطه‌ها خارج سازد. (۲۵۷)

۶۲/۲/۲۰

\*\*\*

### **قیام در مقابل ظالمان و جنایتکاران**

این ملتهای مستضعف هستند که باید در مقابل ظالمان و جنایتکاران قیام کنند و با اتکا

به خدای تعالی از هیچ قدرتی نهراسند و دست ستمکاران را قطع نمایند. (۲۵۸)

۶۳/۱۲/۱۸

\*\*\*

### مبارزه با فقر با ارائه سیستم صحیح اقتصاد اسلامی

این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرهنگها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به در آورند. (۲۵۹)

۶۶/۵/۶

\*\*\*

### وصیت به همه مسلمانان و مستضعفان جهان در گرفتن حق خود از مستکبران

وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست اندرکاران کشورتان یا قدرتهای خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند. ما و شماها لااقل در این صد سال اخیر، که بتدریج پای قدرتهای بزرگ جهانخوار به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است مشاهده کردیم یا تاریخهای صحیح برای ما بازگو کردند که هیچ یک از دول حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملت‌های خود نبوده و نیستند؛ بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هر چه کرده‌اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده؛ یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپرنشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده، و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عیاش به کار گرفته‌اند؛ و یا آنکه دست نشاندگان قدرتهای بزرگ بوده‌اند که برای وابسته کردن کشورها و ملت‌ها هر چه توان داشته‌اند به کار گرفته و با حیل‌های مختلف کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست کرده و منافع آنان را تأمین نموده‌اند و ملت‌ها را عقب مانده و مصرفی بار آوردند و اکنون

وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان در مقابل استکبار (توصیه‌ها) / ۱۵۳

نیز با این نقشه در حرکتند.

و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان پیاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سرسپرده آنان نترسید؛ و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست بگیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است. (۲۶۰)

۶۸/۳/۱۵

\*\*\*



## فهارس

- فهرست تفصیلی
- فهرست مأخذ
- فهرست منابع



## فهرست تفصیلی

صفحه	عنوان
د - الف	مقدمه
	<b>فصل اول: مفهوم مستضعف و مستکبر</b>
۳	□ معنای استضعاف و استکبار
۳	۱ - ابرقدرتها ما را ضعیف و هیچ انگاشته‌اند
۳	۲ - معنای اعم مستکبر
۳	۳ - رابطه آزادی با استکبار و استضعاف
۴	۴ - قضیه استضعاف
۵	□ مصادیق مستضعف و مستکبر
۵	۵ - مبارزه پیغمبر با قدرتمندان حجاز
۵	۶ - قیام حضرت موسی بر ضد فرعون
۵	۷ - قیام طبقه محروم در برابر رژیم شاهنشاهی
۶	۸ - تجاوز و تعدی دولتها به ملتها

- ۹ - طبقه مؤمن در مقابل قدرتهای فرعونى ..... ۶
- ۱۰ - قیام حضرت ابراهیم در مقابل نمروود ..... ۷
- ۱۱ - محرومان انقلابی و کاخ نشینان پوسیده ..... ۷
- ۱۲ - جبهه گیری مظلومان جهان در مقابل برنامه های فرعونى ..... ۷

### فصل دوم: عوامل استضعاف

- عوامل استضعاف ..... ۱۱
- ۱۳ - دست نشاندگی دولتها ..... ۱۱
- ۱۴ - تبلیغات غلط استعمار ..... ۱۱
- ۱۵ - جهل و بیخبری مسلمین ..... ۱۲
- ۱۶ - جدایی مسلمین از اسلام ..... ۱۳
- ۱۷ - غفلت مسلمین ..... ۱۳
- ۱۸ - خودخواهی حکومتها ..... ۱۴
- ۱۹ - بیماری روحی مستکبران ..... ۱۴
- ۲۰ - عدم مهار قدرتها از عوامل نقض حقوق انسانی ..... ۱۵
- ۲۱ - عدم بیداری و آگاهی مستضعفین ..... ۱۶
- ۲۲ - استثمار و سلطه طلبی امریکا ..... ۱۶
- ۲۳ - خودمحوری بشر ..... ۱۷
- ۲۴ - خودباختگی و احساس ناتوانی ..... ۱۷
- ۲۵ - خودبینی و طغیان در نفس ..... ۱۷
- ۲۶ - نفاق ..... ۱۸
- ۲۷ - قدرت طلبی و عدم تهذیب نفس ..... ۱۹
- ۲۸ - بیخبری ملتها نسبت به اسلام ..... ۱۹
- ۲۹ - رفاه طلبی اشراف و اعیان ..... ۲۰



- ۳۰- حبّ نفس و حبّ جاه ..... ۲۰
- ۳۱- خودبینی و اخلاق حیوانی ..... ۲۳
- ۳۲- هوای نفس در قدرتهای بزرگ، عامل فساد و تجاوز ..... ۲۳
- ۳۳- بیماری خودبینی ..... ۲۴
- ۳۴- غفلت و ساده اندیشی ..... ۲۴
- ۳۵- اتفاق ابرقدرتها در عقب نگه داشتن کشورهای جهان سوم ..... ۲۴
- ۳۶- اشتباه تأسف آور! ..... ۲۵

### فصل سوم: آثار استکبار و استضعاف

- آثار استکبار و استضعاف ..... ۲۹
- ۳۷- تحمیل نظام اقتصادی ظالمانه ..... ۲۹
- ۳۸- خون دل فقرا خرج نامجویی و خودکامگی ..... ۲۹
- ۳۹- خیانت به بیت‌المال مسلمین ..... ۳۰
- ۴۰- محرومیت از آثار تمدن ..... ۳۱
- ۴۱- از بین بردن زراعت به اسم اصلاح ارضی ..... ۳۲
- ۴۲- وابستگی اقتصادی ..... ۳۲
- ۴۳- فلج شدن زراعت و رواج حاشیه نشینی ..... ۳۲
- ۴۴- تبعیض و بی‌عدالتی ..... ۳۳
- ۴۵- هدر رفتن نیروهای فعال انسانی ..... ۳۴
- ۴۶- اسلحه و پایگاه به جای نفت ..... ۳۴
- ۴۷- عدم بهره‌مندی از آثار تمدن ..... ۳۴
- ۴۸- وابسته شدن کشور در تمام زمینه‌ها ..... ۳۵
- ۴۹- ایجاد تفرقه ..... ۳۵
- ۵۰- مسخ شخصیت فکری ملتها ..... ۳۶

- ۳۷ ..... ۵۱ - پایمال شدن حق مظلومین
- ۳۷ ..... ۵۲ - جنایت به اسم حقوق بشر
- ۳۷ ..... ۵۳ - سلطه اقلیت ظالم بر میلیاردها انسان مظلوم
- ۳۸ ..... ۵۴ - استعمار فکری و فرهنگی

### فصل چهارم: مواجهه تاریخی مستضعفین و مستکبرین

□ مستضعفین و مستکبرین در سیره انبیا و ادیان الهی

- ۴۱ ..... (قبل از اسلام)
- ۴۱ ..... ۵۵ - مبارزه با اشراف برای منافع توده‌ها
- ۴۱ ..... ۵۶ - قیام انبیا در مقابل سلاطین
- ۴۲ ..... ۵۷ - قیام توده‌ها در تاریخ انبیا
- ۴۲ ..... ۵۸ - انبیا از توده مردم
- ۴۲ ..... ۵۹ - مبارزه موسی با فرعونیت
- ۴۳ ..... ۶۰ - بیداری و تجهیز توده‌ها بر ضد دولتهای قدرتمند توسط انبیا
- ۴۳ ..... ۶۱ - قیام بر ضد مستکبرین، طریقه حضرت موسی (س)
- ۴۴ ..... ۶۲ - همراهی مستضعفین با انبیا در طول تاریخ
- ۴۴ ..... ۶۳ - سرنگونی فرعون
- ۴۴ ..... ۶۴ - نقش پیامبران در ایجاد عدالت اجتماعی
- ۴۴ ..... ۶۵ - تجهیز مستضعفین علیه مستکبرین توسط انبیا
- ۴۵ ..... ۶۶ - قیام مستضعفین بر ضد مستکبرین با تبلیغات انبیا
- ۴۵ ..... ۶۷ - نقش سران ادیان در شوراندن طبقه مستضعف بر ضد قدرتهای طاغوتی
- ۴۶ ..... ۶۸ - قیام طبقه مستضعف بر ضد فرعون
- ۴۶ ..... ۶۹ - قیام به قسط، فلسفه بعثت پیامبران
- ۴۷ ..... ۷۰ - ریشه کنی استکبار و نجات مظلومین، مقصد حضرت موسی

- مستضعفین و مستکبرین در اسلام ..... ۴۸
- ۷۱- نجات مظلومین از دست ستمکاران، مقصد امام علی (ع) ..... ۴۸
- ۷۲- حل مشکل فقر در رأس برنامه‌های اسلام ..... ۴۸
- ۷۳- حکومت حضرت امیر، حکومت عدالت ..... ۴۹
- ۷۴- مخالفت پیامبر (ص) و ائمه - علیهم السلام - با دستگاه ظلم ..... ۴۹
- ۷۵- مخالفت پیامبر اسلام و ائمه اطهار با سلاطین عصر ..... ۵۱
- ۷۶- جنگ با زورمندها در منطق قرآن ..... ۵۲
- ۷۷- جنگ با قلدرها در تاریخ اسلام ..... ۵۳
- ۷۸- همراهی اصحاب صفا با پیامبر در فتح حجاز ..... ۵۳
- ۷۹- اسلام، محرک است نه افیون ..... ۵۴
- ۸۰- اسلام، طرفدار توده‌هاست ..... ۵۶
- ۸۱- جدال پیامبر و توده‌ها با قدرتمندان ..... ۵۷
- ۸۲- پیغمبر اسلام هم از همین توده بود ..... ۵۷
- ۸۳- جنگ پیامبر و مستضعفین بر ضد قلدرها و دیکتاتورها ..... ۵۸
- ۸۴- احکام اسلام به نفع توده‌هاست ..... ۵۸
- ۸۵- همه جنگهای پیغمبر با قدرتمندها بوده است ..... ۵۹
- ۸۶- مقصد اسلام در سیره رسول اکرم و ائمه ..... ۵۹
- ۸۷- نقش مستضعفین در ترویج اسلام ..... ۶۰
- ۸۸- نقش پیغمبر در نهضت فقرا بر ضد اغنیا ..... ۶۰
- ۸۹- رفتن مستکبرین مقدمه رفاه مستضعفین در پناه معنویت اسلام ..... ۶۱
- ۹۰- اسلام، با ضعفاست ..... ۶۲
- ۹۱- نقش پیغمبر اسلام در بسیج مستضعفین جهت ایجاد عدالت اجتماعی ..... ۶۲
- ۹۲- اسلام محرک مستضعفین ..... ۶۳
- ۹۳- طرفداری اسلام از مستضعفین ..... ۶۴

- ۹۴ - معارضه اسلام با قدرتهای بزرگ ..... ۶۵
- ۹۵ - برانگیختن مستضعفین در مقابل مستکبرین ..... ۶۶
- ۹۶ - اسلام، طرفدار مستضعفین است ..... ۶۷
- ۹۷ - اسلام، برای مستضعفین است ..... ۶۸
- ۹۸ - اسلام با مستمندان بیشتر آشنایی دارد ..... ۶۸
- ۹۹ - محکومیت تبعیضها در اسلام ..... ۶۸
- ۱۰۰ - نجات مستضعفین از شیاطین ..... ۶۹
- ۱۰۱ - رفع ظلم از مظلومان جهان در نظام اسلامی ..... ۶۹
- ۱۰۲ - فرهنگ غنی انسان ساز در اسلام ..... ۶۹
- ۱۰۳ - جنگ استضعاف و استکبار ..... ۷۰
- ۱۰۴ - لزوم شناخت مرز بین اسلام امریکایی و اسلام ناب محمدی ..... ۷۰
- ۱۰۵ - ناسازگاری روحانیت اصیل با سرمایه داران زالو صفت ..... ۷۱
- ۱۰۶ - وجوب اقامه حکومت حق و عدالت اجتماعی ..... ۷۱
- سرانجام مستضعفین و مستکبرین
- (وعده‌ها و بشارتهای الهی) ..... ۷۲
- ۱۰۷ - وعده غلبه مستضعفین بر مستکبرین ..... ۷۲
- ۱۰۸ - به حکومت رسیدن مستضعفین ..... ۷۲
- ۱۰۹ - غلبه مستضعفین بر مستکبرین به خواست خداوند ..... ۷۳
- ۱۱۰ - امامت، حق مستضعفین است ..... ۷۳
- ۱۱۱ - عمل به وعده الهی در اسلام ..... ۷۳
- ۱۱۲ - دفن مستکبرین ..... ۷۴
- ۱۱۳ - اراده خداوند به خروج مستکبرین از صحنه تاریخ ..... ۷۴
- ۱۱۴ - وعده پیروزی مستضعفان ..... ۷۴
- ۱۱۵ - مستضعفان، وارثان زمین ..... ۷۴

۷۵	۱۱۶- گرفتن زمین از دست چپاولگرها
۷۵	۱۱۷- تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند
۷۵	۱۱۸- سلامت و صلح جهان با انقراض مستکبرین
۷۵	۱۱۹- اعتدال تمام انحرافات بشر
۷۶	۱۲۰- گسترش حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی
۷۷	۱۲۱- افول ستاره نحس مستکبران و نزدیکی وعده حق تعالی
۷۷	۱۲۲- رسیدن مستضعفان به زندگی صحیح رفاهی
۷۷	۱۲۳- دستیابی مستضعفان به حقوق از دست رفته خود
۷۸	۱۲۴- نزدیکی وعده حق تعالی در به اهتزاز درآمدن پرچم عدالت

### فصل پنجم: انقلاب اسلامی و مستضعفین

۸۳	□ نقش مستضعفین در تکوین و تداوم نهضت اسلامی
۸۳	۱۲۵- مشارکت همه اقشار تحت ستم در نهضت
۸۳	۱۲۶- استقرار حکومت عدل اسلامی با حمایت و پشتیبانی مردم
۸۳	۱۲۷- پیروزی نهضت، مرهون طبقه جوان محروم
۸۴	۱۲۸- شکست قدرتهای بزرگ با قدرت ایمان و وحدت کلمه
۸۴	۱۲۹- طبقات محروم نهضت را به پیش بردند
۸۴	۱۳۰- این مستضعفینند که نهضت را به پیش بردند
۸۵	۱۳۱- طبقه محروم این نهضت را به ثمر رساند
۸۵	۱۳۲- غلبه بر طاغوت با فداکاری و شهادت طلبی
۸۶	۱۳۳- پیش بردن نهضت توسط طبقه جوان زاغه نشین
۸۶	۱۳۴- شکست قدرت شیطانی با مشت خالی
۸۶	۱۳۵- نهضت، مرهون طبقات پایین
۸۷	۱۳۶- شکست عظمت قدرتهای بزرگ و توسعه نهضت

- ۱۳۷ - پشتیبانی از تمام نهضت‌های آزادیبخش ..... ۸۸
- ۱۳۸ - صدور انقلاب و رهایی مستضعفین از چنگال ابرقدرتها ..... ۸۸
- ۱۳۹ - انقلاب الجزایر و ایران، رهنمودی برای سایر ملل مستضعف ..... ۸۹
- ۱۴۰ - خدمات ارزنده مستضعفین در نهضت ..... ۹۰
- ۱۴۱ - به ثمر رسیدن انقلاب، مرهون فداکاری و شجاعت طبقه محروم ..... ۹۰
- ۱۴۲ - درس خودباوری ..... ۹۲
- ۱۴۳ - پشتیبانی و دفاع از قدس عزیز ..... ۹۲
- ۱۴۴ - انقلاب مردمی ..... ۹۲
- ۱۴۵ - ایران، مبدأ قیام مستضعفان برای قطع ایادی مستکبران ..... ۹۳
- ۱۴۶ - ایستادگی توده مستضعف تا قطع ریشه‌های فاسد قدرت ..... ۹۳
- ۱۴۷ - آنچه داریم از مستضعفین است ..... ۹۴
- ۱۴۸ - جانفشانی طبقه محروم ..... ۹۴
- ۱۴۹ - صبر و تحمل انقلابی ..... ۹۵
- ۱۵۰ - محرومان در صف مقدم جامعه ..... ۹۵
- ۱۵۱ - گسترش جنبش مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران ..... ۹۶
- ۱۵۲ - همین مردم محروم هستند که انقلاب کردند ..... ۹۷
- ۱۵۳ - پیروزی اسلام، مرهون زحمات کودکان‌نشینان و زاغه‌نشینان ..... ۹۷
- ۱۵۴ - نقش علمای اسلام در رهایی مستضعفین ..... ۹۸
- ۱۵۵ - فراهم آمدن مقدمه ظهور با خیزش مستضعفان جهان ..... ۹۸
- ۱۵۶ - فشار انقلاب بر دوش محرومین ..... ۹۸
- ۱۵۷ - مظلومان در راه رسیدن به یک دنیای آزاد ..... ۹۹
- ۱۵۸ - مستضعفان متدین بر پادارندگان واقعی انقلابها ..... ۹۹
- ۱۵۹ - تداوم خشم انقلابی در حفظ اصول و آرمانهای مقدس ..... ۱۰۰

□ محرومیت زدایی و دفاع از حقوق مستضعفان

- در نظام جمهوری اسلامی..... ۱۰۱
- ۱۶۰- رسیدگی دولت به وضع معیشتی فقرا و مساکین..... ۱۰۱
- ۱۶۱- ترمیم ضررهای وارده بر طبقه ضعیف از طریق وجوه شرعیه..... ۱۰۱
- ۱۶۲- بهره‌مندی فقرا و بیچاره‌ها از منافع مملکت..... ۱۰۲
- ۱۶۳- حمایت از مستضعفین در دولت حق..... ۱۰۲
- ۱۶۴- حفظ منافع ملت..... ۱۰۲
- ۱۶۵- بهبودی شرایط زندگی محرومان..... ۱۰۳
- ۱۶۶- محرومیت زدایی و عدم اجحاف به طبقات مستضعف..... ۱۰۳
- ۱۶۷- مصادره اموال رژیم به نفع مستضعفین..... ۱۰۴
- ۱۶۸- رفع گرفتاریها از طبقه ضعیف..... ۱۰۵
- ۱۶۹- صرف غنایم در تأمین زندگی مستمندان..... ۱۰۵
- ۱۷۰- حق دادخواهی نسبت به هرگونه استعمار و زورگویی در جمهوری اسلامی..... ۱۰۶
- ۱۷۱- بسیج همگانی علیه فقر و محرومیت..... ۱۰۷
- ۱۷۲- استقلال، آزادی و رفاه تمام اقشار در جمهوری اسلامی..... ۱۰۸
- ۱۷۳- حمایت دولت از طبقه ضعیف..... ۱۰۸
- ۱۷۴- توزیع عادلانه ثروت..... ۱۰۸
- ۱۷۵- تأمین یک زندگی متوسط برای مستضعفین..... ۱۰۹
- ۱۷۶- رعایت عدالت نسبت به همه قشرها در جمهوری اسلامی..... ۱۰۹
- ۱۷۷- دولت اسلامی خدمتگزار همه مردم..... ۱۱۰
- ۱۷۸- توجه دولت به مردم مستضعف..... ۱۱۰
- ۱۷۹- عملکرد بنیاد مستضعفین..... ۱۱۱
- ۱۸۰- توصیه به شهرداری نسبت به آبادانی مناطق محروم..... ۱۱۱
- ۱۸۱- پاکسازی دستگاههای اداری و رفاه حال طبقه مستضعف..... ۱۱۱

- ۱۱۲ ..... ۱۸۲ - خدمت به مستضعفین به جای قلمفرسایی و کارشکنی
- ۱۱۳ ..... ۱۸۳ - برادری و محبت به جای حاکم و محکوم
- ۱۱۳ ..... ۱۸۴ - رفع مشکل بهداری برای محرومین
- ۱۱۳ ..... ۱۸۵ - تصویب و اجرای طرحهای جدی جهت رفاه حال طبقه محروم
- ۱۱۴ ..... ۱۸۶ - خدمات خالصانه نهادهای اسلامی به بندگان مستضعف
- ۱۱۴ ..... ۱۸۷ - خدمت به بیچاره‌ها و پرهیز از دعوا
- ۱۱۵ ..... ۱۸۸ - خدمات مثبت نهضت به مستضعفین
- ۱۱۵ ..... ۱۸۹ - صف واحد ملت و دولت در دفاع از حقوق مظلومان
- ۱۱۶ ..... ۱۹۰ - شرافت خدمت به پابرنه‌ها و مستضعفین
- ۱۱۶ ..... ۱۹۱ - خدمت به مستضعفین با تمام توان
- ۱۱۷ ..... ۱۹۲ - اداره بنیاد مستضعفین به نفع مستضعفان
- ۱۱۷ ..... ۱۹۳ - نجات مستضعفین از مشکلات و محرومیتها
- ۱۱۸ ..... ۱۹۴ - پابرنه‌ها ولی نعمت ما هستند
- ۱۱۸ ..... ۱۹۵ - خدمت به طبقات ضعیف یک عبادت بزرگ
- ۱۱۸ ..... ۱۹۶ - لزوم رسیدگی دولت به محرومین دورافتاده
- ۱۱۹ ..... ۱۹۷ - توصیه به دادگستریها در جهت نجات مستمندان
- ۱۱۹ ..... ۱۹۸ - رسیدگی به فقرا و مستمندان توسط کمیته امداد
- ۱۲۰ ..... ۱۹۹ - رسیدگی بنیاد ۱۵ خرداد به وضع مستضعفین و محرومین
- ۱۲۰ ..... ۲۰۰ - حکومت مستضعفین به جای حکومت اشرافی
- ۱۲۱ ..... ۲۰۱ - جدیت در عمران و راهسازی برای مستضعفان
- ۱۲۲ ..... ۲۰۲ - مهم، خدمت کردن به محرومین است
- ۱۲۲ ..... ۲۰۳ - دلسوزی دولت برای محرومین
- ۱۲۳ ..... ۲۰۴ - نقش و اهمیت بنیاد مسکن در محرومیت زدایی
- ۱۲۳ ..... ۲۰۵ - دولت مستضعفان



- ۲۰۶ - طرفداری از همه مظلومین ..... ۱۲۳
- ۲۰۷ - خدمت به محرومان و دورافتادگان، یک موضوع مهم ..... ۱۲۴
- ۲۰۸ - حکومت در خدمت مردم ..... ۱۲۴
- ۲۰۹ - حرکت در جهت فقرزدایی و دفاع از محرومان ..... ۱۲۵
- ۲۱۰ - توصیه به روحانیون نسبت به عدالت اجتماعی ..... ۱۲۶
- ۲۱۱ - توصیه به کارگزاران نظام نسبت به عدم فروگذاری در خدمتگزاری ..... ۱۲۷
- ۲۱۲ - خیر دنیا و آخرت در کوشش برای رفاه طبقات محروم ..... ۱۲۷
- الگوپذیری ملل مستضعف از نهضت اسلامی ایران ..... ۱۲۸
- ۲۱۳ - پیروزی ملت ایران سرمشق سایر ملل ستمدیده ..... ۱۲۸
- ۲۱۴ - پیدایش رمز پیروزی در همه ملتها ..... ۱۲۸
- ۲۱۵ - الگوپذیری مستضعفین از مجاهدات جوانان برومند ایران ..... ۱۲۸
- ۲۱۶ - نهضت اسلامی، هشدار برای مستکبرین ..... ۱۲۹
- ۲۱۷ - الگو قرار گرفتن، رمز پیروزی برای همه مستضعفین ..... ۱۲۹
- ۲۱۸ - ایران، مبدأ و نقطه اول و الگو برای همه ملت‌های مستضعف ..... ۱۲۹
- ۲۱۹ - الگوپذیری کشورها از پیاده شدن حکومت اسلامی در ایران ..... ۱۳۰
- ۲۲۰ - نهضت ایران، الگوی سایر ملت‌های مستضعف ..... ۱۳۰
- ۲۲۱ - انقلاب اسلامی راهنمای سایر ملل تحت سلطه ..... ۱۳۰
- ۲۲۲ - گسترش نهضت اسلامی ..... ۱۳۰
- ۲۲۳ - آشتی بین ملتها و دولتها با صدور انقلاب ..... ۱۳۱
- ۲۲۴ - صدور انقلاب به منظور پیاده شدن احکام اسلام ..... ۱۳۱
- ۲۲۵ - امید مستضعفان به نهضت ایران ..... ۱۳۱

فصل ششم: وظیفه و مسئولیت مسلمانان و مستضعفان جهان در مقابل استکبار

(توصیه‌ها)

- ۱۳۵ ..... □ بیداری و هوشیاری
- ۱۳۵ ..... ۲۲۶ - فریاد اسلامخواهی
- ۱۳۵ ..... ۲۲۷ - خودیابی
- ۱۳۵ ..... ۲۲۸ - آگاهی و شناخت نسبت به عملکرد مستکبرین
- ۱۳۶ ..... ۲۲۹ - به خود آمدن مظلومان جهان
- ۱۳۶ ..... ۲۳۰ - دفاع از حق و حقیقت
- ۱۳۶ ..... ۲۳۱ - هشدار به مستضعفان جهان
- ۱۳۸ ..... ۲۳۲ - توصیه به خیزش و ایستادگی مستضعفین در مقابل ابرقدرتها
- ۱۳۸ ..... ۲۳۳ - آگاهی و انسجام ملتها
- ۱۳۹ ..... ۲۳۴ - بیداری و هوشیاری مظلومان جهان در پرده‌برداری از جنایات ستمگران
- ۱۴۱ ..... □ تشکیل حزب مستضعفین (بسیج مستضعفین)
- ۱۴۱ ..... ۲۳۵ - بسیج عمومی در روز قدس، مقدمه ایجاد حزب مستضعفین
- ۱۴۱ ..... ۲۳۶ - ضرورت تأسیس حزب مستضعفین
- ۱۴۲ ..... ۲۳۷ - رفع گرفتاریها با ایجاد حزب مستضعفین
- ۱۴۳ ..... ۲۳۸ - قطع ریشه فساد با وحدت مستضعفین
- ۱۴۳ ..... ۲۳۹ - بسیج عمومی تمام مستضعفین جهان
- ۱۴۳ ..... ۲۴۰ - عدم سستی در تحقق وحدت بین مستضعفان
- ۱۴۴ ..... □ قیام و تداوم مبارزه حق طلبانه
- ۱۴۴ ..... ۲۴۱ - مبارزه با انحصارطلبی
- ۱۴۴ ..... ۲۴۲ - همبستگی ملتها در مبارزات حق طلبانه
- ۱۴۵ ..... ۲۴۳ - روز قدس هشدار به همه ابرقدرتها
- ۱۴۶ ..... ۲۴۴ - قیام همگانی در مقابل قدرتهای شیطانی

- ۲۴۵- راندن ستمگران از صحنه ..... ۱۴۶
- ۲۴۶- نهرا سیدن از عربده‌های قدرتمندان ..... ۱۴۷
- ۲۴۷- گرفتن حق مستضعفین با مشت محکم ..... ۱۴۷
- ۲۴۸- قیام برای نجات خود و اسلام ..... ۱۴۷
- ۲۴۹- ایستادگی مستضعفان در مقابل مستکبران ..... ۱۴۸
- ۲۵۰- قیام مظلومان بر ضد مستکبرین ..... ۱۴۸
- ۲۵۱- انقلاب اسلامی ایران، درس عبرتی برای مسلمانان و مستضعفان جهان ..... ۱۴۸
- ۲۵۲- حفظ نقطه بروز مخالفت ..... ۱۵۱
- ۲۵۳- لزوم تداوم مبارزه با جنایتکاران ..... ۱۵۲
- ۲۵۴- بر مستکبران آدمخوار بشورید و حق خود را بگیرید ..... ۱۵۳
- ۲۵۵- محدود کردن حق و تو ..... ۱۵۴
- ۲۵۶- لزوم همکاری ملتها و دولتها در از بین بردن غده سرطانی اسرائیل ..... ۱۵۴
- ۲۵۷- رفع سلطه‌های شیطانی با وحدت و قیام مستضعفین ..... ۱۵۴
- ۲۵۸- قیام در مقابل ظالمان و جنایتکاران ..... ۱۵۵
- ۲۵۹- مبارزه با فقر با ارائه سیستم صحیح اقتصاد اسلامی ..... ۱۵۵
- ۲۶۰- وصیت به همه مسلمانان و مستضعفان جهان در گرفتن حق خود از مستکبران ..... ۱۵۵



## فهرست مآخذ

صحیفه امام		موضوع	تاریخ	
صفحه	جلد			
۳۶۹	۷	بیانات امام خمینی در جمع پاسداران مسجدالرضای تهران	۵۸/۲/۲۹	۱
۴۸۸	۷	بیانات امام خمینی در جمع عشایر کهنوج و اساتید دانشگاه	۵۸/۳/۴	۲
۴۸۹	۷	بیانات امام خمینی در جمع عشایر کهنوج و اساتید دانشگاه	۵۸/۳/۴	۳
۱۲۱	۱۰	بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت فاطمیون تهران	۵۸/۷/۴	۴
		بیانات امام خمینی در مورد مطالعات اجانب در عادات و روحیات	۵۷/۷/۲۳	۵
۱۸	۴	شرفیان به منظور استعمار و استثمار		
۲۸۹	۷	بیانات امام خمینی در جمع اعضای جامعه کلیمیان ایران	۵۸/۲/۲۴	۶
۳۲۷	۷	بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم و عشایر خرم‌آباد لرستان	۵۸/۲/۲۶	۷
۴۸۸	۷	بیانات امام خمینی در جمع عشایر کهنوج و اساتید دانشگاه	۵۸/۳/۴	۸
۱۶۸	۹	بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده بابل	۵۸/۴/۳۰	۹
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید سرهنگ	۵۹/۶/۱۲	۱۰
۳۹۶	۹	فراشاهی و بانوان مکتب ولی عصر		
		بیانات امام خمینی در جمع گروهی از گودنشینان و اقشار مختلف	۶۰/۱/۱۶	۱۱
۲۶۱	۱۴	جنوب شهر تهران		
۵۰۷	۱۵	بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان اصفهان و چهارمحال بختیاری	۶۰/۱۰/۳۰	۱۲

## ۱۷۲ / استضعاف و استکبار

۴۶۱	۲	دعوت امام خمینی به پشتیبانی از فلسطین	۵۱/۷/۱۹	۱۳
		بیانات امام خمینی در مورد مطالعات اجانب در عادات و روحیات	۵۷/۷/۲۳	۱۴
۱۹	۴	شرفیان به منظور استعمار و استثمار		
۲۱۴	۴	بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات اجانب بر علیه اسلام و روحانیت	۵۷/۸/۸	۱۵
۳۲۱	۴	بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات اجانب علیه اسلام و روحانیت	۵۷/۸/۱۴	۱۶
۱۲۹	۹	بیانات امام خمینی در دیدار با سفیر یمن شمالی	۵۸/۴/۲۶	۱۷
۲۷۵	۹	بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر امور خارجه کشور سوریه	۵۸/۵/۲۴	۱۸
۸۸	۱۱	بیانات امام خمینی در دیدار جمعی از روحانیون	۵۸/۸/۲۹	۱۹
۱۰۹	۱۱	پیام امام خمینی به جنبشهای آزادیبخش جهان	۵۸/۹/۴	۲۰
۲۷۲	۱۱	بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن امدادی پزشکان اصفهان	۵۸/۹/۲۵	۲۱
۲۱۲	۱۳	پیام امام خمینی به زائرین بیت الله الحرام	۵۹/۶/۲۱	۲۲
		بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست، اعضای هیأت تحریریه و	۵۹/۱۲/۱۲	۲۳
۱۷۱	۱۴	کارکنان روزنامه میزان		
		بیانات امام خمینی در جمع پرسنل صنایع نظامی کشور و اعضای	۶۰/۱/۳۱	۲۴
۳۰۶	۱۴	مکتب الزهراء یزد		
۳۹۰	۱۴	بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم تبریز	۶۰/۳/۱۱	۲۵
		بیانات امام خمینی در جمع فارغ التحصیلان و فرمانده آموزشگاه	۶۰/۹/۲۵	۲۶
۴۳۸	۱۵	افسری ژاندارمری و...		
		بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، وزرا، رئیس و	۶۰/۱۱/۱۹	۲۷
۲۰	۱۶	نمایندگان مجلس شورای اسلامی		
		بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست، گروهی از مسئولان و	۶۰/۱۲/۱۰	۲۸
۷۴	۱۶	پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی تهران		
		بیانات امام خمینی در دیدار با نخست وزیر و اعضای هیأت دولت	۶۱/۶/۷	۲۹
۴۴۲	۱۶	جمهوری اسلامی		
		بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس شورای	۶۱/۶/۹	۳۰
۴۵۸	۱۶	اسلامی، فرماندهان سپاه پاسداران و ...		

## فهرست مأخذ / ۱۷۳

۴۹۴	۱۷	بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه و جماعات	۶۲/۳/۲۱	۳۱
		بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر بهداشتی و گروهی از کارکنان	۶۲/۹/۱۶	۳۲
۲۳۸	۱۸	این وزارتخانه		
		بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، اعضای مجلس	۶۳/۱۱/۱۴	۳۳
۱۳۳	۱۹	خبرگان، ائمه جمعه کشور و میهمانان خارجی		
		بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، اعضای مجلس	۶۳/۱۱/۱۴	۳۴
۱۴۰	۱۹	خبرگان، ائمه جمعه کشور و میهمانان خارجی		
۳۴۲	۱۹	پیام امام خمینی به حجاج بیت الله الحرام	۶۴/۵/۲۵	۳۵
۴۰۶	۲۱	وصیتنامه سیاسی - الهی حضرت امام (ره)	۶۸/۳/۱۵	۳۶
۲۸	ولایت فقیه	—	—	۳۷
۱۲۴	۲	نامه سرگشاده امام خمینی به هویدا	۴۶/۱/۲۶	۳۸
		بیانات امام خمینی در مورد سرسپردگی رژیم پهلوی به ابرقدرتها و	۵۷/۷/۱۹	۳۹
۵۰۸	۳	وظیفه مسلمین در قبال نهضت		
۴۰۸	۳	بیانات امام خمینی به مناسبت سالروز ۱۵ خرداد	۵۷/۳/۱۰	۴۰
		بیانات امام خمینی در مورد سرسپردگی رژیم پهلوی به ابرقدرتها و	۵۷/۷/۱۹	۴۱
۵۰۷	۳	وظیفه مسلمین در قبال نهضت		
۵۲۱	۳	بیانات امام خمینی در مورد حقوق بشر و فضای باز سیاسی	۵۷/۷/۲۱	۴۲
		بیانات امام خمینی در مورد مطالعات اجانب در عادات و روحیات	۵۷/۷/۲۳	۴۳
۲۳	۴	شرفیان به منظور استثمار و استعمار		
۶۹	۴	بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۷/۲۸	۴۴
۲۴	۶	بیانات امام خمینی در میان جمعی از روحانیون	۵۷/۱۱/۱۳	۴۵
۴۷	۶	بیانات امام خمینی در جمع عده‌ای از روحانیون	۵۷/۱۱/۱۴	۴۶
		بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و عشایر استان فارس و	۵۸/۴/۱۲	۴۷
۴۰۰	۸	کهکیلویه		
۳۶۱	۱۲	پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس شورای اسلامی	۵۹/۳/۷	۴۸
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی استان سیستان و	۵۹/۵/۲۷	۴۹
۱۳۲	۱۳	بلوچستان، جیرفت و ...		

## ۱۷۴ / استضعاف و استکبار

		بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان و مسئولین	۶۱/۷/۱۱	۵۰
۳۰	۱۷	دانشکده افسری		
		بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس شورای	۶۲/۳/۱۴	۵۱
۴۷۵	۱۷	اسلامی و شورای نگهبان و مسئولین بنیاد ۱۵ خرداد		
۱۹۴	۱۹	پیام امام خمینی به مناسبت سال نو	۶۴/۱/۱	۵۲
		بیانات امام خمینی در جمع رئیس جمهور، رئیس دیوان عالی	۶۴/۱۱/۲۲	۵۳
۴۸۱	۱۹	کشور، نخست وزیر و میهمانان خارجی دهه فجر		
۴۱۴	۲۱	وصیتنامه سیاسی - الهی حضرت امام (ره)	۶۸/۳/۱۵	۵۴
		بیانات امام خمینی در مورد مطالعات اجانب در عادات و روحیات	۵۷/۷/۲۳	۵۵
۱۹	۴	شرقیان به منظور استعمار و استثمار		
۲۱۵	۴	بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات اجانب بر علیه اسلام و روحانیت	۵۷/۸/۸	۵۶
۸۹	۶	بیانات امام خمینی در دیدار با قضات و وکلای دادگستری	۵۷/۱۱/۱۸	۵۷
۲۳۶	۶	بیانات امام خمینی در جمع وکلای دادگستری	۵۷/۱۲/۷	۵۸
۲۰۲	۶	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرهنگیان	۵۷/۱۱/۳۰	۵۹
		بیانات امام خمینی در جمع سرپرست و مسئولین کمیته های	۵۸/۱/۲۹	۶۰
۴۴	۷	چهارده گانه انقلاب اسلامی تهران		
۲۸۹	۷	بیانات امام خمینی در جمع اعضای جامعه کلیمیان ایران	۵۸/۲/۲۴	۶۱
۳۲۷	۷	بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم و عشایر خرم آباد لرستان	۵۸/۲/۲۶	۶۲
۳۸۸	۷	بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مردم بحرین و پاکستان	۵۸/۲/۳۰	۶۳
۲۹۳	۸	بیانات امام خمینی در جمع افراد جهاد سازندگی و کارکنان شرکت نفت	۵۸/۴/۵	۶۴
۴۵۶	۸	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از ناینیان مدرسه ابابصیر اصفهان	۵۸/۴/۱۴	۶۵
۱۶۹	۹	بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده بابل	۵۸/۴/۳۰	۶۶
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید سرهنگ	۵۸/۶/۱۲	۶۷
۳۹۶	۹	فرشاهی و بانوان مکتب ولی عصر		
		بیانات امام خمینی در جمع وزیر بهداشتی و بهزیستی، معاونان و	۵۸/۹/۱۶	۶۸
۱۸۵	۱۱	مسئولان وزارتخانه		



فهرست مأخذ / ۱۷۵

		بیانات امام خمینی در جمع ائمه جماعات استان خراسان و گروهی	۶۰/۶/۱۸	۶۹
۲۱۳	۱۵	از روحانیون		
		بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان اصفهان و چهارمحال	۶۰/۱۰/۳۰	۷۰
۵۰۷	۱۵	بختیاری		
۴۵	ولایت فقیه	—	—	۷۱
۱۰۹	ولایت فقیه	—	—	۷۲
۳۶۰	۲	بیانات امام خمینی به مناسبت جشنهای ۲۵۰۰ ساله	۵۰/۳/۶	۷۳
		بیانات امام خمینی در مورد مطالعات اجانب در عادات و روحیات	۵۷/۷/۲۳	۷۴
۱۸	۴	شرقیان به منظور استثمار و استعمار		
		بیانات امام خمینی در تبلیغات سوء استعمارگران و مدعیان	۵۷/۷/۳۰	۷۵
۹۹	۴	خلق دوستی بر علیه اسلام و قرآن		
۲۱۴	۴	بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات اجانب بر علیه اسلام	۵۷/۸/۸	۷۶
۲۱۶	۴	بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات اجانب بر علیه اسلام	۵۷/۸/۸	۷۷
۳۱۹	۴	بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات اجانب علیه اسلام و روحانیت	۵۷/۸/۱۴	۷۸
۳۲۱	۴	بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات اجانب علیه روحانیت	۵۷/۸/۱۴	۷۹
۲۱۶	۵	بیانات امام خمینی در مورد قطع رابطه با دولتهای پشتیبان شاه	۵۷/۹/۲۰	۸۰
۸۹	۶	بیانات امام خمینی در دیدار با قضات و وکلای دادگستری	۵۷/۱۱/۱۸	۸۱
۲۳۷	۶	بیانات امام خمینی در جمع وکلای دادگستری	۵۷/۱۲/۷	۸۲
۲۰۲	۶	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرهنگیان	۵۷/۱۱/۳۰	۸۳
		بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب	۵۷/۱۲/۱۴	۸۴
۳۱۳	۶	اسلامی		
		بیانات امام خمینی در جمع سرپرست و مسئولین کمیته‌های	۵۸/۱/۲۹	۸۵
۴۴	۷	چهارده گانه انقلاب اسلامی تهران		
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت اعزامی از لیبی به	۵۸/۲/۴	۸۶
۱۱۷	۷	سرپرستی سرگرد جلود		
۳۲۷	۷	بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم و عشایر خرم‌آباد لرستان	۵۸/۲/۲۶	۸۷

## ۱۷۶ / استضعاف و استکبار

۳۸۹	۷	بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مردم بحرین و پاکستان	۵۸/۲/۳۰	۸۸
		بیانات امام خمینی در جمع پاسداران، مرز نشینان دشت مغان و بانوان مکتب ولی عصر	۵۸/۳/۸	۸۹
۵۳۰	۷			
۲۰۶	۸	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران مسجد نبی اکرم (ص) تهران	۵۸/۳/۲۸	۹۰
		بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران قم و کارمندان شرکت نفت آبادان	۵۸/۴/۵	۹۱
۲۹۲	۸			
۴۵۶	۸	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نابینایان مدرسه ابابصیر اصفهان	۵۸/۴/۱۴	۹۲
		بیانات امام خمینی در جمع برادران اهل مریوان و سنندج و پرسنل گردان ۶۲	۵۸/۴/۲۱	۹۳
۵۰	۹			
۱۷۱	۹	بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده بابل	۵۸/۴/۳۰	۹۴
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید سرهنگ فراشاهی و بانوان مکتب ولی عصر	۵۸/۶/۱۲	۹۵
۳۹۷	۹			
۱۲۱	۱۰	بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت فاطمیون تهران	۵۸/۷/۴	۹۶
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان بابل	۵۸/۸/۳	۹۷
۳۴۸	۱۰			
۴۸۱	۱۰	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان اصفهان	۵۸/۸/۱۳	۹۸
۵۶	۱۱	پیام امام خمینی به خواهران و برادران کرد	۵۸/۸/۲۶	۹۹
		بیانات امام خمینی در جمع وزیر بهداشتی و بهزیستی، معاونان و مسئولان وزارتخانه	۵۸/۹/۱۶	۱۰۰
۱۸۵	۱۱			
۲۴۰	۱۵	پیام امام خمینی به مناسبت هفته بزرگداشت جنگ تحمیلی	۶۰/۶/۲۷	۱۰۱
۳۴۳	۱۹	پیام امام خمینی به حجاج بیت الله الحرام	۶۴/۵/۲۵	۱۰۲
۸۵	۲۱	پیام به مناسبت سالگرد کشتار خونین در مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸	۶۷/۴/۲۹	۱۰۳
		پیام امام خمینی خطاب به علما و مردم پاکستان به مناسبت اربعین شهادت علامه عارف حسین حسینی	۶۷/۶/۱۴	۱۰۴
۱۲۱	۲۱			
۲۷۶	۲۱	پیام امام خمینی خطاب به مراجع اسلام، روحانیون سراسر کشور و...	۶۷/۱۲/۳	۱۰۵
۴۰۷	۲۱	وصیتنامه سیاسی - الهی حضرت امام خمینی (س)	۶۸/۳/۱۵	۱۰۶

## فهرست مآخذ / ۱۷۷

۴۵۷	۶	پیام رادیو تلویزیونی امام پس از انجام رفراندوم جمهوری اسلامی	۵۸/۱/۱۲	۱۰۷
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت اعزامی از لیبی به	۵۸/۲/۴	۱۰۸
۱۱۷	۷	سرپرستی سرگرد جلود		
		بیانات امام خمینی در جمع پرسنل نیروی هوایی دزفول و نمایندگان	۵۸/۲/۴	۱۰۹
۱۱۵	۷	مردم شهرستان الیگودرز		
۲۹۲	۷	بیانات امام در جمع گروهی از مسلمانان پاکستانی و هندی	۵۸/۲/۲۴	۱۱۰
۱۲۱	۱۰	بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت فاطمیون تهران	۵۸/۷/۴	۱۱۱
۲۰۶	۱۰	بیانات امام خمینی در جمع پرسنل ژاندارمری	۵۸/۷/۱۱	۱۱۲
۱۳۳	۱۱	مصاحبه خبرنگار ژاپنی با امام خمینی	۵۸/۹/۵	۱۱۳
۳۵۲	۱۱	بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشگاه شیراز	۵۸/۹/۲۹	۱۱۴
۳۷۶	۱۱	پیام امام خمینی به مسیحیان جهان به مناسبت عید میلاد حضرت مسیح	۵۸/۱۰/۲	۱۱۵
		بیانات امام خمینی در جمع کارکنان بیمارستان سهامیه و کشتی‌گیران	۵۸/۱۰/۲۰	۱۱۶
۱۰۳	۱۲	ارتش جمهوری اسلامی		
۱۳۸	۱۲	پیام امام خمینی به مناسبت ولادت و هجرت حضرت محمد(ص)	۵۸/۱۱/۱۵	۱۱۷
۱۴۴	۱۲	پیام امام خمینی به گردهمایی خانواده شهدای سراسر کشور	۵۸/۱۱/۱۹	۱۱۸
۴۸۲	۱۲	پیام امام خمینی به مناسبت نیمه‌شعبان خطاب به ملت ایران	۵۹/۴/۷	۱۱۹
۴۷۲	۱۴	پیام امام خمینی به مناسبت پانزدهم شعبان	۶۰/۳/۲۸	۱۲۰
۶۲	۱۵	پیام امام خمینی به مناسبت روز جهانی قدس	۶۰/۵/۱۰	۱۲۱
		بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس	۶۰/۱۰/۲۳	۱۲۲
۴۹۱	۱۵	مجلس و کلیه اعضای هیأت دولت		
		پیام امام خمینی به مناسبت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب	۶۱/۱۱/۲۲	۱۲۳
۳۱۸	۱۷	اسلامی ایران		
۴۸۰	۱۷	پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد	۶۲/۳/۱۵	۱۲۴
۱۷۲	۵	مصاحبه امام خمینی با مجله فردای افریقا	۵۷/۹/۱۴	۱۲۵
		پیام امام خمینی به ملت ایران درباره تشکیل انقلاب اسلامی و	۵۷/۱۰/۲۲	۱۲۶
۴۲۷	۵	احتمال کودتای رژیم شاه		

## ۱۷۸ / استضعاف و استکبار

		بیانات امام خمینی در جمع روحانیون، گروهی از ایرانیان و شورای	۵۷/۱۲/۱۱	۱۲۷
۲۹۳	۶	منتخب بیمارستانهای هلال احمر امارات متحده عربی		
۲۹۲	۷	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسلمانان پاکستانی و هندی	۵۸/۲/۲۴	۱۲۸
۳۱۷	۷	بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت بازرگانی ایرانی	۵۸/۲/۲۵	۱۲۹
۳۲۷	۷	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان مشهد	۵۸/۲/۲۶	۱۳۰
		بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی و اعضای	۵۸/۳/۳	۱۳۱
۴۷۵	۷	دادگستری		
۱۲۱	۱۰	بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت فاطمیون تهران	۵۸/۷/۴	۱۳۲
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای حزب جمهوری اسلامی شهر	۵۸/۷/۱۵	۱۳۳
۲۳۸	۱۰	ولی عصر		
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید سرهنگ	۵۸/۸/۳	۱۳۴
۳۴۹	۱۰	فراشاهی و بانوان مکتب ولی عصر		
۴۰۲	۱۰	بیانات امام خمینی در دیدار با گروه امداد تهران	۵۸/۸/۸	۱۳۵
		بیانات امام خمینی در جمع قهرمانان کشتی آزاد ایران در آسیا و	۵۸/۹/۲۸	۱۳۶
۳۳۶	۱۱	اروپا و پهلوانان کشتی باستانی		
۱۳۸	۱۲	پیام امام خمینی به مناسبت ولادت و هجرت حضرت محمد(ص)	۵۸/۱۱/۱۵	۱۳۷
۲۰۲	۱۲	پیام امام خمینی به مناسبت حلول سال جدید	۵۹/۱/۱	۱۳۸
۲۳۱	۱۲	پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس جمهور الجزایر	۵۹/۱/۱۷	۱۳۹
		بیانات امام خمینی در جمع کارگران معادن ذوب آهن، اعضای	۵۹/۱۱/۱۵	۱۴۰
۴۹	۱۴	جهاد سازندگی		
		بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کودکانشینان و اقشار مختلف	۶۰/۱/۱۶	۱۴۱
۲۶۳	۱۴	جنوب شهر تهران		
		بیانات امام خمینی در جمع پرسنل صنایع نظامی کشور و اعضای	۶۰/۱/۳۱	۱۴۲
۳۰۷	۱۴	مکتب الزهراهای یزد		
۵۹	۱۵	پیام امام خمینی به مناسبت روز جهانی قدس	۶۰/۵/۱۰	۱۴۳
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشجویان	۶۰/۵/۱۹	۱۴۴
۱۰۰	۱۵	ایرانی در اروپا		

## فهرست مأخذ / ۱۷۹

		بیانات امام خمینی در جمع مردم سوگوار کشورمان و گروهی از	۶۰/۶/۱۰	۱۴۵
۱۴۵	۱۵	مسلمانان سازمان امامیه پاکستان		
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده‌های شهدای استانهای	۶۰/۷/۲۶	۱۴۶
۳۱۸	۱۵	مرکزی، لرستان، چهارمحال بختیاری و کرمان		
		بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، نخست‌وزیر و کلیه	۶۰/۸/۲۳	۱۴۷
۳۵۶	۱۵	اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی		
		بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، وزرا، رئیس و	۶۰/۱۱/۱۹	۱۴۸
۲۴	۱۶	نمایندگان مجلس شورای اسلامی، پرسنل ارتش و...		
۴۵	۱۶	پیام امام خمینی به مناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی	۶۰/۱۱/۲۲	۱۴۹
		بیانات امام خمینی در جمع مسئولان شورای مرکزی کمیته‌های	۶۲/۲/۱۸	۱۵۰
۴۲۵	۱۷	امداد سراسر کشور		
۴۸۰	۱۷	پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد	۶۲/۳/۱۵	۱۵۱
		بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و معاونین وزارت سپاه	۶۲/۵/۱۹	۱۵۲
۴۶	۱۸	پاسداران انقلاب اسلامی		
		بیانات امام خمینی در جمع رؤسای جمهوری و مجلس، گروهی از	۶۲/۷/۴	۱۵۳
۱۶۰	۱۸	مستضعفین تهران و پرسنل سپاه و ارتش و بسیج		
		بیانات امام خمینی در جمع میهمانان شرکت‌کننده در دومین کنگره	۶۳/۲/۲۳	۱۵۴
۴۲۹	۱۸	جهانی ائمه جمعه و جماعات		
		پیام امام خمینی به مناسبت گشایش دومین دوره مجلس شورای	۶۳/۳/۷	۱۵۵
۴۶۲	۱۸	اسلامی		
		بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت	۶۳/۶/۴	۱۵۶
۳۴	۱۹	به مناسبت هفته دولت		
		بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسئولین کشور، نمایندگان	۶۶/۱۱/۲۱	۱۵۷
۴۷۲	۲۰	کشورهای خارجی مقیم تهران		
		پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول	۶۷/۴/۲۹	۱۵۸
۸۶	۲۱	قطعه‌نامه ۵۹۸		

## ۱۸۰ / استضعاف و استکبار

		پاسخ به نامه رؤسای سه قوه و نخست‌وزیر در مورد کسب تکلیف	۶۷/۷/۱۱	۱۵۹
۱۵۵	۲۱	بازسازی کشور		
۲۵۸	کشف اسرار	—	—	۱۶۰
۴۹۹	۴	پیام امام خمینی به کارگران و کارمندان شرکت نفت	۵۷/۸/۲۴	۱۶۱
		بیانات امام خمینی در مورد نفی اصل رژیم سلطنتی و لغو کلیه	۵۷/۸/۲۶	۱۶۲
۱۳	۵	قراردادهای استعماری		
۷۷	۵	بیانات امام خمینی به ملت شجاع ایران به مناسبت فرارسیدن ماه محرم	۵۷/۹/۱	۱۶۳
۳۶۳	۵	بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات شیطنت‌آمیز شاه	۵۷/۱۰/۱۷	۱۶۴
۴۸۹	۵	مصاحبه امام خمینی با اکسپرس	۵۷/۱۰/۲۷	۱۶۵
۲۶۲	۶	اعلامیه امام خمینی در آستانه ترک تهران به قم	۵۷/۱۲/۹	۱۶۶
۲۷۲	۶	بیانات امام خمینی در روز ورود به قم	۵۷/۱۲/۱۰	۱۶۷
		بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب	۵۷/۱۲/۱۴	۱۶۸
۳۱۳	۶	اسلامی		
۳۳۲	۶	بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه قم	۵۷/۱۲/۱۵	۱۶۹
۴۶۱	۶	پیام رادیو تلویزیونی امام پس از انجام رفراندوم جمهوری اسلامی	۵۸/۱/۱۲	۱۷۰
۵۱۸	۶	دستور امام خمینی دربارهٔ خانه‌سازی در سراسر کشور	۵۸/۱/۲۱	۱۷۱
۲۳	۷	بیانات امام خمینی در جمع پرسنل پادگانهای فرح‌آباد و لشکرک	۵۸/۱/۲۶	۱۷۲
۳۳۵	۷	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان مشهد	۵۸/۲/۲۶	۱۷۳
		بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران مسجد	۵۸/۳/۲۸	۱۷۴
۲۰۶	۸	نبی اکرم (ص) تهران		
۴۷۴	۸	بیانات امام خمینی در جمع صاحبان صنایع و بازاریان تهران	۵۸/۴/۱۵	۱۷۵
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت اعزامی از کشور	۵۸/۴/۲۳	۱۷۶
۷۲	۹	یوگسلاوی		
		بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرمانداران کشور، پاسداران	۵۸/۴/۲۶	۱۷۷
۱۲۲	۹	سپیددشت و کودکان مکتب سرود		
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای سمینار آموزشی انجمنهای	۵۸/۵/۲۷	۱۷۸
۲۹۴	۹	معلمین کشور		

فهرست مآخذ / ۱۸۱

		بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۵۸/۸/۳	۱۷۹
۳۵۱	۱۰	شهرستان بابل		
۴۹۸	۱۰	بیانات امام خمینی در جمع شهرداران سراسر کشور	۵۸/۸/۱۴	۱۸۰
		فرمان امام خمینی به شورای انقلاب در رابطه با استعفای مهندس	۵۸/۸/۱۵	۱۸۱
۵۰۰	۱۰	بازرگان		
۱۱	۱۱	بیانات امام خمینی در جمع کارمندان و کارکنان شهرداری اهواز	۵۸/۸/۱۷	۱۸۲
۳۵۴	۱۱	بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشگاه شیراز	۵۸/۹/۲۹	۱۸۳
		بیانات امام خمینی به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری در	۵۸/۱۱/۴	۱۸۴
۱۲۶	۱۲	بیمارستان قلب تهران		
۳۶۲	۱۲	پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس شورای اسلامی	۵۹/۳/۷	۱۸۵
۴۴۸	۱۲	بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهادسازندگی	۵۹/۳/۲۷	۱۸۶
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت برادر محمدعلی	۵۹/۶/۲۰	۱۸۷
۲۰۴	۱۳	رجایی		
		بیانات امام خمینی در جمع علما و روحانیون استانهای آذربایجان	۶۰/۲/۲۱	۱۸۸
۳۴۱	۱۴	شرقی و غربی		
۶۲	۱۵	پیام امام خمینی به مناسبت روز جهانی قدس	۶۰/۵/۱۰	۱۸۹
		بیانات امام خمینی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری برادر	۶۰/۵/۱۱	۱۹۰
۷۵	۱۵	محمدعلی رجایی		
		بیانات امام خمینی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری	۶۰/۷/۱۷	۱۹۱
۲۸۸	۱۵	حجت الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای		
		فرمان امام خمینی به نخست وزیر در مورد سرپرستی بنیاد	۶۰/۹/۱۳	۱۹۲
۴۰۷	۱۵	مستضعفین		
		بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس	۶۰/۱۰/۲۳	۱۹۳
۴۹۵	۱۵	مجلس و کلیه اعضای هیأت دولت		
		بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، وزرا، رئیس و	۶۰/۱۱/۱۹	۱۹۴
۲۴	۱۶	نمایندگان مجلس شورای اسلامی		

## ۱۸۲ / استضعاف و استکبار

۳۳۲	۱۶	بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور و فرمانداران سراسر کشور	۶۱/۳/۲۴	۱۹۵
		بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و فرماندهان سپاه پاسداران	۶۱/۶/۹	۱۹۶
۴۶۹	۱۶	بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس دیوان عالی کشور و کلیه قضات	۶۱/۱۰/۱۹	۱۹۷
۲۳۲	۱۷	شورای عالی قضایی		
		بیانات امام خمینی در جمع مسئولان شورای مرکزی کمیته‌های امداد سراسر کشور	۶۲/۲/۱۸	۱۹۸
۴۲۴	۱۷	فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام حسن صانعی	۶۲/۴/۲۲	۱۹۹
۱	۱۸	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل وزارت راه و ترابری	۶۲/۵/۱۱	۲۰۰
۲۸	۱۸	بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور و استانداران سراسر کشور	۶۲/۵/۱۲	۲۰۱
۳۸	۱۸	بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، نخست‌وزیر، اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی	۶۲/۶/۷	۲۰۲
۸۰	۱۸	بیانات امام خمینی در جمع رؤسای جمهوری و مجلس، گروهی از مستضعفین جنوب تهران	۶۲/۷/۴	۲۰۳
۱۵۹	۱۸	بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست و روحانیون بنیادهای مسکن انقلاب اسلامی سراسر کشور	۶۲/۱۲/۱۶	۲۰۴
۳۸۸	۱۸	پیام امام خمینی به نمایندگان دوره اول مجلس شورای اسلامی	۶۳/۲/۲۲	۲۰۵
۴۲۰	۱۸	سخنان امام خمینی در دیدار با وزیر امور خارجه، سفراء، کارداران جمهوری اسلامی ایران	۶۳/۸/۶	۲۰۶
۹۴	۱۹	پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی	۶۳/۱۱/۲۲	۲۰۷
۱۵۸	۱۹	بیانات امام خمینی در جمع وزیر و معاونین وزارت امور خارجه	۶۴/۸/۱۱	۲۰۸
۴۱۴	۱۹	پیام برائت به زائرین بیت‌الله الحرام	۶۶/۵/۶	۲۰۹
۳۴۱	۲۰	پیام به مناسبت سالگرد کشتار خونین در مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸	۶۷/۴/۲۹	۲۱۰
۹۹	۲۱	وصیتنامه سیاسی - الهی حضرت امام خمینی (س)	۶۸/۳/۱۵	۲۱۱
۴۱۲	۲۱	وصیتنامه سیاسی - الهی حضرت امام خمینی (س)	۶۸/۳/۱۵	۲۱۲
۴۴۵	۲۱	مصاحبه امام خمینی با خبرنگار روزنامه یونان	۵۷/۸/۱۵	۲۱۳
۳۳۳	۴			



## فهرست مآخذ / ۱۸۳

۴۹۹	۶	بیانات در دیدار با برادران مسلمان کشور صحرا	۵۸/۱/۱۷	۲۱۴
		بیانات امام خمینی در جمع پرسنل واحدهای نیروی زمینی و	۵۸/۲/۲	۲۱۵
۸۴	۷	ژاندارمری و مردم تبریز		
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت اعزامی از لیبی به	۵۸/۲/۴	۲۱۶
۱۱۸	۷	سرپرستی سرگرد جلود		
۱۴	۷	بیانات امام خمینی در جمع اعضای جبهه ملی اتحاد افریقایی	۵۸/۲/۶	۲۱۷
۲۹۲	۷	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسلمانان پاکستانی و هندی	۵۸/۲/۲۴	۲۱۸
۷۲	۹	بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت اعزامی از کشور یوگسلاوی	۵۸/۴/۲۳	۲۱۹
۱۱۵	۹	بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت استرالیایی	۵۸/۴/۲۵	۲۲۰
۲۳۰	۱۲	پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس جمهور لیبی	۵۹/۱/۱۷	۲۲۱
۳۹۹	۱۲	بیانات امام خمینی به مناسبت فرارسیدن ۱۵ خرداد	۵۹/۳/۱۴	۲۲۲
۹۵	۱۳	بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان و سفرای کشورهای اسلامی	۵۹/۵/۲۱	۲۲۳
		«به مناسبت عید فطر»		
		بیانات امام خمینی در دیدار با فرمانده سپاه، نماینده امام در سپاه و	۶۰/۷/۲۹	۲۲۴
۳۲۱	۱۵	اعضای شورای مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی		
		بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان لشکرها و یگانهای مستقل	۶۱/۳/۲۲	۲۲۵
۳۱۱	۱۶	نیروی زمینی		
۳۳۹	۶	بیانات امام خمینی در جمع عده‌ای از مسلمانان قطر	۵۷/۱۲/۱۶	۲۲۶
۱۱۰	۱۱	پیام امام خمینی به جنبشهای آزادیبخش	۵۸/۹/۴	۲۲۷
۲۷۲	۱۱	بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی پزشکان اصفهان	۵۸/۹/۲۵	۲۲۸
۱۴۴	۱۲	پیام امام خمینی به گروههایی از خانواده شهدای سراسر کشور	۵۸/۱۱/۱۹	۲۲۹
۲۲۱	۱۲	پیام امام خمینی به مناسبت ۱۲ فروردین سالروز تأسیس جمهوری اسلامی	۵۹/۱/۱۲	۲۳۰
		بیانات امام خمینی در جمع مردم سوگووار کشورمان و گروهی از	۶۰/۶/۱۰	۲۳۱
۱۴۵	۱۵	مسلمانان سازمان امامیه پاکستان		
۳۷	۱۶	بیانات امام خمینی در جمع میهمانان خارجی و خانواده‌های شهدای لبنان	۶۰/۱۱/۲۱	۲۳۲
۳۲۵	۱۶	بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان نهضت‌های آزادیبخش جهان	۶۱/۳/۲۳	۲۳۳

## ۱۸۴ / استضعاف و استکبار

۱۴۸	۱۹	پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی	۶۳/۱۱/۲۲	۲۳۴
۲۸۰	۹	بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۸/۵/۲۶	۲۳۵
۳۳۹	۹	بیانات امام خمینی به مناسبت عید سعید فطر	۵۸/۶/۲	۲۳۶
۳۳۱	۹	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از خواهران و برادران کویته	۵۸/۶/۲	۲۳۷
۱۴۴	۱۲	پیام امام خمینی به گردهمایی خانواده شهدای سراسر کشور	۵۸/۱۱/۱۹	۲۳۸
۱۶۰	۱۲	پیام امام خمینی در رابطه با هفته بسیج مستضعفین	۵۸/۱۲/۱	۲۳۹
۴۲۹	۱۷	بیانات امام خمینی در دیدار با معاون فرهنگی وزارت امور خارجه ایران	۶۲/۲/۲۰	۲۴۰
۲۸	ولایت فقیه	—	—	۲۴۱
۲۳۴	۵	مصاحبه امام خمینی با روزنامه اونیتا ارگان حزب کمونیست ایتالیا	۵۷/۹/۲۳	۲۴۲
۲۷۶	۹	پیام امام خمینی به مناسبت روز قدس	۵۸/۵/۲۵	۲۴۳
۳۳۹	۱۰	پیام امام خمینی به مناسبت روز عرفه	۵۸/۸/۳	۲۴۴
۳۷۶	۱۱	پیام امام خمینی به مسیحیان جهان به مناسبت عید میلاد حضرت مسیح	۵۸/۱۰/۲	۲۴۵
۱۳۸	۱۲	پیام امام خمینی به مناسبت ولادت حضرت رسول اکرم (ص)	۵۸/۱۱/۱۵	۲۴۶
۱۴۳	۱۲	بیانات امام خمینی در جمع میهمانان خارجی جشن هجرت	۵۸/۱۱/۱۹	۲۴۷
۱۶۰	۱۲	پیام امام خمینی در رابطه با هفته بسیج مستضعفین	۵۸/۱۲/۱	۲۴۸
		بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان و سفرای کشورهای اسلامی	۵۹/۵/۲۱	۲۴۹
۹۳	۱۳	«به مناسبت عید فطر»		
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهدای کشورهای اسلامی و سرپرست بنیاد شهید	۵۹/۱۱/۲۹	۲۵۰
۱۳۹	۱۴	اسلامی و سرپرست بنیاد شهید		
۵۹	۱۵	پیام امام خمینی به مناسبت روز جهانی قدس	۶۰/۵/۱۰	۲۵۱
		بیانات امام خمینی در جمع مردم سوگوار کشورمان و گروهی از مسلمانان سازمان امامیه پاکستان	۶۰/۶/۱۰	۲۵۲
۱۴۵	۱۵	پیام امام خمینی به مسلمانان جهان و زائران بیت الله الحرام	۶۰/۶/۱۵	۲۵۳
۳۴۹	۱۵	پیام امام خمینی به انجمن اسلامی دانشجویان در امریکا و کانادا	۶۰/۸/۱۲	۲۵۴
		بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت مدیره و دانشجویان	۶۰/۱۱/۴	۲۵۵
۵۲۱	۱۵	مدرسه عالی علوم تربیتی و قضایی قم		

## فهرست مأخذ / ۱۸۵

۳۲۹	۱۶	بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان نهضت‌های آزادیبخش جهان	۶۱/۳/۲۳	۲۵۶
		بیانات امام خمینی در دیدار با معاون فرهنگی وزارت امور خارجه	۶۲/۲/۲۰	۲۵۷
۴۲۹	۱۷	ایران		
۱۷۷	۱۹	پیام امام خمینی به مناسبت شهادت ۱۰ تن از بیت آیت‌الله العظمی حکیم	۶۳/۱۲/۱۸	۲۵۸
۳۴۰	۲۰	پیام براثت به زائرین بیت‌الله الحرام	۶۶/۵/۶	۲۵۹
۴۴۷	۲۱	وصیتنامه سیاسی - الهی حضرت امام (ره)	۶۸/۳/۱۵	۲۶۰

### فهرست منابع

- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) (گردآورنده)؛ صحیفه امام؛ ۲۲ ج، چ ۲، تهران: ۱۳۷۹.
- خمینی، روح الله؛ ولایت فقیه؛ چ ۱۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۱.
- خمینی، روح الله؛ کشف اسرار.